

مبلغان

ماهنامه علمی - تخصصی



سال بیست و هشتم

فصلنامه علمی

مجله علمی و فرهنگی

- ♦ مکتب فاطمی علیه السلام؛ الگوی جامع تاب آوری و کنشگری فعال
- ♦ حقوق بشر گزینشی؛ از کاپیتولاسیون تا ایستین
- ♦ آرمان شهر فاطمی در برابر آرمان شهر سکولار (۱)
- ♦ حضرت زینب کبری علیه السلام الگوی نگاه توحیدی
- ♦ زبان تأثیر در منبرهای فاطمی
- ♦ میراث فقاهت و تتبع
- ♦ آخرین سنگر (۲)
- ♦ سوگنامه کوثر

جمادی الاولی ۱۴۴۸ ق

مهر - آبان ۱۴۰۵ ش

معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه های علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»

ماهنامه علمی-تخصصی

مبلغان

سال بیست و هشتم

شماره ۳۳۱

مهر- آبان ۱۴۰۵

جمادی الأولى ۱۴۴۸ ق

معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه های علمیه

مدیریت تبلیغ نوین و امور هنری

صاحب امتیاز: معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه های علمیه

مدیرمسئول: حسین رفیعی

سر دبیر: محمد علی قربانی

هیأت تحریریه:

حسین رفیعی، محمود مهدی پور، سید حسین میرمعزی، حسین ملانوری، محمد مهدی ماندگاری، محمد میرزا محمدی، محمد حسین پورامینی، ابوالفضل هادی منش، عبدالکریم پاک نیا تبریزی، محمد غلامرضائی، جعفر واضحی آشتیانی، محمدرضا برته، محمد مهدی نبی زاده، مرتضی غرسبان، امیربهاءالدین علائی نژاد، سید یاسر تقوی، محمد کهوند، حبیب داستانی بنیسی، مهدی صادقی، اکبر محمدی و محمد علی قربانی.

دبیر گروه ارزیابی: محمد غلامرضائی

دبیر مقالات: میثم ابراهیمی منش

امور اجرایی: مهدی آقابائی

چاپخانه: اشراق / قم

قیمت: ۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال

تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه

یادآوری:

۱) مطالب ماهنامه «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است. ۲) مسئولیت مقالات و نوشته ها بر عهده نویسندگان است. ۳) حجم مقالات ارسالی نویسندگان، از ۱۰ صفحه ۳۰۰ کلمه ای فراتر نرود. ۴) مقالات همه نویسندگان به شرط برخورداری از موازین تبلیغی و پژوهشی، منتشر می شود. ۵) نقل مقالات با ذکر مأخذ مجاز است. ۶) ماهنامه «مبلغان» در تلخیص و ویرایش مقالات و نوشته ها آزاد است.

ارتباط:

تلفن: ۰۲۵ - ۳۳۱۳۰۰۰۰

email: MOBALLEGHAN@ISMS.IR

سامانه دریافت مقالات:

<https://MOBALLEGHAN.ISMS.IR>

آدرس:

قم، ۴۵ متری شهید صدوقی رحمه الله، خیابان

فجر، خیابان دانش، مرکز مدیریت

حوزه های علمیه، فاز ۶، طبقه دوم،

معاونت تبلیغ و امور فرهنگی، اتاق ۳۱۴

به جای سرمقاله

- آخرین سنگر (۲) ۵
محمد کهوند

تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم السلام)

- آرمان شهر فاطمی در برابر آرمان شهر سکولار (۱۱) ۱۹
حمید بیاتی
- حضرت زینب کبری (علیها السلام) الگوی نگاه توحیدی ۳۱
عبدالکریم پاک نیا تبریزی

سوژه سخن

- مکتب فاطمی (علیها السلام)؛ الگوی جامع تاب آوری و کنش گری فعال ۴۳
الناز موسوی یکتا
- حجاب و پروژه براندازی (حجاب و امنیت تمدنی) ۵۵
محمد مهدی نبی زاده
- حقوق بشر گزینشی؛ از کاپیتولاسیون تا اپستین ۶۶
علی ملکوتی نیا

آموزش و تربیت

- زبان تأثیر در منبرهای فاطمی ۸۴
مسعود سلمه ای

روضه و مرثیه

- سوگ نامه کوثر ۹۴
جعفر واضحی آشتیانی

اسوه ها و الگوهای تبلیغی

- میراث فقاقت و تتبع ۱۰۸
امیر علی حسنی

آشنایی با منابع معتبر شیعی

- آشنایی با کتاب «نگاهی به زندگانی، فضائل و سیره حضرت فاطمه (علیها السلام)» ۱۱۹
مهدی آقابابایی

خاطرات و تجارب

- خاطرات کودکان بهشتی (۴) ۱۲۴
رمضانعلی کلاته - میثم گمنام

سیاست و اجتماع

- تحلیل مسائل سیاسی روز ۱۲۹
مرتضی غریبان روزبهانی

گوناگون

- پرسش نامه ۱۴۱
ماهنامه مبلغان

رهنمود ولایت



«اینک که دروازهٔ سال تحصیلی تازه‌ای بر روی خیل عظیم دانش‌آموزان و دانشجویان گشوده می‌شود و راه‌نوردان علم و حکمت با امید به توفیق الهی دوره‌ای جدید از کسب دانش و معرفت و مهارت را آغاز می‌کنند، شایسته است هم‌نوا با مادران و پدران داغدار، بار دیگر یاد دانش‌آموزان شهید شده در جنگ تحمیلی اخیر را گرامی بداریم....»

... اکنون در روزگاری که توحش نظام سلطه خصوصاً دولت جنایتکار آمریکا و نظام جعلی صهیونی بیداد می‌کند، قدرت برآمده از دانش همراه با تقوا و اخلاق، چونان سپری پولادین و شمشیری بژان است که دستان متجاوز آنان را از سر بشریت کوتاه می‌سازد. اکنون شما در کلاس‌های درسی حاضر می‌شوید که نسل‌هایی که اندکی پیش از شما بر روی نیمکت‌های دوست‌داشتنی آن نشسته بودند، اینک در انواع جبهه‌های دفاع از وطن و شرف برای ایران اسلامی، عزت و اقتدار خلق می‌کنند و همان‌ها اسوه و چراغ راه شما خواهند بود؛ همچنان که پیش از آنان کسانی در همین کلاس‌ها بودند که اسوه‌های فداکاری و نشان‌های عظمت کشور و اسطوره‌های بزرگی و بزرگواری بشمار می‌روند».

(پیام مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای رحمته‌الله
به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها؛ مورخ: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱)



آخرین سنگر (۲)

((برادرکشی تمدنی))

محمد کهوند

مقدمه

تازه برتخت نشسته، یکپارچه نبود.

در مقاله پیشین (اعلام استقلال از آسمان) که در شماره ۳۳۰ ماهنامه مبلمان منتشر گردید، دیدیم که تمدن غربی، در پروژه ای چهارصدساله (از رنسانس تا روشنگری)، چگونه «خدا» را از مرکز حکمرانی، علم و اخلاق کنارزد و «انسان» را با سه ابزار «عقل خودبنیاد»، «علم تجربی اثباتی» و «رای اکثریت» برتخت نشاند. این پروژه «اومانیسم» نام گرفت و مدعی شد که انسان، بدون نیاز به «وحی» و «آسمان»، می تواند مسیر سعادت خود را بیابد و بهشت زمینی را با دستان خود بسازد؛ اما به محض آن که «خدای واحد» از عرصه عمومی کنار رفت، «انسان ها» به جان هم افتادند؛ ولی این «انسان»

پرسش های بزرگی که پیش تر «دین» به آن ها پاسخ می داد، اکنون پیش روی بشر بود: «سعادت بشر در چیست؟»، «جامعه چگونه باید اداره شود؟»، «عدالت یعنی چه؟» و «مرز آزادی کجاست؟». در پاسخ به این پرسش ها، چهار نسخه رقیب و «هم خانواده» از رجم اومانیسم زاده شدند: ناسیونالیسم که «ملت» را معبود جدید ساخت، لیبرالیسم که «فرد آزاد و بازار» را محور سعادت دانست، کمونیسم که وعده «جامعه بی طبقه» را داد و فاشیسم/نازیسم که بت «نژاد برتر» و «پیشوا» را پرستید.

این چهار مکتب، اگرچه دشمنان خونین یکدیگر بودند؛ اما مناسبات آن ها یک «رقابت ساده سیاسی» نبود؛ بلکه

یک «نبرد وجودی» بود. گویی هریک، بقای خود را در گرو «حذف» دیگری می‌دید؛ حذفی که گاه با جنگ سخت (جنگ جهانی)، گاه با جنگ سرد (نبرد ایدئولوژیک و ژئوپولیتیک^(۱)) و گاه با جنگ نرم (رسانه‌ای و تبلیغاتی) دنبال می‌شد و بهشت هر کدام، جهنم دیگری بود.

این مقاله، روایت‌گر پرده نخست از این نبرد خونین وجودی در نیمه نخست قرن بیستم است: از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م) تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵م). در این ۳۱ سال، جهان شاهد حذف دو مدعی تمدن از میدان بود؛ «فاشیسم» به صورت کامل حذف گردید و «ناسیونالیسم کلاسیک» به حاشیه رانده شد؛ اما دو مدعی دیگر تمدن؛ یعنی دو ابرقدرت «لیبرالیسم» (به رهبری آمریکا) و

«کمونیسم» (به رهبری شوروی) بلافاصله پس از پیروزی بر سایر رقبا، سلاح را زمین گذاشتند و «جنگ سرد» تمام‌عیاری را علیه یکدیگر آغاز کردند. در میانه این نبرد سرد، رقیبی از راه رسید که اساساً به این خانواده تعلق نداشت؛ رقیبی که نه «انسان»؛ بلکه «خدا» را محور حکمرانی می‌دانست؛ یعنی جمهوری اسلامی ایران.

بخش نخست: نقشه میدان

چهار مدعی نجات بشر در ابتدای قرن بیستم
در آستانه قرن بیستم، تمدن غربی چهار «ایدئولوژی نجات‌بخش» را به جهان عرضه کرده بود که همگی ریشه در اومانیسم داشتند؛ اما هریک برای رسیدن به «بهشت زمینی» مسیری متفاوت پیشنهاد می‌دادند. شناخت این چهار مدعی، برای فهم نبردهای خونین، نیمه نخست این قرن ضروری است.

۱. ناسیونالیسم

ناسیونالیسم ایده محوری خود را «ملت» قرار داد. در این نگاه، بالاترین وفاداری یک فرد، نه به خدا، نه به طبقه اجتماعی و نه به خانواده؛ بلکه باید به «ملت» باشد. ملت براساس مؤلفه‌های

۱. ژئوپلیتیک بر قدرت سیاسی مرتبط با فضای جغرافیایی، به ویژه آب‌های سرزمینی و سرزمین‌های خشکی در ارتباط با تاریخ دیپلماتیک متمرکز دارد. موضوعات ژئوپلیتیک شامل روابط بین منافع بازیگران سیاسی بین‌المللی متمرکز در یک منطقه، یک فضا یا یک عنصر جغرافیایی است. روابطی که یک سیستم ژئوپلیتیکی را ایجاد می‌کند:

Vladimir Toncea, 2006, "Geopolitical evolution of borders in Danube Basin".

بیان) محافظت کند و در سایر امور دخالت نکند. در اقتصاد نیز «بازار آزاد» و «رقابت فردی» موتور محرک پیشرفت و رفاه شناخته می‌شود.^(۴)

لیبرالیسم سیاسی خود را در قالب «دموکراسی پارلمانی» و «حاکمیت قانون» که برآمده از رأی مردم باشد، نه احکام خدا نشان می‌داد. بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده، پرچمداران اصلی این ایدئولوژی بودند.

۳. کمونیسم (مارکسیسم)

کمونیسم که توسط «کارل مارکس» و «فردریش انگلس» در قرن نوزدهم پایه‌گذاری شد «طبقه کارگر» را ناجی بشریت معرفی و استدلال کرد که تاریخ، چیزی جز نبرد میان «استثمارگران»^(۵) و «استثمارشوندگان»^(۶) نبوده است. لیبرالیسم و بازار آزاد، صرفاً نسخه مدرن همین استثمارند و راه حل نهایی «انقلاب جهانی کارگری» است که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید (کارخانه‌ها،

مشترکی مانند: زبان، تاریخ، فرهنگ یا نژاد تعریف می‌شود و هرملتی این «حق» را دارد که سرنوشت خود را تعیین کند و یک «دولت-ملت» مستقل تشکیل دهد.^(۱)

این ایده که ابتدا در انقلاب فرانسه و سپس در جریان اتحاد آلمان و ایتالیا در قرن نوزدهم قوت گرفت،^(۲) در ابتدای قرن بیستم به نیروی سیاسی مسلط در اروپا تبدیل شد. از این منظر می‌توان گفت که در ناسیونالیسم «ملت» جایگزین «خدا» به عنوان منبع هویت و مشروعیت شد.^(۳)

۲. لیبرالیسم

لیبرالیسم «فرد» و «آزادی» او را محور سعادت بشر دانست. براساس این ایدئولوژی، انسان موجودی خودمختار و صاحب حق است و حکومت باید صرفاً «پاسبان شب» باشد؛ یعنی تنها اقامت و حقوق فردی (مانند حق مالکیت و آزادی

1. Miscevic, N. (2001, November 29). Nationalism. In E. N. Zalta (Ed.), Stanford Encyclopedia of Philosophy. Retrieved August 1, 2026. <https://plato.stanford.edu/entries/nationalism/>

2. Hobsbawm, E. J. (1990). Nations and nationalism since 1780: Programme, myth, reality. Cambridge University Press.

۳. یکپارچگی ملی و رشد هویت‌های قومی، کاووس سیدامامی مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، صص ۷-۱۸.

۴. اسلام و لیبرالیسم، احمد واعظی، بازتاب اندیشه، صص ۲۹-۴۸.

۵. بورژوازی.

۶. پرولتاریا.



زمین، منابع) را ملغی، دولت «بورژوایی» را سرنگون و یک «جامعه بی طبقه» و «دولت کارگری» برقرار کند که در آن همه چیز به طور اشتراکی و براساس نیاز تقسیم شود.^(۱) وعده نهایی کمونیسم، بهشتی زمینی و کاملاً برابر برای تمام بشریت بود.

۴. فاشیسم/نازیسم

«فاشیسم» در ایتالیا به رهبری «بنیتو موسولینی» نخست وزیر ایتالیا و «نازیسم» در آلمان به رهبری «آدولف هیتلر»، جدیدترین و خشن‌ترین عضو این خانواده بود. این ایدئولوژی را می‌توان «فرزند نامشروع» ازدواج ناسیونالیسم افراطی با بحران‌های لیبرالیسم دانست. فاشیسم، ملت را نه صرفاً یک اجتماع سیاسی؛ بلکه یک موجودیت «ارگانیک» و «نژادی» می‌دید. این ایدئولوژی «دولت مطلق» و «پیشوا» (دیکتاتور) را در رأس جامعه قرار می‌داد؛ هرگونه مخالفت و دموکراسی را سرکوب می‌کرد و با تکیه بر نژادپرستی «علمی»، برخی نژادها، به ویژه

«نژاد آریایی» را برتر و برخی دیگر (به ویژه یهودیان و اسلاوها) را فرودست و مستحق نابودی می‌دانست.^(۲)

فاشیسم با دو جبهه فکری بزرگ سرستیز داشت: یکی کمونیسم؛ چون مالکیت خصوصی را لغو می‌کرد و به جای میهن، به هم بستگی فراملی کارگران اعتقاد داشت و دیگری لیبرالیسم؛ چون به نظر فاشیست‌ها، دموکراسی مبتنی بر رأی‌گیری و کثرت‌گرایی سیاسی، به جای این که ملت را یکپارچه و قدرتمند کند، آن را سست، منفعل و بی‌اراده می‌ساخت.^(۳)

در این نقشه نکته کلیدی آن است که این چهار مکتب، همگی وعده نجات بشر را می‌دادند و همگی مسیر سعادت را روی «زمین» و بدون نیاز به «آسمان» می‌جستند؛ اما هر کدام، تنها خود را «حق مطلق» می‌پنداشتند و رقبا را «باطل» می‌شمردند. این جاست که رقابت، به «نبرد وجودی» تبدیل

۲. آغاز و پایان توتالیتاریسم، ایوان کلیما، مترجم: خشایار دیهیمی، نشر شهروند، ص ۴۹.

۳. ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) از دیدگاه اسلام، محسن غرویان و شاکر قوامیان، نشر معرفت، قم، چاپ ۵۰، صص ۱۰۴-۱۱۰.

1. Wolff, J., & Leopold, D. (2003, August 26). Karl Marx. In E. N. Zalta (Ed.), Stanford Encyclopedia of Philosophy. Retrieved August 1, 2026. <https://plato.stanford.edu/entries/marx/>

می‌شود. اکنون باید دید این چهار غول، چگونه در دو جنگ جهانی، یکدیگر را حذف کردند.

بخش دوم: جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م)

در آغاز قرن بیستم، اروپا ظاهراً در اوج شکوفایی تمدنی خود به سر می‌برد. پیشرفت‌های علمی، صنعتی و اقتصادی، این قاره را به کارگاه و بانک جهان تبدیل کرده بود؛ اما زیر این پوسته آرام، خشم فروخته‌ای از رقابت‌های ملی، طمع‌های استعماری و کینه‌های تاریخی می‌جوشید. جنگ جهانی اول ثابت کرد که «اومانیزم» و «عقل خودبنیاد» نه تنها نمی‌توانند خشونت و بربریت را ریشه‌کن کنند؛ بلکه آن را صنعتی، سازمان‌یافته و ویران‌گتر از هر زمان دیگری می‌سازند.

۱. زمینه‌ها: بشکه باروت اروپا

چهار عامل اصلی، اروپا را به سمت نخستین «خودکشی تمدنی» سوق داد: نخست، رقابت‌های ناسیونالیستی لجام‌گسیخته بود. اندیشه «برتری ملت» و «حق توسعه‌طلبی» به‌ویژه در آلمان تازه متحد شده و فرانسه شکست‌خورده

از جنگ ۱۸۷۰م، فضایی مسموم از سوءظن و دشمنی ایجاد کرده بود. دوم، رقابت‌های امپریالیستی بر سر مستعمرات در آفریقا و آسیا بود که قدرت‌های اروپایی را در برابر یکدیگر قرار می‌داد. سوم، مسابقه تسلیحاتی و نظامی‌گری بود؛ ارتش‌های عظیم با تجهیزات مدرن، خود به عاملی برای تشدید بحران تبدیل شده بودند و چهارم، نظام پیچیده اتحاد‌های نظامی بود که اروپا را به دو بلوک متخاصم (اتحاد مثلث: آلمان، اتریش-مجارستان، ایتالیا و اتفاق مثلث: بریتانیا، فرانسه و روسیه) تقسیم کرده بود. این نظام، یک بحران محلی را به یک جنگ جهانی تبدیل می‌کرد.^(۱)

جرقه نهایی در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ با ترور ولیعهد اتریش-مجارستان در «سارایوو» توسط یک ملی‌گرای صربستانی زده شد. طی چند هفته، ماشین جنگی اروپا، همه را به کام خود کشید.^(۲)

1. Clark, C. (2012). The sleepwalkers: How Europe went to war in 1914. Allen Lane.
2. Fischer, K., & Ross, S. T. (2026, July 27). World War I. In Encyclopædia Britannica. Retrieved August 1, 2026. <https://www.britannica.com/event/World-War-I>

۲. فروپاشی انترناسیونالیسم سوسیالیستی در برابر موج ناسیونالیسم

برای بحث ما (نبرد ایدئولوژی‌ها)، مهم‌ترین جنبه جنگ جهانی اول، نه تحولات نظامی؛ بلکه یک «شکست ایدئولوژیک» بزرگ بود: فروپاشی «انترناسیونالیسم کارگری» در برابر موج سهمگین «ناسیونالیسم».

از نیمه دوم قرن نوزدهم، احزاب سوسیالیست و کارگری در سراسر اروپا رشد کرده «انترناسیونال دوم» (اتحادیه بین‌المللی احزاب کارگری) را تشکیل داده بودند. شعار اصلی آن‌ها این بود: «کارگران جهان متحد شوید! شما وطن ندارید. در جنگ سرمایه‌داران علیه یکدیگر شرکت نکنید!» آن‌ها جنگ را «نزاع بورژواها» می‌دانستند که هزینه آن را کارگران با خون خود می‌پردازند. انتظار می‌رفت که با شروع جنگ، کارگران اروپا به جای شلیک به یکدیگر، علیه دولت‌های سرمایه‌دار خود شورش کنند.^(۱)

اما در اوت ۱۹۱۴، آن‌چه رخ داد، درست عکس این انتظار بود. با اعلام جنگ، موجی از میهن‌پرستی و شورملی سراسر اروپا را فراگرفت. احزاب سوسیالیست، یکی پس از دیگری، شعارهای انترناسیونالیستی خود را کنار گذاشتند و به «اتحاد مقدس» ملی پیوستند. در آلمان، حزب سوسیال-دموکرات (بزرگ‌ترین حزب سوسیالیست جهان) به بودجه جنگی دولت قیصر رأی مثبت داد. در فرانسه، رهبران سوسیالیست وارد کابینه «دفاع ملی» شدند. در بریتانیا، حزب کارگر از تلاش نظامی کشورش حمایت کرد. کارگران آلمانی و فرانسوی که تا دیروز یکدیگر را «رفیق» خطاب می‌کردند، اکنون در سنگرهای وردن و سم، یکدیگر را با گاز خردل و مسلسل سلاخی می‌کردند.^(۲)

تنها استثنای قابل توجه، جناح کوچکی از سوسیالیست‌های رادیکال به رهبری «ولادیمیر لنین»، بلشویک‌ها در روسیه و سوسیال-دموکرات‌های صربستان بودند که از همان ابتدا جنگ

2. Encyclopædia Britannica. (2026, June 12). Second International. Retrieved August 1, 2026. <https://www.britannica.com/topic/Second-International>

1. Callahan, K. (2021). The Second International: 1889-1914. In The Cambridge history of socialism. Cambridge University Press. <https://www.cambridge.org/core/books/abs/cambridge-history-of-socialism/second-international-18891914/2BAE714E6221CB527156C784AC4BC3E3>

میلیارد دلار هزینه^(۳) معادل ۴٫۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۲۶م بر جای گذاشت - با شکست آلمان و متحدانش به پایان رسید. دونتیجه بزرگ این جنگ برای سرنوشت ایدئولوژی‌های اومانیستی حایز اهمیت است:

نخست، فروپاشی امپراتوری‌های چندملیتی بود. امپراتوری‌های اتریش-مجارستان، عثمانی، روسیه تزاری و آلمان قیصری، همگی فروپاشیدند. از میان ویرانه‌های آن‌ها، ملت‌های جدیدی براساس «اصل تعیین سرنوشت» که رئیس‌جمهور آمریکا «وودرو ویلسون» ترویج می‌کرد، متولد شدند. این یک «پیروزی مفهومی» بزرگ برای ناسیونالیسم بود. ایده «هرملت، یک دولت» به اصل مسلط در سازماندهی سیاسی جهان تبدیل شد.^(۴)

اما دومین و شاید مهم‌ترین نتیجه،

را «امپریالیستی» خوانده، با آن مخالفت کردند؛^(۱) اما آن‌ها نیز در اقلیت بودند و تا انقلاب ۱۹۱۷م، صدایشان در هیاهوی جنگ گم شده بود. این واقعه، یک شکست ایدئولوژیک تمام‌عیار برای کمونیسم بود. ثابت شد که «هم‌بستگی طبقاتی» در برابر «هم‌بستگی ملی» بسیار شکننده و واهی است. قدرت بسیج‌کنندگی ناسیونالیسم، از هر ایدئولوژی دیگری قوی‌تر بود. این درس تلخی بود که لنین و کمونیست‌های بعدی هرگز آن را فراموش نکردند و بعدها برای پیشبرد انقلاب‌های خود مجبور شدند از نیروی «ناسیونالیسم بومی» مانند ملی‌گرایی ضداستعماری، استفاده کنند.

۳. نتیجه جنگ: فروپاشی امپراتوری‌ها و تولد کمونیسم در روسیه

پس از چهار سال جنگ ویرانگر - که حدود ۲۰ میلیون کشته و زخمی^(۲) و ۱۸۶

britannica.com/event/World-War-I/Killed-wounded-and-missing

3. Bogart, E. L. (1920). Direct and indirect costs of the Great World War (2nd ed.). Oxford University Press.

4. Renz, I. (2014, October 8). Fourteen Points. In 1914-1918-online: International Encyclopedia of the First World War. Retrieved August 1, 2026. <https://encyclopedia.1914-1918-online.net/article/fourteen-points/>

1. Socialism and the Great War: The Collapse of the Second International <https://dokumen.pub/socialism-and-the-great-war-the-collapse-of-the-second-international-0198271840-9780198271840.html>

2. Encyclopædia Britannica. (2026, July 18). World War I: Killed, wounded, and missing. Retrieved August 1, 2026. <https://www.britannica.com/event/World-War-I/Killed-wounded-and-missing>

بخش سوم: دوران میان دو جنگ (۱۹۱۸-۱۹۳۹م)

ظهور فاشیسم از دل بحران لیبرالیسم

جنگ جهانی اول با وعده «پایان همه جنگ‌ها» و ساختن «جهانی امن برای دموکراسی» به پایان رسید؛ اما آن چه درد دهه پس از جنگ رخ داد، درست عکس این وعده بود. این دوره، نه تنها صلح و ثباتی به ارمغان نیاورد؛ بلکه «هیولای» جدیدی از دل بحران‌های لیبرالیسم متولد کرد که جهان را به سوی جنگی، حتی ویران‌گرتر سوق داد.

۱. بحران لیبرالیسم: درماندگی «بازار آزاد» و «دموکراسی»

پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم، ظاهراً پیروزی لیبرالیسم بر «خودکامگی» بود؛ اما لیبرالیسم در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰م با دو بحران بزرگ روبه‌رو شد که مشروعیت و کارآمدی آن را به شدت زیر سؤال برد: نخست، بحران اقتصادی بود؛ آلمان که براساس معاهده تحقیرآمیز ورسای (۱۹۱۹م) محکوم به پرداخت غرامت‌های نجومی جنگی شده بود، در سال ۱۹۲۳م دچار ابرتورم افسارگسیخته‌ای شد که ارزش پول ملی (مارک) را به صفر رساند

وقوع انقلاب ۱۹۱۷م روسیه بود. در جبهه جنگ، ابتدا (فوریه ۱۹۱۷) رژیم تزاری فروپاشید و سپس بلشویک‌ها به رهبری لنین، دولت موقت جانشین آن را (اکتبر ۱۹۱۷) سرنگون کردند. لنین و همراهانش نخستین حکومت کمونیستی جهان را بر سر کار آوردند و اعلام کردند که روسیه از جنگ امپریالیستی خارج می‌شود.^(۱) این رویداد، کمونیسم را از یک «تئوری» و «امید انقلابی»، به یک «بازیگر قدرتمند جهانی» با یک کشور پهناور به عنوان پایگاه تبدیل کرد. اکنون کمونیسم، دیگر فقط یک ایدئولوژی نبود؛ بلکه یک «ابر قدرت بالقوه» بود.

جهان پس از جنگ، نه تنها امن‌تر نشده بود؛ بلکه میدان را برای نبردهای خونین‌تری در آینده آماده می‌کرد. دوران میان دو جنگ، شاهد ظهور خطرناک‌ترین «غول» این خانواده از دل بحران‌های لیبرالیسم بود.

1. Encyclopædia Britannica. (2026, July 25). Soviet Union: Brest-Litovsk. Retrieved August 1, 2026.

<https://www.britannica.com/place/Soviet-Union/Brest-Litovsk>

و پس اندازهای طبقه متوسط را نابود کرد.^(۱)

سپس «رکود بزرگ» که با سقوط بازار سهام نیویورک در ۱۹۲۹م آغاز شد، اقتصاد جهانی را فلج کرد. میلیون‌ها نفر در آمریکا و اروپا بیکار شدند، کارخانه‌ها تعطیل و فقر و گرسنگی فراگیر شد. نظام «بازار آزاد» که مدعی بود «دست نامرئی آدام اسمیت» همه چیز را به تعادل می‌رساند، در برابر این فاجعه کاملاً درمانده به نظر می‌رسید.^(۲)

دوم، بحران سیاسی بود. دموکراسی‌های پارلمانی نوپای اروپایی (مانند «جمهوری وایمار» در آلمان) که پس از جنگ تأسیس شده بودند، در حل این بحران‌ها ناتوان ماندند. تفرقه احزاب، فساد دولتی و بلا تکلیفی سیاسی، اعتماد مردم به «صندوق رأی» را از بین برد. مردم، خسته از فقر و بی‌ثباتی، به دنبال «نجات‌دهنده‌ای قدرتمند» بودند که با مشت آهنین،

به بی‌نظمی پایان دهد و «عظمت» ازدست‌رفته را بازگرداند.^(۳)

۲. ظهور فاشیسم و نازیسم

در چنین فضایی فاشیسم به عنوان یک «بديل رادیکال» و «ضد لیبرال» سر برآورد. «بنیتو موسولینی» در ایتالیا^(۴) (۱۹۲۲م) و «آدولف هیتلر» در آلمان (۱۹۳۳م) با بهره‌برداری از خشم، ناامیدی و تحقیر ملی مردم، به قدرت رسیدند. وعده‌های آن‌ها ابتدا جذاب و ساده بود: نابودی کمونیسم، احیای قدرت ملی، ایجاد اشتغال کامل و تحمیل نظم و انضباط آهنین.

فاشیسم و نازیسم، ایدئولوژی خود را بر چند پایه ویرانگر استوار کردند: نخست، نژادپرستی علمی بود که برخی نژادها، به ویژه «آریایی» را برتر و برخی (یهودیان، اسلاوها و کولی‌ها) را «فرومایه» و «انگل» معرفی می‌کرد.^(۵) دوم، دکتربین «فضای

3. Baranowski, S. (2022). Authoritarianism and fascism in interwar Europe: Approaches and legacies. *The Journal of Modern History*, 94(3), 648-672. <https://doi.org/10.1086/720790>

4. Albanese, G. (2019). *The march on Rome: Violence and the rise of Italian fascism* (S. Knipe, Trans.). Routledge.

(اثر اصلی به زبان ایتالیایی در سال ۲۰۰۶ منتشر شده است).

5. Pauer-Studer, H. (2025). Sources of the

1. Encyclopædia Britannica. (2026, July 18). Hyperinflation in the Weimar Republic (1922-23). Retrieved August 1, 2026. <https://www.britannica.com/event/hyperinflation-in-the-Weimar-Republic>

2. Pells, R. H. (2026, July 19). Great Depression. In Encyclopædia Britannica. Retrieved August 1, 2026, from <https://www.britannica.com/event/Great-Depression>

عدم تجاوز از امضا کردند. این پیمان که یک پروتکل محرمانه برای تقسیم لهستان و اروپای شرقی میان دو قدرت را نیز شامل می‌شد، جهان را شوکه کرد.^(۳)

هیتلر، دشمن قسم خورده «بلشویسم یهودی»، با استالین، رهبر «سرزمین کارگران»، برای تصاحب غنایم جنگی دست دوستی داد. استالین نیز که تا دیروز فاشیسم را «واپسین مرحله سرمایه داری در حال احتضار» می‌خواند، به هیتلر برای آغاز جنگ چراغ سبز نشان داد. این پیمان موقت ثابت کرد که در «نبرد وجودی» غول‌های هم خانواده، «ایدئولوژی» می‌تواند به سادگی قربانی «منافع تاکتیکی» شود. آن‌ها برای حذف «رقیب سوم» حاضر بودند با «دشمن قسم خورده» خود نیز متحد شوند.

با حمله مشترک آلمان و شوروی به

حیاتی» که حق آلمان برای توسعه به سمت شرق و غارت سرزمین‌های «نژادهای پست» را توجیه می‌کرد. سوم، اصل «پیشوا» که رهبر دیکتاتور را تجسم «اراده ملت» می‌دانست و اطاعت مطلق از او را واجب می‌شمرد.^(۱) چهارم، نفی هم‌زمان لیبرالیسم (به جرم ترویج «ضعف» و «فردگرایی») و کمونیسم (به جرم «تهدید مالکیت خصوصی» و «توطئه یهودی-بلشویکی»)^(۲).

۳. اتحادها و معماها: پیمان شرم‌آور نازیسم و کمونیسم

نکته شگفت‌انگیز و عبرت‌آموز در این دوران، رفتار فرصت‌طلبانه و کاملاً «غیر ایدئولوژیک» این مدعیان نجات بشر بود. در اوت ۱۹۳۹م، در حالی که نازیسم و کمونیسم یکدیگر را دشمنان مرگبار ایدئولوژیک می‌دانستند، وزیران خارجه آلمان نازی (رینتروپ) و شوروی کمونیستی (مولوتوف) در مسکو پیمان

3. Kudryavtsev, A. (2021). The Soviet-German non-aggression treaty of 1939: A strategic gain or tragic mistake of the USSR (on the 80th anniversary of signing the treaty). Гуманитарные и юридические исследования [Humanitarian and Legal Research], 4, 91-100. <https://doaj.org/article/66ba923e70324b0288478e4be22d269a>

Nazi racial ideology. *Mètode Science Studies Journal*, 15(4), e29770. <https://www.redalyc.org/journal/5117/511782475006/html/>

1. Brown, A. (2016). Against the Führerprinzip: For collective leadership. *Daedalus*, 145(3), 109-123. https://doi.org/10.1162/DAED_a_00401

2. Pauer-Studer, H. (2020). Justifying injustice: Legal theory in Nazi Germany. Cambridge University Press.

این مقطع، به نظرمی رسید که فاشیسم در آستانه فتح اروپای غربی و نابودی لیبرالیسم است.

۱. شکست پیمان نازی-شوروی

در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱، ورق به کلی برگشت؛ هیتلر با راه اندازی «عملیات بارباروسا»، بزرگ‌ترین تهاجم نظامی تاریخ را علیه شوروی آغاز کرد.^(۳) این تصمیم سرنوشت‌ساز، پیمان عدم تجاوز دو سال قبل را پاره کرد و «دشمن فرضی» را به «دشمن واقعی» بدل ساخت. انگیزه هیتلر، نابودی «بلشویسم یهودی»، تصرف «فضای حیاتی» در شرق و به بردگی گرفتن نژاد «فرو دست» اسلاو بود.^(۴) اکنون فاشیسم، هم‌زمان لیبرالیسم (در غرب) و کمونیسم (در شرق) را به نابودی کامل تهدید می‌کرد.

۲. «ازدواج مصلحتی» قدرت‌های بزرگ: اتحاد بریتانیا، آمریکا و شوروی

تهاجم هیتلر به شوروی، زمینه‌ساز یکی از عجیب‌ترین اتحادهای تاریخ شد.

لهستان (سپتامبر ۱۹۳۹)، جنگ جهانی دوم آغاز شد. اکنون صحنه برای بزرگ‌ترین و خونین‌ترین نبرد غول‌های هم‌خانواده آماده شده بود.

بخش چهارم: جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵م)

اتحاد مرگبار لیبرالیسم و کمونیسم برای حذف فاشیسم

پیمان نازی-شوروی، جنگ را در سپتامبر ۱۹۳۹م با حمله مشترک آلمان و شوروی به لهستان آغاز کرد. بریتانیا و فرانسه (نمایندگان لیبرالیسم) که تضمین دهنده امنیت لهستان بودند، به آلمان اعلان جنگ دادند؛ اما در دو سال نخست، جنگ عمدتاً میان لیبرالیسم و فاشیسم در جریان بود. ماشین جنگی آلمان، لهستان را در چند هفته بلعید، سپس دانمارک، نروژ، بلژیک، هلند و نهایتاً فرانسه را در بهار ۱۹۴۰م به زانو درآورد.^(۱) بریتانیا به رهبری «وینستون چرچیل»، تنها و آسیب‌پذیر در جزیره خود ایستادگی می‌کرد.^(۲) در

storyelement/the-fall-of-france-another-bloody-country-gone-west/.

3. <https://www.normandy1944.info/home/battles/operation-barbarossa>.

4. <https://warfarehistorynetwork.com/article/operation-barbarossa-hitlers-great-blunder/>.

1. Jackson, J. (2003). The fall of France: The Nazi invasion of 1940. Oxford University Press.

2. International Churchill Society. (n.d.). The fall of France: "Another bloody country gone west".

<https://winstonchurchill.org/churchill-central/>



وینستون چرچیل، نخست وزیر بریتانیا که از مخالفان سرسخت کمونیسم بود، درست در شب حمله آلمان به شوروی، درنطقی رادیویی اعلام کرد: «اگر هیتلر به جهنم هم حمله کند، من لااقل در مجلس عوام از شیطان تعریف و تمجید خواهم کرد.»^(۱) این جمله تاریخی، عصاره سیاست «ازدواج مصلحتی» بود. شعارنانونه این اتحاد چنین بود: «دشمن دشمن من، دوست من است».

اتحاد بزرگ میان سه قدرت با ایدئولوژی‌های متضاد شکل گرفت: بریتانیای لیبرال (و بعداً آمریکای لیبرال) به رهبری چرچیل (وروزولت) از یک سو و شوروی کمونیستی به رهبری استالین از سوی دیگر. این اتحاد، یک «ائتلاف ایدئولوژیک» نبود؛ بلکه «ائتلافی استراتژیک و موقت» با هدف واحد «حذف فاشیسم» بود. هر دو طرف می‌دانستند که پس از پیروزی، رقابت اصلی میان خودشان از سر گرفته خواهد شد؛ اما اکنون اولویت، نابودی دشمن مشترک خطرناک‌تر بود.^(۲)

نماد این همکاری تاکتیکی، «قانون وام و اجاره» آمریکا بود. ایالات متحده که تا پایان ۱۹۴۱م وارد جنگ شده بود، میلیاردها دلار تجهیزات نظامی، مواد غذایی، کامیون، هواپیما و سوخت را به شوروی ارسال کرد. این کمک‌های لجستیکی عظیم، در توانایی ارتش سرخ برای مقاومت در برابر ارتش آلمان و در نهایت عقب راندن آن نقشی حیاتی ایفا کرد. لیبرالیسم سرمایه‌داری، کمونیسم را برای شکست فاشیسم مسلح کرد.^(۳)

۳. سقوط برلین (۱۹۴۵م) و حذف کامل فاشیسم از میدان

پس از چهار سال نبرد فرسایشی و ویرانگر در جبهه شرقی (میان آلمان و شوروی) و جبهه غربی (میان آلمان و متفقین غربی)، ورق به‌طور کامل علیه آلمان نازی برگشت. در بهار ۱۹۴۵م، ارتش سرخ از شرق و ارتش‌های آمریکا و بریتانیا از غرب، خاک آلمان را درهم نوردیدند. در ۳۰ آوریل ۱۹۴۵، هیتلر در پناهگاه زیرزمینی خود در برلین در حال سقوط، خودکشی

1. Churchill, W. S. (1950). The Second World War: Vol. 3. The grand alliance. Houghton Mifflin.

۲. ایران و جنگ جهانی دوم، مریم تاج‌عینی، نشر زمانه، چاپ ۵۲، صص ۷۱-۷۷.

3. Munting, R. (1984). Lend-Lease and the Soviet war effort. Journal of Contemporary History, 19(3), 495-510. <https://doi.org/10.1177/002200948401900306>.

پس، هیچ جریان سیاسی قابل اعتنایی در جهان نمی‌توانست با پرچم «نژاد برتر» و «پیشوای مطلق» ابراز وجود کند و فاشیسم با شکست نظامی و رسوایی اخلاقی، از میان چهار غول هم‌خانواده حذف شد.^(۳)

Revue internationale de droit pénal, 77(3), 711-720. <https://doi.org/10.3917/ridp.773.0711>.

۳. مقصود از «ناسیونالیسم کلاسیک» در این جا، پروژه مدرن و دولت‌ساز قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است که مبتنی بر آرمان روشننگری، همگن‌سازی درونی (از طریق زبان و آموزش همگانی)، و تأکید بر تعیین سرنوشت ملی در چارچوبی مترقی و آینده‌نگر بود. آن چه امروزه با عنوانی هم‌چون «ناسیونالیسم مسیحی» در مجارستان، «هندوتوا» در هند یا گفتمان «جهان روس» در سیاست پوتین مشاهده می‌شود، نه بازگشت آن پروژه، که گونه‌ای «ناسیونالیسم واکنشی» یا نئو-ناسیونالیسم است که ماهیتی تدافعی، گذشته‌نگر و مبتنی بر طرد «دیگری» درونی (مهاجران، اقلیت‌ها، لیبرال‌ها) دارد. در این گونه جدید، انسجام ملی نه با وعده آینده‌ای روشن؛ بلکه با دامن‌زدن به ترس از زوال هویت خیالی پیشین تأمین می‌شود. جنگ‌های بالکان در دهه ۱۹۹۰ نیز، در واقع واپسین زائیده ناسیونالیسم کلاسیک و در عین حال، سکنه پایانی آن در عرصه بین‌المللی بود که امروزه دیگر به عنوان الگویی مشروع و تکرارپذیر شناخته نمی‌شود. بنابراین، این مصادیق نه تنها ادعای «فرسایش ناسیونالیسم کلاسیک» را نقض نمی‌کنند؛ بلکه بهترین گواه بر تحول ماهوی این مفهوم در عصر جهانی شدن هستند. (ناسیونالیسم، مشکله هویت و دولت ملی در تئوری اجتماعی، حمید احمدی و

کرد. یک هفته بعد، در ۸ مه ۱۹۴۵، آلمان بدون قید و شرط تسلیم شد. «رایش هزارساله» هیتلر، پس از تنها ۱۲ سال، در میان ویرانه‌های برلین به پایان رسید.^(۱) با سقوط برلین، فاشیسم/نازیسم برای همیشه از گردونه رقابت ایدئولوژیک جهان حذف شد. دلایل این حذف دائمی، تنها شکست نظامی نبود؛ بلکه افشای ماهیت جنایت‌پیشه این رژیم بود.

با پیشروی متفقین، جهان با چشمان خود ابعاد دهشتناک جنایات سیستماتیک نازی‌ها را دید: اردوگاه‌های کار اجباری، آزمایش‌های پزشکی روی انسان‌های زنده و قتل‌عام نظام‌مند غیرنظامیان. آن چه آشکار شد این بود که فاشیسم یک «ماشین‌کشتار صنعتی» ساخته بود که در آن انسان‌ها (اعم از یهودی، اسلاو، کولی، کمونیست و مخالف سیاسی) به صورت سازمان‌یافته کشته می‌شدند. این جنایات موجب گردید ناسیونالیسم افراطی در قالب فاشیسم و نازیسم برای همیشه از نظر اخلاقی و سیاسی رسوا شود.^(۲) از این

1. Britannica. (n.d.). Battle of Berlin. <https://www.britannica.com/event/Battle-of-Berlin>.

2. Sukharev, A. (2006). The Nuremberg tribunal and the problems of international rule of law.

تحلیل نهایی میدان پس از نبرد

با پایان جنگ جهانی دوم، میدان نبرد ایدئولوژی‌ها کاملاً دگرگون شده بود. از چهارغولی که در ابتدای قرن بیستم مدعی نجات بشر بودند:

۱. فاشیسم/نازیسم به‌طور کامل حذف شد و به تاریخ پیوست؛

۲. ناسیونالیسم کلاسیک اروپایی (ملّی‌گرایی توسعه‌طلبانه و نظامی‌گرانه) که عامل اصلی دو جنگ جهانی بود، با شکست آلمان و متحدانش بی‌اعتبار و به حاشیه رانده شد. روند استعلازدایی که پس از جنگ آغاز شد، این نسخه از ناسیونالیسم را بیش از پیش تضعیف کرد و سرانجام، دو ابرقدرت باقی ماندند: لیبرالیسم (به رهبری ایالات متحده آمریکا) و کمونیسم (به رهبری اتحاد جماهیر شوروی) که اتحاد موقت آن‌ها علیه فاشیسم، بلافاصله پس از پیروزی از هم پاشید و جهان وارد مرحله جدیدی از نبرد شد: «جنگ سرد». این دو غول بازمانده، اکنون رودرروی یکدیگر ایستاده بودند تا ثابت کنند کدام روایت از اومانیزم (آزادی

فرد و بازار یا برابری طبقاتی و دولت‌کارگری) شایسته حکومت بر جهان است.

جهان دوقطبی و انتظار برای رقیبی از جنسی دیگر

سرنوشت، صفحه دیگری را برای تاریخ رقم زده بود؛ لیبرالیسم در این نبرد، تنها به رویارویی ایدئولوژیک با کمونیسم متکی نبود. این نظام، هم‌زمان مشغول طراحی و تکمیل «ابزارهای نوینی» برای تثبیت سلطه خود بر جهان بود؛ ابزارهایی که از جنس بمب و گلوله نبودند؛ اما از آن‌ها قدرتی به مراتب بیش‌تر داشتند: «جادوی پول بی‌پشتوانه» و شبکه بانکی خصوصی جهانی. این ابزار، موتور محرک «استعمارفرانو» بود که در مقاله سوم به آن خواهیم پرداخت.

و درست در میانه همین جنگ سرد، هنگامی که دو غول بازمانده درگیر نبردی تمام‌عیار بودند، رقیبی از راه رسید که اساساً به این خانواده تعلق نداشت؛ رقیبی که نه «انسان»؛ بلکه «خدا» را محور حکمرانی قرار داد. انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹م، این «گسست تمدنی» را رقم زد.

ادامه دارد.....

حبیب‌الله فاضلی، فصلنامه سیاست، ۱۳۸۶ش، ش ۳۷ (۴)، صص ۲۱-۴۰.



آرمان شهر فاطمی در برابر آرمان شهر سکولار (۱)

«بازخوانی تمدنی سیره حضرت زهرا (علیها السلام)»

حمید بیاتی

مقدمه

فاطمی» بازخوانی کند؛ آرمان شهری که در آن، انسان نه در قفس فردگرایی و نه در دام ایدئولوژی های سکولار؛ بلکه در نسبتی متوازن با خدا، خانواده، جامعه و ولایت تعریف می شود. در نگاه اسلامی «مدینه فاضله» برخلاف اتوپای (آرمان شهر) غربی، یک افق تمدنی واقع گرایانه است که بر پایه وحی، عقل و سنت معصومان (علیهم السلام) قابل ساخت است. حضرت زهرا (علیها السلام) در این بستر، نه فقط یک فرد نمونه؛ بلکه یک «کانون تمدن ساز» است، چنان که امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرمایند: «نَحْنُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَفَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا»؛ یعنی امامان (علیهم السلام) حجت های خدا بر خلق اند؛

در نگاه رایج، حضرت فاطمه (علیها السلام) بیش تر به عنوان بانویی مظلوم، همسری فداکار و مادری مهربان معرفی شده است. این تصویر، هر چند در جای خود درست است؛ اما برداشتی ناقص و نمی تواند پاسخ گوی نیازهای فکری و تمدنی انسان امروز باشد. پرسش این جاست: آیا حضرت فاطمه (علیها السلام) صرفاً قربانی مظلومه تاریخ است یا می توان او را معمار یک گفتمان تمدنی دانست که در برابر گفتمان های رقیب، ظرفیت ساختن جامعه ای متفاوت را دارد؟ نوشتار حاضر بر آن است که سیره و کلام حضرت زهرا (علیها السلام) را به مثابه «آرمان شهر

اما حضرت فاطمه علیها السلام حجت خدا بر امامان علیهم السلام است.^(۱)

جامعه امروز ایران در دوراهی تمدنی قرار گرفته است؛ از یک سو، الگوهای توسعه غربی با محوریت سکولاریزم و لیبرالیسم، با تمام توان رسانه‌ای و اقتصادی خود در حال تحمیل سبک زندگی‌ای هستند که در آن، خدا از عرصه عمومی حذف می‌شود، خانواده به عنصری سست تبدیل می‌گردد و حیا به عنوان ارتجاع‌گرایی، تحقیر می‌شود. از سوی دیگر، بخشی از جامعه دینی دچار انفعال شده، گمان می‌کند دین تنها برای امور شخصی و آخرت است و توان رقابت با تمدن مدرن را ندارد. در چنین فضایی، بازخوانی تمدنی سیره فاطمی یک ضرورت فوری است؛ چراکه حضرت زهرا علیها السلام در شرایطی می‌زیسته که شباهت‌های عمیقی با امروز ما دارد.

این مقاله در بخش نخست و دوم،

بر تحلیل متن خطبه فدکیه و روایات معصومان علیهم السلام درباره حضرت زهرا علیها السلام متمرکز است. در بخش سوم، از رویکرد جامعه‌شناختی تاریخی بهره گرفته می‌شود، تا ویژگی‌های جامعه اموی با مؤلفه‌های لیبرالیسم و سکولاریسم معاصر تطبیق داده شود و در بخش چهارم، راهبردهای عملیاتی گذار به آرمان‌شهر فاطمی ارائه می‌گردد.

اگر تنها بُعد مظلومیت حضرت فاطمه علیها السلام را معرفی کنیم، به او ظلم کرده‌ایم. امروز باید آن حضرت به عنوان یک تمدن‌ساز به جهان معرفی شود؛ تمدنی که در آن، توحید جای پوچی، عدالت جای تبعیض، حیا جای ابتذال، خانواده جای تنهایی و ولایت جای طاغوت را می‌گیرد.

بخش اول: بنیان‌های نظری آرمان‌شهر فاطمی در خطبه فدکیه

خطبه فدکیه را باید مهم‌ترین سند کلامی-تمدنی برجای مانده از حضرت زهرا علیها السلام دانست. این خطبه در مسجد النبی و در برابر مهاجران و انصار ایراد شد؛ در لحظه‌ای که جامعه اسلامی پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با نخستین بحران

۱. ینابیع المودة لذوی القربى، سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، دارالأسوة، قم، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۲۲؛ بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۹.

بزرگ خود روبه رو شده بود. حضرت زهرا (علیها السلام) در این خطبه، از یک سوبه تبیین مبانی نظری اسلام در حوزه های توحید، نبوت، معاد، عدالت و امامت می پردازد و از سوی دیگر، با استناد به قرآن و سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انحراف ایجاد شده در مسیر تعالی جامعه اسلامی را گوشزد می کند.

به همین دلیل، این خطبه را باید یک «منشور تمدنی» دانست؛ متنی که هم مبانی نظری آرمان شهر فاطمی را ارائه می دهد و هم راهبردهای عملی برای پاسداری از آن را تبیین می کند. این بخش به چهار محور اصلی خطبه می پردازد: توحید و عبودیت، عدالت، امامت و ولایت، جهاد و ایثار. هریک از این محورها به مثابه ستونی از بنای تمدنی آرمان شهر فاطمی تحلیل خواهد شد.

۱. توحید و عبودیت: پایه نظم اجتماعی و آزادی از طاغوت ها

حضرت زهرا (علیها السلام) خطبه را با حمد و ثنای الهی آغاز می کند؛ اما نه یک حمد صرفاً عبادی؛ بلکه حمدی که در آن مبانی معرفتی و اجتماعی توحید آشکار

است: «أَحْمَدُهُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَأُثْنِي عَلَيْهِ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عَمَلٍ عُمُومٍ نِعَمِهِ... وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ؛ كَلِمَةً جُعِلَ الْإِخْلَاصُ تَأْوِيلُهَا وَضَمِنَ الْقُلُوبُ مَوْصُولُهَا وَأَنَارَفِي الْفِكْرَةَ مَعْقُولُهَا؛^(۱) سپاس او را بر آن چه الهام کرد و ثنای او را بر آن چه از نعمت های فراگیرش پیش فرستاد... و گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست؛ یگانه است و شریکی ندارد؛ کلمه ای که اخلاص را در درون آن نهادند و دل ها را با آن پیوند دادند و عقل آن را در اندیشه روشن ساخت».

در این فراز، حضرت زهرا (علیها السلام) از سه سطح توحید سخن می گوید: توحید زبانی (کلمه لا اله الا الله)، توحید قلبی (پیوند دلی با توحید) و توحید عقلی (روشن شدن معقول آن در اندیشه). این سه سطح نشان می دهد که در آرمان شهر فاطمی، توحید صرفاً یک شعار مذهبی نیست؛ بلکه زیربنای نظام فکری و اجتماعی است.

اهمیت تمدنی این نگاه در آن است

۱. الاحتجاج، شیخ طبرسی، نشر مرتضی، مشهد مقدس، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۱؛ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۵.

که توحید، انسان را از بند طاغوت‌ها آزاد می‌کند. اگر انسان فقط بنده خدا باشد، دیگر نه بنده سرمایه است، نه شهوت، نه قدرت و نه رسانه‌های دروغین. این دقیقاً نقطه مقابل آرمان‌شهر لیبرال-سکولار^(۱) است که با حذف خدا از عرصه عمومی، انسان را به بندگی بازار، لذت وایدئولوژی‌های سکولاردرمی‌آورد. بنابراین، نخستین ستون آرمان‌شهر فاطمی، توحید آزادی‌بخش است؛ توحیدی که انسان را از هرگونه بردگی مدرن رها می‌سازد.

۲. عدالت: مایه آرامش قلوب و نظم جامعه

یکی از مهم‌ترین فرازهای خطبه فدکیه، فرازی است که در آن حضرت زهرا (علیها السلام) به فلسفه تشریع احکام اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ وَالصِّيَامَ تَنْبِيئاً لِلْإِخْلَاصِ وَالْحَجَّ

تَشْيِيداً لِلدِّينِ وَالْعَدْلَ تَسْكِيناً لِلْقُلُوبِ»^(۲) پس خداوند ایمان را برای پاک کردن شما از شرک قرارداد و نماز را برای دوری از کبر، زکات را برای پاک‌ی نفس و افزایش روزی، روزه را برای تثبیت اخلاص، حج را برای استواری دین و عدالت را برای آرامش دل‌ها.

حضرت از عدالت به عنوان یکی از ارکان تشریع یاد کرده، آن را مایه آرامش قلوب می‌دانند. این تعبیر بسیار دقیق و تمدنی است؛ در آرمان‌شهر فاطمی، عدالت فقط یک ابزار حقوقی یا اقتصادی نیست؛ بلکه منبع آرامش روانی و اجتماعی است. جامعه‌ای که در آن عدالت نباشد، حتی اگر ظاهراً مرفه باشد، باز دل‌های مردمش آرام نمی‌گیرد. این نگاه درست در برابر نئولیبرالیسم^(۳) قرار می‌گیرد که عدالت را قربانی «بازار آزاد» و «سود حداکثری» می‌کند. در

۲. الاحتجاج، شیخ طبرسی، نشر مرتضی، مشهد

مقدس، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۲.

۳. مکتب اقتصادی است که با شعار «بازار آزاد» و «کوچک‌سازی دولت»، عدالت اجتماعی را قربانی سود سرمایه‌داران می‌کند، تمرکز ثروت در دست یک درصد، فروپاشی طبقه متوسط و گسترش فقر جهانی است.

۱. گفتمانی که با حذف دین از عرصه عمومی و تقدیس «آزادی فردی»، انسان را به بندگی بازار، لذت و نسبیت اخلاقی می‌کشانند و نتیجه آن، فروپاشی خانواده، بحران بی‌معنایی و حاکمیت سرمایه بر سرنوشت جوامع است.

آرمان شهر لیبرال-سکولار، شکاف طبقاتی نه تنها یک مشکل نیست؛ بلکه نتیجه طبیعی رقابت اقتصادی شمرده می شود؛ اما حضرت زهرا علیها السلام می فرماید که بی عدالتی، آرامش را از جامعه می گیرد و به همین دلیل، عدالت یک اصل تمدنی است، نه یک شعار سیاسی.

در سنت نبوی نیز عدالت جایگاه ویژه ای دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی مشهور می فرمایند: «عَدْلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سِتِينَ سَنَةً»^(۱) ساعتی عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است. این روایت نشان می دهد که درگفتمان اسلامی، عدالت صرفاً یک فضیلت فردی نیست؛ بلکه بنیان نظم اجتماعی نیز هست.

۳. امامت و ولایت: ستون هویت جمعی و امان از تفرقه

حضرت زهرا علیها السلام در ادامه خطبه، به فلسفه امامت اشاره کرده، آن را «امان از تفرقه» می داند: «فَجَعَلَ اللَّهُ... طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ»^(۲)

پس خداوند... اطاعت ما را موجب نظم ملت و امامت ما را امان از تفرقه قرار داد. این فراز، کلیدی ترین بخش خطبه از منظر سیاسی-تمدنی است که حضرت در آن دو اصل مهم را بیان می فرماید:

الف. اطاعت اهل بیت علیهم السلام نظام بخش ملت است: جامعه اسلامی بدون مرجعیت الهی، دچار بی نظمی و هرج و مرج می شود؛
ب. امامت اهل بیت علیهم السلام امان از تفرقه است: اگر جامعه از محور امامت جدا شود، به گروه های متفرق و متخاصم تبدیل می شود.

این بیان حضرت نشان می دهد که در آرمان شهر فاطمی، ولایت دقیقاً یک ستون تمدنی است؛ جامعه ای که ولایت را کنار بگذارد، به سرعت دچار تفرقه، اختلاف و در نهایت فروپاشی می شود؛ زیرا مرجعیت الهی، معیار ثابت و فرانسازی حق و باطل را ارائه می دهد و بدون آن، هر گروهی معیار خود را برمیگزیند که نتیجه اش نسبیّت، تنازع و در نهایت هرج و مرج است.

در عصر غیبت، این اصل در قالب «ولایت فقیه» استمرار یافته است؛

۱. جامع الأخبار، محمد بن محمد شعیری، المطبعة الحیدریة، نجف، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۱۹.
۲. الاحتجاج، شیخ طبرسی، نشر مرتضی، مشهد مقدس، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۳۲.

همان طور که امامت اهل بیت (علیهم السلام) امان از تفرقه است، ولایت فقیه نیز در غیاب امام معصوم، محور وحدت و انسجام جامعه اسلامی بوده، این دقیقاً همان چیزی است که حضرت زهرا (علیها السلام) در این فراز بر آن تأکید می‌کنند، پس جامعه فاطمی، جامعه‌ای است که حول محور ولایت شکل می‌گیرد، تا از تفرقه در امان بماند.

در برابر این نگاه، آرمان شهر لیبرال - سکولار با حکومت‌های بی‌دین و حتی ضد دین قرار دارد که با ترویج فردگرایی افراطی و نسبیت ارزشی، انسان‌ها را به موجوداتی تنها، بی‌هویت و بی‌تعهد نسبت به یکدیگر تبدیل می‌کند. در چنین جامعه‌ای، هر کس «خداوندگار کوچک» خود است و هیچ مرجعیت مشترکی وجود ندارد. نتیجه، بحران هویت، بی‌اعتمادی عمومی و تفرقه اجتماعی است.

۴. جهاد و ایثار: موتور حرکت تمدنی

حضرت زهرا (علیها السلام) در ادامه خطبه، به فلسفه جهاد اشاره کرده، می‌فرمایند: «وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ»^(۱) و جهاد را برای

عزت اسلام قرار داد.» این فراز، کوتاه؛ اما بسیار پرمعناست. جهاد در گفتمان فاطمی، فقط جنگ نظامی نیست؛ بلکه «هر تلاشی است که عزت اسلام و مسلمانان را تأمین کند.» مانند: جهاد تبیین، جهاد اقتصادی، جهاد تربیتی، جهاد علمی، جهاد فرهنگی و... حضرت زهرا (علیها السلام) در طول حیات کوتاه خود، تمام این جهادها را تجربه و پیاده کرد: جهاد تبیین با خطبه فدکیه و سخنرانی‌های روشنگرانه در برابر انحراف سقیفه، جهاد اقتصادی که نمونه‌ای از آن را در سوره انسان شاهدیم، جهاد تربیتی، با تربیت حسنین و زینبین (علیهم السلام) به عنوان نسل تمدن‌ساز و جهاد سیاسی، با دفاع از ولایت تا پای جان.

در این نگاه، جهاد نه یک وضعیت اضطراری؛ بلکه موتور دائمی حرکت تمدنی است. آرمان شهر فاطمی، جامعه‌ای است که در آن، هر فرد به تناسب توان خود، برای عزت اسلام و عدالت اجتماعی در حال جهاد است. این نگاه دقیقاً در برابر فرهنگ رفاه طلبی و مصرف‌گرایی لیبرال - سکولار

۱. خانواده فاطمی

الف. خانواده به مثابه نهاد تمدنی، نه قرارداد خصوصی: در نگاه مدرن، کارکرد خانواده اغلب به یک «قرارداد خصوصی» میان دو فرد تقلیل یافته است؛ قراردادی که تا زمان رضایت طرفین ادامه می یابد و هرگاه «فردیت» ایجاب کند، می توان آن را به راحتی فسخ کرد. این نگاه، خانواده را از یک نهاد تمدنی، به یک توافق سودمحور تنزل می دهد؛ اما در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)، خانواده کانون ساختن جهان است.

خانه فاطمی، مدرسه ای است که در آن دو امام و دودختر تاریخ ساز تربیت شدند؛ شخصیت هایی که بعدها تاریخ اسلام و بشریت را دگرگون کردند. از این خانه، نه تنها نسل اهل بیت (علیهم السلام)؛ بلکه گفتمان مقاومت، ایثار و ولایت به جهان صادر شد.

ب. تقسیم کار؛ الگوی مشارکت، نه تحمیل: یکی از ظریف ترین گزارش های سیره عملی حضرت زهرا (علیها السلام)، روایت مشهور تقسیم کار میان ایشان و امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. براساس این روایت که از امام باقر (علیه السلام) نقل شده، حضرت علی و

قرار می گیرد که انسان را به دنبال آسایش شخصی و لذت فردی می فرستد و او را از مسئولیت اجتماعی جدا می کند. چهارستون مذکور، اگرچه بنیان های فکری آرمان شهر فاطمی را روشن می کنند؛ اما هم چنان در سطح یک نظریه اند. پرسش بعدی آن است که این مبانی چگونه در زندگی روزمره حضرت زهرا (علیها السلام) تجسم یافته و به یک سبک زندگی عملی تبدیل شده است؟ در بخش دوم به ترسیم سیره عملی ایشان در حوزه های گوناگون می پردازیم.

بخش دوم: ترسیم عملی آرمان شهر فاطمی (علیها السلام)

اگر بخش نخست را «هسته نظری» آرمان شهر فاطمی دانستیم، بخش دوم در پی آن است که این هسته را در متن زندگی روزمره حضرت زهرا (علیها السلام) جست و جو کند. پرسش اصلی این بخش آن است که: «فاطمی زیستن» در عرصه عمل چه مختصاتاتی دارد و چگونه می توان از آن برای اصلاح جامعه امروز بهره گرفت؟ و در ادامه، شش ساحت اصلی این سیره عملی بررسی می شود.

فاطمه علیها السلام از رسول خدا ﷺ تقاضا کردند که کارهای خانه و بیرون خانه را بین آنان تقسیم فرماید. پیامبر ﷺ انجام کارهای داخل خانه را برعهده فاطمه علیها السلام نهاد و امور خارج از منزل را برعهده امیرالمؤمنین علی علیه السلام گذاشت. امام باقر علیها السلام در ادامه می فرمایند: حضرت فاطمه علیها السلام می فرمود: هیچ کس جز خداوند نمی داند که من چقدر خوشحال شدم، از این که رسول خدا ﷺ کارهای بیرون از خانه را به من واگذار کرد و مرا از مراده با مردان نجات داد.^(۱)

پیامبر ﷺ میان «داخل» و «بیرون» تفکیک کردند؛ اما این تفکیک به معنای ارزش گذاری نیست؛ بلکه تقسیم کار عادلانه و متناسب با توانمندی ها است و در عین حال، کار خانه به عنوان یک «مسئولیت تمدنی» شناخته شده، نه یک کارپست و محقرانه. در برابر این الگو، در آرمان شهر لیبرال-سکولار، خانه به محل «ستم مضاعف بر زن» تبدیل می شود یا با شعار برابری مطلق، ساختار طبیعی

خانواده از هم می پاشد. الگوی فاطمی، نقش پذیری مبتنی بر عدالت و محبت است.

ج. پناهگاه آرام بخشی؛ کارکرد فراموش شده خانواده: حضرت زهرا علیها السلام فقط همسر و مادر نبود؛ او پناهگاه پیامبر ﷺ نیز بود. بارها در منابع معتبر آمده است که پیامبر ﷺ در لحظات سخت، به خانه فاطمه علیها السلام پناه می برد و با دیدن او آرام می گرفت و او را مادر خود خطاب می کرد.^(۲) این رفتارها نشان می دهد که نگاه تمدن اسلامی به خانه، نگاه به فضایی امن برای بازیابی توان روانی و معنوی اعضای خانواده است.

این کارکرد در خانواده مدرن به شدت تضعیف شده است. خانواده های امروزی اغلب به «محل سکونت مشترک» تبدیل شده اند که اعضای آن فقط در کنار هم زندگی می کنند؛ اما از نظر عاطفی از یکدیگر جدا هستند. آرمان شهر فاطمی، خانواده را به پناهگاه عاطفی باز می گرداند؛ جایی که انسان خسته از فشارهای بیرونی، در آن آرام می گیرد.

۱. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الانوار)، حمید روحانی، نشر مهام، تهران، ۱۳۷۷ش، ص ۳۷۹.

۲. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، عبدالله بن شهر آشوب مازندرانی، نشر علامه، قم، ۱۳۷۹ش، ج ۳، ص ۳۵۶.

د. کارکرد تربیتی؛ ساختن انسان‌های

بزرگ از خانه‌ای کوچک: در سیره تربیتی حضرت زهرا علیها السلام تربیت نه یک وظیفه حاشیه‌ای؛ بلکه محور اصلی حیات خانوادگی است. ایشان با بهره‌گیری از موقعیت‌های معنوی، فرزندان و اهل خانه را در تجربه زیست عبادی شریک می‌ساخت و از این رهگذر، انسان‌هایی تربیت کرد که بعدها ستون‌های تمدن اسلامی شدند.

یکی از گویاترین اسناد این شیوه تربیتی، روایتی است که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده: «كَانَتْ فَاطِمَةُ لَا تَدْعُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهَا يَنَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَتَدَاوِيهِمْ بِقَلَّةِ الطَّعَامِ وَتَنَاهَبُ لَهَا مِنَ النَّهَارِ وَتَقُولُ: مَحْرُومٌ مِنْ حُرْمِ خَيْرِهَا»^(۱) فاطمه علیها السلام نمی‌گذاشت هیچ یک از اهل خانه‌اش در آن شب [شب قدر] بخوابد و آنان را با کم‌خوری آماده می‌ساخت و از روز قبل برای آن شب مهیا می‌شد و می‌فرمود: محروم کسی است که از خیر این شب بی‌بهره بماند».

۱. عوالم العلوم والمعارف، عبدالله بن نورالله بحرانی، مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، قم، ۱۳۷۵ ش، ج ۱۱، ص ۹۱۳.

این الگوی تربیتی، همان الگویی است که در روان‌شناسی تربیتی امروز به آن «یادگیری مشارکتی» یا «همراهی عاطفی در تجربه» می‌گویند. والدین و مربیان موفق کسانی‌اند که مخاطب را در تجربه زیسته شریک می‌کنند، نه فقط به او دستور می‌دهند. حضرت زهرا علیها السلام با این روش، حس تعلق و مسئولیت مشترک را در خانواده تقویت کرد.

در برابر این الگو، در آرمان شهر لیبرال، تربیت به نهادهای بیرونی، مانند مدرسه و رسانه سپرده شده، والدین به دلیل اشتغال و سبک زندگی فردگرا، کم‌ترین زمان را با فرزندان خود می‌گذرانند. نتیجه، نسل بی‌هویتی است که بیش از والدین، از رسانه‌ها و هم‌سالان تأثیر می‌گیرد، به ارزش‌های خانوادگی پایبند نیست و در برابر سختی‌ها کم‌طاقت و بی‌مسئولیت است.

۲. اقتصاد؛ استقلال مالی، ایثار و مسئولیت اجتماعی

یکی از مهم‌ترین ابعاد سیره حضرت زهرا علیها السلام مواجهه ایشان با مسئله فدک است. فدک منبع مالی مستقل اهل بیت علیهم السلام بود که با درآمد

آن، حضرت زهرا علیها السلام می‌توانست به مستمندان کمک کند و هزینه‌های تبلیغ دین را تأمین نموده، از نظر اقتصادی به دیگران وابسته نباشد.

حضرت زهرا علیها السلام با دفاع از فدک، در واقع از استقلال نهاد امامت دفاع کرد. نهاد دین نیز نباید از نظر اقتصادی به قدرت‌های سیاسی یا اقتصادی وابسته باشد. استقلال مالی حوزه‌های علمیه، مساجد و نهادهای فرهنگی، شرط استقلال فکری و سیاسی آنهاست؛ اما اوج شکوه اقتصاد فاطمی، نه در فدک؛ بلکه در جریان مستمر اقتصاد مقاومتی در زندگی حضرت است که جلوه‌ای از آن؛ یعنی ایثار غذای سه شب متوالی است که در سوره انسان (هل اتی) جاودانه و ثبت شد. براساس روایات معتبر، حضرت زهرا علیها السلام و خانواده‌اش سه شب متوالی افطار خود را به مسکین، یتیم و اسیر بخشیدند و خود با آب ساده افطار کردند.^(۱)

این واقعه نشان می‌دهد که آرمان‌شهر فاطمی بر پایه اقتصاد مقاومتی بنا شده؛ اقتصادی که ابزار عدالت است، نه هدف زندگی و رفاه شخصی در آن بر مسئولیت اجتماعی مقدم نیست و ایثار، بالاترین ستون فقرات آن است. در چنین شکلی از اقتصاد، کار عین عبادت قلمداد می‌شود. در آرمان‌شهر فاطمی، کار و عبادت درهم تنیده‌اند؛ یعنی کارخانه نیز عبادت است، اگر با نیت الهی انجام شود. این نگاه، هم از کار قداست‌زدایی نمی‌کند و هم عبادت را به گوشه مسجد محدود نمی‌سازد.

در برابر این نگاه، در آرمان‌شهر لیبرال-سکولار، اقتصاد به ابزار حداکثرسازی سود فردی تبدیل شده است. مصرف‌گرایی، تجمل‌پرستی و شکاف طبقاتی، نتیجه طبیعی این نگاه است.

۳. سیاست فاطمی؛ دفاع از حق تا پای جان

در نگاه سکولار، سیاست از دین جداست؛ اما در سیره حضرت زهرا علیها السلام عین دین است؛ زیرا سیاست یعنی مرزبانی از حق و عدالت.

پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و انحراف

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۵ ش، ج ۲۵، ص ۳۵۲.

سقیفه ای، حضرت زهرا علیها السلام سکوت نکرد و شخصاً به خانه مهاجران و انصار می رفت و حق امیرالمؤمنین علیه السلام را مطالبه می کرد. در روایت آمده است: «فَلَمْ تَزَلْ فَاطِمَةُ تَخْتَلِفُ إِلَى دُورِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ لَيْلًا وَنَهَارًا تَدْعُوهُمْ إِلَى نُصْرَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ»^(۱) فاطمه علیها السلام پیوسته شب و روز به خانه های مهاجران و انصار می رفت و آنان را به یاری امیرالمؤمنین علیه السلام فرا می خواند.

خطبه فدکیه، اوج سیاست ورزی فاطمی است. حضرت زهرا علیها السلام در این خطبه به قرآن استناد کرد، از تاریخ و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شاهد آورد، حقوق خود را مطالبه کرد و انحراف جامعه را گوشزد فرمود. این فعالیت سیاسی، مسئولیت اجتماعی زن مسلمان را نشان می دهد. زن فاطمی، در عین حفظ حیا و عفت، در میدان سیاست نیز حضور دارد و از حق دفاع می کند.

حضرت زهرا علیها السلام تا آخرین لحظه از ولایت دفاع کرد و حتی در بستری بیماری، وقتی عیادت کنندگان آمدند، از آنان گله کرد که چرا حق علی علیه السلام را رها کردند. امروز نیز جامعه فاطمی باید در دفاع از

ولایت فقیه و نظام اسلامی فاطمی عمل کند.

۴. عبادت و معنویت فاطمی

در سیره حضرت زهرا علیها السلام عبادت مهم ترین بخش زندگی است. طبق روایتی حضرت زهرا علیها السلام در دعای شبانه خود، ابتدا برای همسایگان دعا می کرد، سپس برای خود.^(۲) چنین عبادتی، معنویت مسئولانه است؛ معنویتی که به جای عروج فردی، عامل عروج جمعی است.

در آرمان شهر لیبرال - سکولار، معنویت به یک کالای مصرفی تبدیل شده است. مدیتیشن، یوگا، عرفان های کاذب و روان درمانی های معنوی، همگی برای کاهش استرس فردی طراحی شده اند، نه برای تقرّب به خدا.

۵. جامعه فاطمی

جامعه فاطمی، امتداد طبیعی خانواده فاطمی در عرصه اجتماع است؛ جامعه ای که در آن، سه مؤلفه بنیادین به هم گره خورده اند: حیا و عفاف به عنوان مرزبانی از حریم انسانی و عزّت اجتماعی، مسئولیت پذیری در قبال سرنوشت

۱. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۵۶.

۲. همان، ج ۴۳، ص ۸۵.

جامعه و نظام اسلامی و ولایت‌مداری به عنوان محور وحدت و امان از تفرقه. این سه، نه سه اصل جداگانه؛ بلکه سه ضلع یک مثلث تمدنی‌اند که هریک بدون دیگری ناقص می‌ماند: حیا بدون مسئولیت، انزوا می‌آفریند؛ مسئولیت بدون ولایت، به تشّت می‌انجامد و ولایت بدون حیا و مسئولیت، به تحجّر و بی‌عملی می‌رسد.

حیا در سیره حضرت زهرا علیها السلام فقط پوشش ظاهری نیست؛ بلکه نظام رفتاری است که تمام ابعاد زندگی را دربرمی‌گیرد. حضرت زهرا علیها السلام حتّی در برابر مرد نابینا نیز رعایت کرد. وقتی از ایشان پرسیدند: او که تورا نمی‌بیند، فرمود: «إِنْ كَانَ لَا يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ»^(۱) اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم. این روایت نشان می‌دهد که حیا در آرمان‌شهر فاطمی، درونی و نهادینه است، نه ظاهری و نمایشی.

در جامعه امروز، حیا به شدّت در معرض تهدید و تقلیل است. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، فرهنگ خودافشاگری و بی‌حیایی را ترویج

می‌کنند. در برابر این هجمه، الگوی فاطمی می‌تواند حیا را به عنوان عزّت و امنیت روانی معرفی کند. حضرت زهرا علیها السلام در عین اسوه حیا و عفاف بودن، الگوی کامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز هست. بنابراین، جامعه فاطمی، جامعه‌ای است که در آن مردم به جای بی‌اعتمادی به نظام، مسئولانه و متعهدانه در اصلاح امور مشارکت می‌کنند.

آنچه از این دو بخش به دست می‌آید، این حقیقت است که حضرت فاطمه علیها السلام تنها یک «بانوی مظلوم» نیست؛ بلکه معماریک تمدّن است که در آن، توحید جای پوچی، عدالت جای تبعیض، حیا جای ابتذال، خانواده جای تنهایی و ولایت جای طاغوت را می‌گیرد؛ اما پرسش اصلی این جاست: در برابر این آرمان‌شهر، چه گفتمانی ایستاده و چگونه می‌توان از آن عبور کرد؟ این پرسشی است که در قسمت دوم مقاله به آن خواهیم پرداخت.

ادامه دارد....



حضرت زینب کبری علیها السلام الگوی نگاه توحیدی

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

مقدمه

حالت اطمینان پیدا می کنند؛ اما اگر مصیبتی (برای امتحان) به آن ها برسد، دگرگون می شوند (و به کفر رومی آورند! به این ترتیب) هم دنیا را از دست داده اند و هم آخرت را و این همان خسران و زیان آشکار است!.

در صدر اسلام و نیز واقعه عاشورا و حتی در زمان معاصر نیز نمونه های متعددی از این گونه مسلمانان پشیمان و پریشان دیده می شود که برای آیندگان می توانند عبرت باشند. در مقابل، شخصیت های مؤمن واقعی داریم که نه تنها از گذشته خود پشیمان نیستند؛ بلکه همواره دعا می کنند خداوند آنان را در مسیر حق ثابت قدم، استوار و خشنود نگهدارد و در این مسیر سخت و ناهموار

پریشانی نسبت به آینده و پشیمانی نسبت به گذشته، ویژه آن دسته از افرادی است که قلباً وعده های الهی را باور ندارند و مدعی مؤمن بودن هستند و ایمان عاریتی دارند. مصداق بارز این آیه شریفه که می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»^(۱)

«بعضی از مردم خدا را تنها با زبان می پرستند (و ایمان قلبی شان بسیار ضعیف است)؛ همین که (دنیا به آن ها رو کند و نفع و) خیری به آنان برسد،

حقیقت، ذره‌ای تردید به دل‌شان راه نیابد. آنان مدام می‌گویند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»؛^(۱) «پروردگارا! بر [دل‌های] ما صبر عنایت کن و ما را ثابت قدم بدار و برگروه کافران پیروز فرما».

نبی مکرم اسلام ﷺ می‌فرمایند: «الْمُؤْمِنُ أَشَدُّ فِي دِينِهِ مِنَ الْجَبَالِ الرَّاسِيَةِ وَذَلِكَ أَنَّ الْجَبَلَ قَدْ يُنْحَتُ مِنْهُ وَالْمُؤْمِنُ لَا يُقْدَرُ أَحَدٌ عَلَى أَنْ يُنْحَتَ مِنْ دِينِهِ شَيْئًا وَذَلِكَ لِصَنِهِ بِدِينِهِ وَشُجَّهِ عَلَيْهِ»؛^(۲) «مؤمن در دینش از کوه‌های بلند سخت‌تر و پابرجاتر است؛ زیرا کوه‌ها را باکندن و تراشیدن می‌توان ناقص کرد؛ ولی از مؤمن نمی‌توان چیزی کاست؛ چراکه او نسبت به دینش بخل می‌ورزد و بردینش حریص است».

حضرت زینب (علیها السلام) نمونه اتم و بارز چنین مؤمنانی است که بعد از آزمون سنگین حادثه عاشورا، باایمانی راسخ و آگاهی از اهداف الهی، در برابر قضای خداوند تسلیم محض بود و در «رضایت از

گذشته و امید به آینده» الگویی بی‌نظیر گشت.

ایشان با صبر، عبادت و مدیریت صحیح بحران، از واقعه عاشورا روایتی حقیقی را به تصویر کشید و پیام قیام سیدالشهدا (علیه السلام) را به گوش کل تاریخ رساند. آن بانوی گرامی نشان داد که مؤمن واقعی نه تنها در اوج مصائب آرامش خود را حفظ می‌کند و در لغزشگاه‌های پیچیده تاریخی، به مدد الهی ثابت قدم و استوار مقاومت می‌کند؛ بلکه از این مصائب و تهدیدها بهترین و عالی‌ترین فرصت را برای رسیدن به اهداف مقدس می‌سازد؛ به این جهت، هرگز از گذشته پشیمان نشد و نسبت به آینده پریشان و ناامید نگشت.

در این مقاله مواردی از نگاه توحیدی، ثبات قدم و خشنودی از تقدیرات الهی حضرت زینب (علیها السلام) را اشاره می‌کنیم:

۱. رضایت‌مندی از تقدیرات الهی

حضرت زینب (علیها السلام) در برابر مستکبران زمان و در اوج اسارت ظاهری، هرگز ناامید، افسرده و پشیمان نشد؛ بلکه در مقابل

۱. بقره/۲۵۰.

۲. صفات الشیعة، شیخ صدوق، نشر اعلمی، تهران،

۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۳۱.

دشمن با روحیه ای مضاعف، نه تنها به تمام اهل کاروان؛ بلکه به تمام شیعیان تاریخ، روحیه امید تزریق نمود. از جمله، در مجلس ابن زیاد، چنان با ابهت، شجاعت و بزرگ منشی، در حالی که خود را پوشانده بود، وارد شد که ابن زیاد پرسید: «مَنْ هَذِهِ الْمُتَنَكِّرَةُ الْمُتَكَبِّرَةُ؟»^(۱) این زن ناشناس بزرگ منش کیست؟» وقتی شناخت، برای این که حضرت را بشکند، نا امید کند و روحیه اش را تضعیف نماید، گفت: «حمد و سپاس خداوندی را که شما را رسوا کرد و به قتل رساند و دروغ شما در گفتارتان را آشکار ساخت.»

حضرت زینب علیها السلام در پاسخ با کمال شهامت فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ طَهَّرَنَا تَطْهِيراً؛ حمد و سپاس خداوندی را ما را با حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گرامی داشت و به طور کامل پاک و مطهر ساخت.» بعد ادامه داد: «لَا كَمَا تَقُولُ وَإِنَّمَا يَفْتَضُّ الْفَاسِقُ وَ يَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَ هُوَ غَيْرُنَا؛ این گونه نیست

که می گویی، همانا فاسق رسوا و بدکار تکذیب می شود. او دیگری است، نه ما.» ابن زیاد گفت: کار خدا را نسبت به برادر و اهل بیت چگونه دیدی؟ حضرت فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِلاً؛ من جز خیر و زیبایی چیزی ندیدم.» و جمله اش را این گونه تکمیل فرمود: اینان (شهادی کربلا) سعادتمندانی بودند که خداوند مقام شهادت را سرنوشت شان ساخت. از این رو (داوطلبانه) به خوابگاه های ابدی خود شتافتند. به زودی خداوند بین آنان و تورا جمع کند، تا تورا به محاکمه بکشد (آن گاه ابن زیاد را این گونه تحقیر کرد): «فَانْظُرْ لِمَنِ الْفَلَجُ يَوْمَئِذٍ هَبْلَتَكَ أُمُّكَ يَا بَنَ مَرْجَانَةَ؟»^(۲) آنگاه بنگر در آن دادگاه و محاکمه چه کسی پیروز و چه کسی درمانده است؟ مادرت به عزایت بنشیند، ای پسر مرجانه!.

این ثبات قدم همان چیزی است که زائر در زیارت عاشورا در پی آن است. مؤمنان خالص که از حماسه عاشورا

۱. وفیات الأئمة عليهم السلام، جمع من العلماء البحرين، نشر شریف رضی، قم، ۱۴۱۵ق، ص ۴۵۴.

۲. الکامل ابن اثیر، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ق، ج ۴، ص ۲۸۱؛ مقتل خوارزمی، نشر انوار الهدی، قم، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۴۲.

و حضرت زینب علیها السلام الگو گرفته‌اند، در زیارت عاشورا از خدا همین مقام صدق و ثبات قدم را می‌خواهند: «أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ دردو عالم مرا به مقام صدق و صفای با شما، ثابت قدم بدارد.» و به قول جامی:

عاشق ثابت قدم آن کس بود کز کوی دوست
رو نگرداند اگر شمشیر بارد بر سرش

۲. اعتماد به خداوند در همه حال

از عوامل و شواهد ثبات قدم حضرت زینب علیها السلام اعتماد به خدا و توکل به حضرت باری تعالی است. او از آیات وحی آموخت که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِتْنَةً فَاتَّبِعُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛^(۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون با گروهی [از دشمن] روبه‌رو شدید، ثابت قدم باشید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار گردید.»

بدین جهت، حضرت زینب کبری علیها السلام خطبه‌هایش را با نام، یاد و سپاس از خدای تعالی آغاز می‌کند و با نام خدا نیز پایان می‌دهد. مثلاً در خطبه مجلس شام

فرمود: «فَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي خَتَمَ لِأَوَّلِنَا بِالسَّعَادَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَلَاخِرِنَا بِالشَّهَادَةِ وَالرَّحْمَةِ وَنَسَأَلُ اللَّهَ أَنْ يُكْمِلَ لَهُمُ الثَّوَابَ وَ يُوجِبَ لَهُمُ الْمَزِيدَ وَيُخَسِّنَ عَلَيْنَا الْخِلَافَةَ إِنَّهُ رَحِيمٌ وَدُودٌ وَحُسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»^(۲) پس حمد تنها از آن خدا، پروردگار جهانیان است که برای اول ما سعادت و مغفرت و برای آخر ما شهادت و رحمت مقرر فرمود. از خدا می‌خواهیم ثواب آنان را تکمیل فرموده، موجبات فزونی آن را فراهم آورد و خلافت را بر ما نیکوگرداند که اورحیم و ودود است و خدا ما را بس بوده و چه نیکو و کیلی است».

ایمان و بندگی حضرت زینب علیها السلام چنان قوی بود که امام حسین علیها السلام؛ آن واسطه فیض الهی و دارای بالاترین مرتبه عبودیت، از خواهر مکرمه و عابده خویش درخواست دعا در نماز شب کرد.^(۳) چنان که امام سجاد علیها السلام می‌فرمایند: «عَمَّام زینب علیها السلام در مسیر کوفه تا شام تمام

۲. نگاهی به خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام، عبدالکریم پاک‌نیا، نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۳۸۹ش، ص ۱۱۵.

۳. ریاحین الشریعة، ذبیح الله محلاتی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴ش، ج ۳، ص ۶۱.

نمازهای واجب و مستحب را اقامه می‌کرد؛ ولی در بعضی منازل از شدت گرسنگی و ضعف، نشسته نماز می‌خواند».^(۱)

این ایمان خالص و اعتماد و توکل به خداوند، موجب شد خدا قلب‌ها را با آن حضرت همراه سازد و دسیسه‌های رسانه‌ای یزید و یزیدیان خنثی شده، توطئه‌هایشان نقش بر آب شود. همان‌طوری که قرآن در این زمینه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾؛ «مسلمانان کسانیکه ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد».

فیض کاشانی رحمته الله فرموده است: وقتی آدمی به حقیقتِ «لا حول ولا قوة الا بالله» که همان توحید و ایمان است، واصل گردد، در مرحله عمل نیز به این حقیقت بزرگ توجه می‌کند؛ امور خویش را به خدا وا می‌گذارد و به او تکیه می‌کند.^(۲)

۱. مستدرک العوالم، عبدالله بحرانی، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۹۵۴.
۲. محجة البیضاء، ملا محسن فیض کاشانی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۷۶ش، ج ۷، ص ۳۸۰.

حضرت زینب علیها السلام چنین بود؛ توکل به خدا در تمام حرکات و سکنات او کاملاً موج می‌زد. سعدی می‌گوید:

کس را به خیر و طاعت خویش اعتماد نیست
آن بی‌بصر بود که کند تکیه بر عصا
گر خلق تکیه بر عمل خویش کرده‌اند
ما را بس است رحمت و فضل تو متکا

۳. ایثار و فداکاری

از نشانه‌های پایداری حضرت زینب علیها السلام در راه حق و عدم پشیمانی‌اش از گذشته، کسب عالی‌ترین مرحله ایثار و فداکاری در راه حق بود. وقتی در عصر عاشورا از امام سجاد علیه السلام پرستاری می‌کرد؛ بلکه جمعی زن و کودک داغدار، گرسنه، تشنه، بی‌پناه، مجروح و کتک‌خورده را که شدیداً به سرپرستی، پرستاری و نوازش‌های عاطفی نیاز داشتند، تحت حمایت همه‌جانبه خود قرار داده، خود را سپر بلای آنان می‌کرد و تازیانه‌های دشمن را به جان می‌خرید و نمی‌گذاشت آنان در معرض بی‌مهری‌های دشمن قرار گیرند. او تمام این مشکلات را در راز و نیازهایش با خداوند عالمیان در میان می‌نهاد و گاهی خطاب به پیکر

برادر، درد دل می نمود؛^(۱) اما هرگز ذره ای ناشکری و گلایه نمی کرد.

حضرت زینب (علیها السلام) با فداکاری های خویش در عرصه خدمت رسانی، به بالاترین درجه ایمان و برترین مرتبه احسان نایل گردید. او از همه چیز خود در راه احیای ارزش های الهی گذشت؛ رفاه، آسایش و آرامش زندگی در منزل همسرش، عبدالله بن جعفر - که دارای زندگی خوب و مرفهی بود - را رها کرد و با اجازه او در میدان مبارزه با مشکلات سخت زندگی گام نهاد و برای تکمیل قیام امام حسین (علیه السلام) از هیچ کوششی فروگذاری نکرد و جهت اعتلای دین اسلام و تجدید حیات دوباره آن، تمام زحمات و رنج های مادی و معنوی را به جان خرید و به واژه ایثار معنی بخشید.

امام زین العابدین (علیه السلام) می فرمایند: «عمه ام زینب در مدت اسارت، غذایی را که به او می رسید، میان بچه ها تقسیم می کرد و خود رنج گرسنگی و تشنگی را تحمل می نمود؛ چراکه عوامل دشمن در

هر شبانه روز فقط یک قرص نان به ما می دادند».^(۲)

این بانوی فداکار کربلا، فرزندان خود را نیز فدا کرد و چون کوهی پولادین در برابر دشمنان سنگ دل ایستاد. در بعضی مقاتل نوشته اند: «در روز عاشورا، هنگامی که فرزندان حضرت زینب (علیها السلام) به شهادت رسیدند، ایشان از خیمه بیرون نیامد و بر بالین شان حاضر نشد. وقتی علت را پرسیدند، فرمود: تا مبادا برادرم خجالت بکشد».

امروزه نیز صبر و استقامت خانواده معظم شهدا، به ویژه مادران، فرزندان، همسران و خواهران شهدا، نمادی از صبر و استقامت حضرت زینب (علیها السلام) پس از واقعه عاشورا است. همان طوری که حضرت زینب (علیها السلام) فرزند شهید، خواهر شهید و مادر شهید بود، عبدالله بن جعفر طیار، همسر حضرت زینب (علیها السلام) نیز خود فرزند شهید، پدر شهید و برادر شهید بود.^(۳)

۲. وفیات الائمة (علیها السلام)، دارالبلاغه، بیروت، ۱۴۱۲ هجری قمری، ص ۴۴۱.

۳. پژوهشی پیرامون شهادت کربلا، جمعی از نویسندگان، زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۹۷.

۱. شجره طوبی، حائری، نشر حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۵ ق، ج ۲، ص ۲۳۷.

۴. انس با قرآن

از عوامل ثبات قدم، انس با قرآن است که در سیره حضرت زینب علیها السلام در اوج بود. این خصلت زیبا صاحب خود را محبوب القلوب می‌گرداند و قدرت استناد به قرآن و آیات آن می‌تواند اندیشه‌ها را دگرگون سازد. گاهی انس با یک آیه، سرنوشت فردی آلوده مثل «فضیل عیاض» را تغییر داده است؛ اما حضرت زینب علیها السلام در محیطی تولد و رشد یافت که مهد قرآن بود و در دامان والدینی تربیت شد که آیات قرآن - براساس روایات فریقین - مملو از ستایش آنان است؛ آیاتی مانند مباحله، تطهیر، مودّت، ولایت، اکمال دین و... در مورد خانواده حضرت نازل شده‌اند.^(۱)

طبق روایات فراوانی، خانواده حضرت زینب کبری علیها السلام نه تنها مورد ستایش خدا در قرآن هستند؛ بلکه سرآمد مفسران و مترجمان حقیقی این کتاب آسمانی و موسوم به خاندان وحی‌اند. به همین جهت، حضرت زینب علیها السلام در مهبط وحی و قرآن رشد و نمو یافت و در فضای وحیانی

تنفس کرد، تا به دوران بلوغ و جوانی رسید.^(۲)

در دوران اسارت ظاهری نیز با تمسک به قرآن شرایط را دگرگون کرد و به جنگ با ظالمان رفت. آن بانوی عالمه غیرمعلمه با استناد به قرآن و استشهاد از آیات و حیانی آن، توانست پیام عاشورا را به افکار عمومی منتقل کند و با روایت‌گری عاشورایی خویش، جنایات ستمگران را برملا سازد. این‌گونه بود که تمام تبلیغات دشمن خنثی شد و آینده از آن عاشوراییان گردید.

مردمیدان، مردمیدان است بی‌شمشیر هم وارث شیر خدا شیر است در زنجیر هم کاردشواری است بین سلسله حیدر شدن یا علی‌گویان چهل جا فاتح خیبر شدن خطبه پرشور خواندن با کلام آتشین خطبه از جنس رجزهای امیرالمؤمنین علیه السلام پیشوای غم، بزرگ روضه خوانان، پیراشک کاخ را با خاک یکسان کرد با شمشیراشک بال و پر بسته، پریدن را به عالم یاد داد دودمان شام را با آه خود بر باد داد آن بانوی عاشورایی با آیات الهی، تمام امیدهای دشمن را به یأس تبدیل

۱. در این زمینه به تفاسیر: البرهان، نورالثقلین، تفسیر قمی و سایر تفاسیر روایی رجوع شود.

۲. مقاله «سیمای حضرت زینب علیها السلام در آئینه قرآن، از همین قلم، مبلغان ۲۶۱، آبان ۱۳۹۹.



نمود و اندیشه‌های باطل آنان را برباد داد و افکار عمومی را به نفع جبهه حق تغییر داد و فرمود: «وَلَيْسَ اتَّخَذْتَنَا مَغْنَمًا لَّنَجِدَنَّا وَشِيكًا مَّغْرَمًا، حِينَ لَا تَجِدُ إِلَّا مَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ» و «مَا رَيْكَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ»؛^(۱) اگر امروز ما را برای خود غنیمتی می‌پنداری، به همین زودی خواهی دید که ما به زیانت بوده‌ایم و آن هنگامی است که هرچه از پیش فرستاده‌ای، خواهی دید و پروردگارت بر بندگان ستم روا نمی‌دارد».

۵. تسلط بر لشکر سانه‌ای دشمن

حضرت زینب (علیها السلام) با ثبات قدم و شجاعت بی‌نظیر خود در دوران اسارت ظاهری، با جملات کوبنده و منطقی خود و با یک خبر غیبی، بر تمام تلاش‌های مذبوحانه دشمن خط بطلان کشید و به یزید با ندای رسا اعلام فرمود: «فَكِدْ كَيْدَكَ وَاسْعَ سَعِيكَ وَنَاصِبْ جُهْدَكَ فَوَاللَّهِ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا وَلَا تُمِيتُ وَحْيَنَا وَلَا تُدْرِكُ أَمْرَنَا وَلَا تَرَحُّصُ عَنْكَ عَاذُهَا»؛^(۲) ای یزید! هر نیرنگی که می‌خواهی، بزن و هر

اقدامی که می‌توانی، بکن و هر کوششی که داری، دریغ مدار! سوگند به خدا که نمی‌توانی نام ما را محو کنی و نور وحی ما را خاموش نمایی. تو نمی‌توانی عظمت امر ما را درک کنی و ننگ این ستم را هرگز از خود نتوانی زدودا! به همین جهت بود که مورد ستایش امام زمان خود واقع گردید.

امام سجاد (علیه السلام) عمه‌اش را «عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ»؛^(۳) دانای استاد ندیده» خواندند که برخی این تعبیر را نشانه اعطای علوم لدنی به حضرت دانسته‌اند. سخنان ایشان به دلیل اثرگذاری، فصاحت و بلاغت، همواره مورد توجه پژوهش‌گران بوده است.

در این سفر پرمخاطره که به خواست دشمن انجام گرفت، برای اهل دل و عاشقان حقیقت درس‌ها و پیام‌های عملی متعددی وجود دارد که از تصمیمات هواپرستانه و دنیاگرایی دشمن ناشی می‌شود؛ چراکه «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.» چون آنان

۱. فصلت/۴۶.

۲. لواعج الأشجان، سید محسن امین، نشر بصیرتی،

قم، ۱۳۷۱ش، ص ۲۳۰.

۳. الإحتجاج، فضل بن حسن طبرسی، نشر مرتضی،

مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ق. ج ۲، ص ۳۱.

می‌خواستند از حماسه‌سازان انقلاب عاشورا زهر چشم بگیرند و نور این قیام خدایی را خاموش کنند؛ اما اراده خداوند دقیقاً عکس خواست دشمن را رقم زد؛ چراکه: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛^(۱) «آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند، هرچند کافران خوش نداشته باشند!» در تمام این منازل که کاروان اسرا را با سخت‌ترین شرایط از کربلا تا شام می‌بردند، آن گرامیان تمام شرایط طاقت‌فرسای اسارت را به فرصت‌های خوبی برای بیداری مردم و شناساندن اهداف عاشورا تبدیل کردند.^(۲)

تسلیم شدن کامل یزید

عقب‌نشینی یزید و تغییر موضع او، بر اثر خطبه‌های افشاگرانه حضرت زینب و امام سجاد علیهما السلام در شام و بیدار شدن مردم بود، وگرنه هرگز یزید با آن سابقه و

آن کلمات کفرآمیزی که در آغاز بر زبان راند، از کار خود پشیمان نمی‌شد. در واقع به خاطر پیروزی در جنگ رسانه‌ای بود که یزید تسلیم منطق قدرتمند حضرت زینب کبری علیها السلام شد.

جلال الدین سیوطی (دانشمند معروف اهل سنت) می‌نویسد: «یزید ابتدا از کشته شدن امام حسین علیه السلام و خاندانش خوشحال شد؛ اما بر اثر خشم مسلمین از آن کاراظهارندامت کرد و با این حال مردم از او خشمگین بودند و حق داشتند که او را دشمن بدانند».^(۳)

طبری نیز نقل می‌کند: یزید پسرمرجانه را لعنت می‌کرد و می‌گفت: «فَبَغَضَنِي بِقَتْلِهِ إِلَى الْمُسْلِمِينَ وَزَعَّ لِي فِي قُلُوبِهِمُ الْعَدَاوَةَ، فَبَغَضَنِي الْبُرُؤُ الْفَاجِرُ بِمَا اسْتَعْظَمَ النَّاسُ مِنْ قَتْلِي حُسَيْنًا؛ ابن زیاد مرا با کشتن حسین علیه السلام منفور مسلمانان قرارداد و بذر عداوت آنان با من را در قلب‌شان کاشت و چون کشتن حسین علیه السلام برای مردم گران آمده، همگان مرا دشمن می‌دارند».^(۴)

۳. تاریخ الخلفاء، جلال الدین سیوطی، دار صادر، بیروت، ص ۲۳۲.

۴. تاریخ طبری، محمد بن جریر رستم طبری، مؤسسه الأعلمی، بیروت، ۱۸۷۹م، ج ۴، ص ۳۸۹.

۱. صف/۸.

۲. درس‌هایی از اسارت اهل بیت علیهم السلام، مبلغان ۳۲۸، صفر ۱۴۴۸ق/تیر ۱۴۰۵ش.

برکات ثبات قدم و پیروزی رسانه‌ای

پایداری حضرت زینب (علیها السلام) و پیروزی رسانه‌ای آن گرامی، برکات فراوانی داشت. از جمله:

۱. تربیت نسلی ثابت قدم

تسخیر افکار عمومی توسط حضرت زینب (علیها السلام) موجب شد نسلی ثابت قدم تربیت شوند و در مسیر حق استوار بمانند. با این ره‌آورد ارزشمند حماسه عاشورا و جهاد تبیین آن بانوی جهادگر، امروزه ما از برکات آن نسل بهره‌مندیم. احیاگران روایت حقیقت عاشورا بعد از حضرت زینب (علیها السلام) آن مسیر نورانی را ادامه دادند و به نسل‌های بعدی سپردند و این جهاد تبیین حضرت توسط شاگردان با واسطه آن بانوی عاشورایی هم‌چنان ادامه دارد.

خطبه‌ها و سخنان آن یادگار امیر مؤمنان (علیه السلام) گرچه کوتاه بود؛ اما حقیقت حماسه عاشورا را چنان در تاریخ ترسیم نمود که امروزه جدیدترین نسل مؤمنان پیام عاشورا را کاملاً دریافت کرده‌اند و حتی جزئیات آن را نیز می‌دانند. پیروزی حضرت در جنگ رسانه‌ای با قوی‌ترین رسانه‌های دشمن مکار و تا بن دندان

مسلح چنان در تاریخ مؤثر افتاده است که هرگز کسی در حقیقت حماسه عاشورا و اهداف و پیام‌های آن ذره‌ای تردید ندارد. مخاطبان با وجدان حضرت زینب (علیها السلام) در کوفه، بعد از آن خطبه دیگر خواب آرام و راحتی نداشتند و قیام‌های پشت سرهم به راه انداختند.^(۱)

۲. زمینه‌سازی انتقام از قاتلان امام

حسین (علیه السلام)

ثبات قدم حضرت زینب (علیها السلام) و شجاعت و شهامت ایشان بود که زمینه انتقام از قاتلین کربلا را فراهم ساخت. اساساً مهم‌ترین عامل قیام‌های توانمند و مختار، روشننگری‌های بازماندگان عاشورا بود؛ وگرنه این واقعه مهم، هم‌چنان که بنی‌امیه می‌خواستند، به بوته فراموشی سپرده می‌شد؛ اما با روشننگری‌های حضرت زینب (علیها السلام) زمینه انتقام از قتل کربلا فراهم شد و مختار چنین حرکت زیبایی را صورت داد و دل اهل بیت (علیهم السلام) را شاد نمود.^(۲)

۱. رک: مقاله «نقش عاشورا در قیام‌های حق‌طلبانه،

ره‌توشه محرم ۱۴۳۸ق/تابستان ۱۳۹۵ش.

۲. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۴۵، ص ۳۴۳: مختار بعد از تسلط بر حکومت کوفه، در حدود ۲۸ نفر

عوامل پشیمانی مجاهدان راه حق

نداشتن نگاه توحیدی به حوادث، فاصله گرفتن از قرآن و معارف آن و نیز کج فهمیدن مضامین آن می تواند انسان و مبارزان راه حق را در پیمودن صراط مستقیم و دچار فرسودگی کرده، از ادامه راه منصرف و پشیمان کند. پریشانی نسبت به آینده و پشیمانی نسبت به گذشته عواملی دارد. از جمله: جاه طلبی، ریاست پرستی، شک در قیامت، برداشت غلط از معارف دینی، شیفتگی به موقعیتهای اجتماعی، غفلت، ترس از دست دادن مال دنیا، پستی طبع، نداشتن بصیرت سیاسی، عدم پای بندی به اصول اخلاقی و... به چند نمونه از این افراد پشیمان اشاره می کنیم:

الف. هرثمه بن ابی سلیم

هرثمه تا کنار حق و به دیار حقیقت آمد؛ اما توفیق استقامت نداشت و از آن فاصله گرفت و چون با دشمنان مرزبندی نداشت، تولای بدون تبرايش او را عاقبت به شر کرد؛ زیرا در کربلا امام حسین علیه السلام را میان دشمنان تنها گذاشت و به سرعت رفت تا جان خود را حفظ کند.^(۱)

ب. عمرو بن حجاج مدجی زبیدی

او به امام حسین علیه السلام نامه نوشته و حضرت را به کوفه دعوت کرده بود؛ می توانست در پیشنهاد خود ثابت قدم بماند و نامش در فهرست عاشوراییان ثبت شود؛ اما دنیا طلبی، نداشتن استقامت، ناخالصی نیت و ضعف ایمان او را از قافله امام جدا کرد.^(۲)

ج. شریح بن حارث قاضی

شریح از عالی ترین قضات صدر اسلام بود؛ اما به خاطر حفظ دنیای خود، دینش را فروخت و در پدید آمدن مصائب عاشورا

از مهم ترین قاتلان شهدای کربلا را به جزای اعمالشان رساند و قصاص نمود. امام باقر علیه السلام قیام وی را تأیید فرمود و به ابومحمد حکم، فرزند مختار، فرمود: «رَجِمَ اللَّهُ أَبَاكَ! رَجِمَ اللَّهُ أَبَاكَ! مَا تَرَكْ لَنَا حَقًّا عِنْدَ أَحَدٍ إِلَّا ظَلَبَهُ قَتَلَ قَتَلْنَا وَ ظَلَبَ بِدِمَائِنَا؛ خداوند پدرت را رحمت کند! خداوند پدرت را رحمت کند! او حق ما را طلب کرد، قاتلین ما را کشت و به خون خواهی از ما اهل بیت علیهم السلام قیام نمود».

۱. امالی شیخ صدوق، نشر کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. شخصیت ها و سیاست مداران جامانده از کربلا، مبلغان ش ۳۰۳، محرم ۱۴۴۶ق/خرداد ۱۴۰۳ ش.



تأثیر مستقیم و فراوانی گذاشت. اواز جمله ۷۰ تن مشاهیر کوفه بود که برای یاری امام حسین علیه السلام قسم یاد کرده، بارها با امام مکاتبه نموده و نامه‌ها فرستاده بود؛^(۱) اما دروغ‌گویی، ترس، جاه‌طلبی و دنیاپرستی او را از کاروان عاشورا جدا کرد.^(۲)

د. ضحاک بن عبدالله مشرقی

ضحاک از اصحاب امام سجّاد علیه السلام^(۳) و از جمله گزارش‌گران و یاران حاضر امام حسین علیه السلام در کربلا بود؛ اما تلخ‌ترین صفحه زندگی وی، فرار او از صحنه جنگ است؛ دقیقاً در لحظه‌ای که امام حسین علیه السلام تنها شد و مدافعی برایش نماند؛ با این‌که نظاره‌گر مظلومیت امام و اهل بیتش علیهم السلام بود، با تنها گذاشتن امام علیه السلام از صحنه نبرد گریخت.^(۴)

ه. شمر بن ذی الجوشن

شمر در جنگ صفین کنار رزمندگان

اسلام و در جبهه امیرالمؤمنین علیه السلام و جانباز بود و حتی در مصاف با لشکر باطل از ناحیه سرو صورت به شدت آسیب دیده بود. به نظر نمی‌رسید که وی از جبهه حق عدول کند و روزی در کنار دشمن، با امام زمان خود بجنگد و چنان چهره عوض کند که در جبهه باطل به سمت فرماندهی آید؛ اما خودخواهی و اصلاح نکردن رذیله‌ها مانع شد عاقبت خوبی داشته باشد.^(۵)

امروزه نیز باید می‌تواند از تاریخ درس عبرت گرفت و در مسیر حق همانند گذشته، ثابت قدم و استوار گام بردارد و با اعتماد به وعده‌های الهی، هرگز پشیمان نشود و با توکل به حضرت حق و تبعیت از حضرت زینب کبری علیه السلام نسبت به آینده نیز کاملاً امیدوار باشد و به دل خود تزلزل راه ندهد و بداند: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾^(۶) «اگر (آیین) خدا را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد».

۱. همان.

۲. همان.

۳. رجال شیخ طوسی، نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۶.

۴. شخصیت‌ها و سیاست‌مداران جامانده از کربلا، مبلغان ش ۳۰۳، محرم ۱۴۴۶ق/خرداد ۱۴۰۳ق.

۵. همان.

۶. محمد/۷.



مکتب فاطمی علیها السلام؛ الگوی جامع تاب آوری و کنش گری فعال

الناز موسوی یکتا

مقدمه

انسان معاصر، بیش از هر زمان دیگری در معرض بمباران اطلاعات و تلاطم های هویتی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارد. یکی از چالش های جدی جوانان در این طوفان ها، ازدست دادن منبع آرامش و ناتوانی در تنظیم هیجانات است که رسالت مبلّغان دین را در هدایت آنان سنگین تر می کند. در شرایط بحرانی، معمولاً انسان های عادی یا گرفتار غلیان احساسات شده و خردورزی را کنار می گذارند یا عواطف انسانی را در مسلخ منطقی خشک سرکوب می کنند. با این حال، مطالعه کنش های شخصیت های تراز تاریخ اسلام، راه سومی را پیش روی ما و مبلّغان عزیز می گذارد، تا در منابر و مشاوره های خود از آن بهره ببرند.

وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در دوران کوتاه؛ اما پرالتهاب حیات خویش، با بحران های سهمگینی روبه روشدند؛ از محاصره در شعب ابی طالب و فشارهای شدید اقتصادی گرفته، تا فقدان بزرگ ترین حامی عاطفی شان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و غصب حقوق مسلم ولایی و اجتماعی. بررسی رفتارها و گفتارهای ایشان، الگویی پیشرفته از «مدیریت بحران» را ارائه می دهد که می تواند چراغ راه جوان امروز و محتوایی غنی برای مبلّغان در مسیر هدایتگری باشد. در ادامه به چهار راهبرد اساسی در سیره فاطمی می پردازیم:

۱. معنایابی توحیدی و عبور از ذهنیت قربانی

نخستین و مهم ترین گام در مدیریت هر



الف. شناخت سنت ابتلا؛ پیش نیاز تاب آوری

زیربنای فکری حضرت زهرا علیها السلام در مواجهه با سختی‌ها، درک دقیق «سنت‌های الهی» بوده است. ایشان به خوبی می‌دانستند که دنیا، سرای آسایش مطلق نیست؛ بلکه کلاس درسی برای پرورش روح است. قرآن کریم به صراحت، قانون قطعی رویارویی با بحران‌ها را چنین بیان می‌فرماید: «وَلَتَبْلُوكُمْ بِثِيٍّ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»؛ ^(۱) «و قطعاً شما را به چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزمایم و به استقامت‌کنندگان بشارت ده». جوانی که این آیه را در دستگاه شناختی خود نهادینه سازد؛ یعنی بدان اعتقاد پیدا کند، هنگام بروز بحران‌ها (مالی، روحی یا عاطفی)، دچار فروپاشی روانی یا سوءظن به خداوند نمی‌شود؛ زیرا از پیش، ساختار پرچالش دنیا را پذیرفته است.

ب. بازطراحی معنای «رنج» در سیره عملی حضرت فاطمه علیها السلام

برای درک عظمت تغییر نگرش در

بحرانی، نحوه نگاه و ادراک ما از آن رویداد است. در ادبیات روان‌شناسی شناختی، اصلی وجود دارد که می‌گوید: «این رویدادها نیستند که انسان را مضطرب می‌کنند؛ بلکه تفسیر و معنایی که انسان به آن رویدادها می‌دهد، منشأ اضطراب است». بر این اساس، مهارتی به نام «چارچوب‌بندی مجدد» تعریف می‌شود که به معنای تغییر زاویه دید و دادن معنایی جدید و سازنده به یک پدیده آزاردهنده است.

مبلغان می‌توانند از این اصل برای اصلاح نگرش جوانان به مشکلات بهره ببرند.

درسیره حضرت زهرا علیها السلام با عالی‌ترین سطح از این مهارت شناختی روبه‌رو هستیم که در بستر «جهان‌بینی توحیدی» به مقام «رضا» و «شکر» ارتقا یافته است. ایشان در برابر فشارهای سهمگین اقتصادی، خستگی‌های مفرط جسمانی و محدودیت‌های شدید، هرگز در جایگاه یک «قربانی منفعل» قرار نگرفتند؛ بلکه سختی‌ها را به عنوان میدانی برای تجلی بندگی، رشد روح و ارتقای درجات اخروی ارزیابی کردند.

وجود مبارک حضرت زهرا علیها السلام باید به حجم فشارهای وارد بر ایشان توجه کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف شرایط سخت همسرگرمی‌شان، به یکی از یاران خود می‌فرماید: «إِنَّهَا اسْتَقَتْ بِالْقَرْيَةِ حَتَّى أَثَرَفِي صَدْرُهَا وَطَحَنْتِ بِالرَّحَى حَتَّى مَجَلَتْ يَدَاهَا وَقَفَّتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا وَأَوْقَدَتِ النَّارَ تَحْتَ الْقَدْرِ حَتَّى دَكَنْتِ ثِيَابَهَا...»^(۱) او چنان با مشک آب کشید که بند آن در سینه‌اش اثر گذاشت و چنان با دستاس [آسیاب دستی] آرد کرد که دست‌هایش پینه بست و چنان خانه را جارو کرد که لباس‌هایش غبارآلود شد و چنان زیردیک آتش افروخت که جامه‌اش دودآلود و تیره گشت...».

در چنین شرایط فرساینده‌ای، واکنش یک انسان معمولی قطعاً شکایت، درماندگی، پرخاشگری یا افسردگی است؛ اما حضرت زهرا علیها السلام این رنج جسمانی را در چارچوب خدمت به خانواده، جهاد زن و اطاعت از ولیّ بازتولید معنایی می‌کنند. اوج این شکوه شناختی زمانی رخ می‌نماید

که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دخترگرمی‌شان را در وضعیتی طاقت‌فرسا مشاهده کردند، در حالی که پوششی خشن از پشم شتر بر تن دارد و با یک دست فرزند شیرخوار خود را در آغوش گرفته، با دست دیگر سنگ سنگین آسیاب را می‌چرخاند. اشک در چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حلقه زد و فرمود: «دخترم! تلخی‌ها و سختی‌های دنیا را برای رسیدن به شیرینی آخرت بچش!».^(۲) در این جا، پاسخ حضرت فاطمه علیها السلام نشان‌دهنده یک معنایابی بی‌نظیر است؛ ایشان به جای تمرکز بر دست‌های پینه‌بسته یا لباس خشن، تمامیت هستی خود را غرق در نعمت می‌بیند و می‌فرماید: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلائِهِ»^(۳) ای رسول خدا! خدا را بر نعمت‌هایش سپاس می‌گویم و بر عطایایش شکر می‌کنم».

این بخش از سیره فاطمی، به مبلغان دینی می‌آموزد که باید به نسل جوان کمک کرد، تا عینک تفسیر خود را تغییر دهند. این تغییر زاویه دید، به معنای «خوش‌خیالی»

۲. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۸۶.
۳. همان.

۱. علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه، کتاب فروشی دآوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ش/۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۳۶۶.

یا «انکار مشکلات» نیست؛ بلکه به معنای دیدن تصویر بزرگ تراز هستی است. جوانی که پای منبر یاد بگیرد بحران‌های تحصیلی، شغلی یا ارتباطی خود را نه به عنوان پایان راه یا ظلم روزگار؛ بلکه به عنوان میدان آزمون الهی و فرصتی برای شکوفایی استعداد های پنهان صورت‌بندی کند، در برابر طوفان حوادث، لنگرگاهی از جنس آرامش فاطمی خواهد داشت.

۲. مدیریت هیجان و ارتباط کلامی در خطبه فدکیه

یکی از مخرب‌ترین آسیب‌ها در زمان رویارویی با بحران‌های سهمگین، پدیده‌ای است که در علوم شناختی و عصب‌شناسی رفتار، به آن «تسخیر هیجانی مغز» یا «غلبه احساسات بر منطق» گفته می‌شود. در این حالت، زمانی که انسان در معرض ضربه روحی شدیدی قرار می‌گیرد، بخش هیجانی مغز کنترل رفتار را در دست گرفته، عملکرد بخش پیشانی مغز - که مسئول تفکر منطقی و استدلال است - را مختل می‌کند. نتیجه این حالت، معمولاً پرخاشگری‌های کنترل‌نشده، تصمیمات تکانشی یا در نقطه مقابل، فروپاشی روانی و انزوای مطلق است.

حضرت فاطمه علیها السلام پس از شهادت پدر، در کانون بی‌سابقه‌ترین بحران‌ها قرار داشت؛ از دست دادن بزرگ‌ترین حامی عاطفی و معنوی، قطع وحی، غصب خلافت برحق امیرالمؤمنین علیه السلام، مصادره فدک و هجوم به حریم خانه. با وجود این حجم عظیم از فشارهای روانی و جسمانی، کنش ایشان در مسجد النبی، یک کلاس درس بی‌نظیر و پیشرفته از تنظیم هیجان و ارتباطات راهبردی است. ایشان نشان دادند که چگونه می‌توان عمیق‌ترین و سوزان‌ترین احساسات را به سوخت محرک قوی‌ترین استدلال‌های منطقی تبدیل کرد.

مبلغان می‌توانند این معماری شگفت‌انگیز ارتباطی را در چهار لایه برای مخاطبان و جوانان تحلیل و تبیین کنند:

الف. مدیریت محیط و ارتباطات غیرکلامی

در علم ارتباطات، بخش عمده‌ای از پیام، پیش از بیان کلمات و از طریق زبان بدن و فضا سازی منتقل می‌شود. ورود حضرت زهرا علیها السلام به مسجد، کاملاً مهندسی شده و دارای بار عمیق شناختی بود:

۱. زید بن علی در توصیف ورود ایشان می‌گوید: «فَلَا تَثَّ خِمَارُهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ

اَشْتَمَلْتُ بِجِلْبَابِهَا... مَا تَخْرِمُ مِشْيَتَهَا
مِشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ؛^(۱) پس مقنعه را بر سر
محکم بست و چادر را بر خود پیچید...
در حالی که راه رفتن او هیچ تفاوتی با راه
رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نداشت. ایشان
با این رفتار غیرکلامی، در همان ثانیه‌های
نخست، ذهن مخاطب را به هویت
پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گره زدند.

۲. حضرت دستور دادند پرده‌ای میان
ایشان و جمعیت کشیده شود: «فَضْرِبَ
بَيْنَهَا وَبَيْنَ النَّاسِ مَلَأَةً»^(۲) این کار علاوه
بر حفظ حریم عفاف، از نظر روان‌شناسی
ارتباطات «محرک‌های دیداری مزاحم»
را حذف کرد، تا تمام تمرکز شناختی
مخاطب، صرفاً روی محتوای پیام و لحن
کوبنده کلام متمرکز شود.

۳. پیش از شروع خطبه، حضرت
ناله‌ای عمیق از سینه برآوردند: «ثُمَّ أَنْتَ
أَنْتَ أَجْهَشُ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبُكَاءِ»^(۳) سپس
ناله‌ای جانسوز سرداد که تمام جمعیت
به گریه افتادند. این کنش، یک «تخلیه
هیجانی دسته‌جمعی» ایجاد کرد و گارد

۱. الاحتجاج، شیخ طبرسی، نشر مرتضی، مشهد
مقدس، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۷.

۲. همان.

۳. همان.

روانی مخاطبان را شکست، تا قلب‌های
سخت‌شده، برای پذیرش براهین منطقی
آماده شوند.

ب. کلان‌نگری و پرهیز از تقلیل مسأله

یکی از اشتباهات رایج انسان‌ها در
مدیریت بحران این است که مستقیماً به
سراغ مشکل شخصی یا خُرد می‌روند؛ اما
معماری کلامی حضرت زهرا علیها السلام در خطبه
فدکیه، مبتنی بر تکنیک «قاب‌بندی
کلان» است. ایشان خطبه را با مطالبه
«فدک» آغاز نکردند؛ بلکه سخن را با
توحید، رسالت و اسرار احکام الهی آغاز
فرمودند تا به مخاطب تفهیم کنند که
مسأله، غضب یک قطعه زمین شخصی
نیست؛ بلکه خطر فروپاشی نظام امت و
انحراف از مسیر ولایت است: «فَجَعَلَ اللَّهُ
الْإِيمَانَ تَظْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ... وَطَاعَتَنَا
نِظَاماً لِلْمِلَّةِ وَإِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ»^(۴)
خداوند ایمان را مایه پاک‌سازی شما از شرک
قرار داد... و اطاعت از ما [اهل بیت علیهم السلام]
را مایه نظم و انسجام ملت و امامت ما را
عامل درامان ماندن از تفرقه ساخت.»
وقتی این قاب کلان در ذهن مخاطب

۴. همان، ص ۹۹.

شکل گرفت، می فهماند که دفاع از فدک، دیگریک دعوای شخصی نیست؛ بلکه دفاع از شریعت، قانون و عدالت است. درس بزرگ تبلیغی آن این که در مواجهه با شبهات، همواره باید مسأله را از زاویه ای وسیع تر و اصولی تر مطرح کرد.

ج. ایجاد تضاد درونی با براهین قرآنی

هنگامی که حضرت زهرا ع وارد بحث حقوقی می شوند، از راهکار ایجاد ناهماهنگی فکری بهره می برند. در روان شناسی، زمانی که عملکرد یک فرد با باورهای ادعایی او در تضاد قرار می گیرد، دچار تنش شدید روانی می شود.

غاصبان ادعا می کردند که طبق حدیثی (جعلی) پیامبران ارث نمی گذارند. حضرت مستقیماً باورهای دینی ادعایی آن ها (ایمان به قرآن) را در برابر عملکرد سیاسی شان قرارداده، با طرح پرسش های رگباری و استناد دقیق به آیات قرآن، آن ها را خلع سلاح منطقی کردند: «أَفَعَلَىٰ عَمْدٍ تَرَكْتُمُ كِتَابَ اللَّهِ وَنَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ؟ إِذْ يَقُولُ: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»؛^(۱) آیا عمد اکتاب خدا را ترک کردید و پشت

سرانداختید؟ آن جاکه می فرماید: سلیمان از داود ارث برد».

«وَقَالَ: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ»؛^(۲) و می فرماید: «خداوند درباره فرزندان تنان به شما سفارش می کند که سهم پسر، دو برابر سهم دختر است». «أَفَحَصَّكُمُ اللَّهُ بِآيَةٍ أَخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ: أَهْلٌ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثَانِ؛^(۳) آیا خداوند آیه ای را به شما اختصاص داده که پدرم، پیامبر ص را از آن مستثنا کرده یا می گویند پیروان دودین از یکدیگر ارث نمی برند»؟

این تلفیق شگفت انگیز از صلابت عاطفی و استدلال حقوقی محض، به جوان امروز می آموزد که در اوج بحران و حق طلبی، به جای رفتار تکانشی، باید با محکم ترین مبانی منطقی و قانونی به میدان آمد. مبلّغ نیز می تواند با الگوگیری از این شیوه، تناقضات فکری مخاطب را در فضایی استدلالی برایش روشن سازد.

د. مخاطب شناسی و بیدارسازی وجدان خفته

حضرت در فرازهای پایانی خطبه، با

۲. نساء/۱۱.

۳. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۲.

استفاده از روش «دسته‌بندی مخاطب»، روی سخن را از حاکمان غاصب برگردانده، گروه انصار (یاوران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه) را هدف قرار دادند و برای بیدار کردن آنان از خواب غفلت، انفعال و ترس، روی هویت آرمانی، سوابق درخشان و عزت نفس آن‌ها دست گذاشتند: «يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَأَعْصَادَ الْمِلَّةِ وَحَضَنَةِ الْإِسْلَامِ! مَا هَذِهِ الْغَمِيرَةُ فِي حَقِّي...» «أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ»^(۱)؛^(۲) ای گروه نخبگان! ای بازوان ملت و مریبان اسلام! این سستی و چشم‌پوشی در حق من چیست؟... چرا با گروهی که پیمان‌های خود را شکستند و اراده کردند تا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بیرون کنند، پیکار نمی‌کنید؟ در حالی که آن‌ها نخستین بار جنگ را با شما آغاز کردند».

حضرت با این کلمات، تضاد رفتار منفعلانه امروز انصار را با شجاعت‌های دیروزشان به رخ کشیدند و با یادآوری «خودآرمانی» آن‌ها، تلاش کردند تاب‌آوری و کنش‌گری اجتماعی را در جامعه بحران‌زده آن روز احیا کنند. کالبدشکافی

خطبه فدکیه نشان می‌دهد که زبان اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با بحران، زبانی منفعل، صرفاً سوگوارانه یا پرخاشگرانه و بی‌منطق نیست.

مبلغان دینی می‌توانند با تبیین این شاهکار ارتباطی، به نسل جوان بیاموزند که در جریان چالش‌های فردی و اجتماعی، چگونه با تسلط بر نفس، استفاده از منطق مستحکم و هدف‌گیری دقیق مخاطب، تهدیدها و بحران‌ها را مدیریت کرده، صدای حق‌طلبی خود را به مؤثرترین شکل ممکن به گوش جامعه برسانند.

۳. تاب‌آوری اجتماعی در سایه مواسات و ایثار

هنگامی که انسان در گرداب بحران‌های سخت اقتصادی، روانی یا اجتماعی گرفتار می‌شود، اضطراب بقا معمولاً او را به سمت خودمرکزینی و تمرکز افراطی بر منافع شخصی سوق می‌دهد. در چنین شرایطی، فرد احساس می‌کند منابع (مالی، عاطفی و زمانی) محدود است و باید تمام توان خود را صرفاً برای حفظ خود و خانواده‌اش بسیج کند؛ اما راهبرد کلیدی در مکتب فاطمی برای افزایش تاب‌آوری، خروج از زندان خود و پناه بردن

۱. توبه/۱۳.

۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۳.



به دگرخواهی در اوج نیازمندی است که مبلغان باید آن را به عنوان راه نجات به جامعه معرفی کنند.

در روان‌شناسی نوین، اثبات شده است که کمک به دیگران و همدلی اجتماعی، ترشح هورمون‌های مرتبط با اضطراب را کاهش داده، با ترشح هورمون‌های آرامش‌بخش و شادی‌آفرین، احساس ارزشمندی و معنا را در فرد آسیب‌دیده تقویت می‌کند. حضرت زهرا (علیها السلام) این اصل روان‌شناختی و عرفانی را در بالاترین سطح ممکن در سیره عملی خود پیاده کرده‌اند. در سیره ایشان، انفاق دارای سه مرتبه است: صدقه، مواسات (شریک کردن دیگران در حد کفاف) و ایثار (مقدم داشتن دیگران بر خود در عین نیاز).

الف. ایثار؛ اوج تاب‌آوری روانی و اجتماعی

یکی از شگفت‌انگیزترین تجلیات ایثار در اوج بحران‌های اقتصادی مدینه، داستان انفاق افطار سه روزه است که در نهایت گرسنگی، سهم اندک خود را سه شب پیایی به مسکین، یتیم و اسیر بخشیدند. خداوند این اوج تسلط بر نفس و مدیریت منابع در شرایط سخت را در سوره انسان با شکوهی بی‌نظیر می‌ستاید:

﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا﴾^(۱) «و غذای خود را با آن که به آن علاقه و نیاز دارند، به مستمند و یتیم و اسیر می‌دهند [و می‌گویند]: ما شما را فقط برای خشنودی خدا اطعام می‌کنیم، نه از شما عوضی می‌خواهیم و نه انتظار سپاس و ثنایی داریم».

نمونه دیگر، انفاق لباس عروسی در شب زفاف است. هنگامی که زن سائلی ابراز نیاز کرد، حضرت زهرا (علیها السلام) با استناد به آیه ۹۲ سوره آل عمران که می‌فرماید: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾، پیراهن نو خود را بخشیدند و با لباس کهنه به خانه بخت رفتند.^(۲) این عمل، نشان‌دهنده رهایی کامل ایشان از تعلقات مادی و وابستگی‌های اضطراب‌زای دنیوی است.

ب. «الْجَارُ ثَمَّ الدَّار»؛ بیانیه همدلی

این وسعت روح و خروج از خودمرکزبینی، تنها در مسائل مالی خلاصه نمی‌شد؛ بلکه در توزیع منابع معنوی (مانند دعا) نیز به شکل شگفت‌انگیزی متجلی بود. در

۱. انسان / ۸-۹.

۲. رِاحَةُ السَّرِيَّةِ، ذبیح الله محلاتی، تهران دارالکتب اسلامیة، ۱۳۶۹ق، ج ۱، ص ۷۲.



شرایطی که انسان گرفتار، تمام دعاهايش را معطوف به رفع گرفتاری‌های خود می‌کند، حضرت فاطمه علیها السلام دعای خود را وقف دیگران می‌کردند. امام حسن مجتبی علیه السلام در روایتی که نشانگر اوج تاب‌آوری اجتماعی و نوع دوستی است، می‌فرمایند: «رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا لَيْلَةً جُمُعَتِهَا... وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَبِّحُهُمْ وَ تُكْثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ، فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ؟ فَقَالَتْ: يَا بُنَيَّ! الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ»^(۱) مادرم فاطمه علیها السلام را دیدم که شب جمعه در محراب عبادت ایستاده بود... شنیدم که پیوسته مؤمنین را نام می‌برد و برای آنان دعا می‌کرد و برای خود دعایی نکرد. گفتم: مادر جان! چرا همان‌طور که برای دیگران دعا می‌کنی، برای خودت دعا نمی‌کنی؟ فرمودند: پسر! اول همسایه، سپس خانه خود».

«الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ»، صرفاً یک توصیه اخلاقی ساده نیست؛ بلکه یک راهکار شناختی قدرتمند برای تاب‌آوری است. جوان درگیر با بحران‌های فردی، با

یادگیری این الگوی رفتاری، ذهن خود را از مشکلات خرد شخصی رها کرده، به آن آرامشی جهان‌شمول می‌بخشد. مبلغان باید تبیین کنند که تاب‌آوری، با تلفیق راهکارهای روان‌شناختی و مفاهیم اسلامی، هم‌چون ایشار، به‌عنوان سکوی پرش از بحران‌ها عمل می‌کند و انسجام اجتماعی را در شرایط سخت ارتقا می‌دهد. در مکتب فاطمی، کمک به دیگران در روزهای سخت، نه یک بار اضافه؛ بلکه بال پرواز برای عبور از طوفان بحران‌هاست.

۴. تسبیحات فاطمی؛ ابزار تنظیم‌گر معنوی

هیچ روش روان‌شناختی یا مهارت مدیریتی صرفی، بدون اتصال به یک نقطه اتکای نامتناهی، توانایی حفظ تعادل روان انسان را در درازمدت ندارد. جوانی که در گرداب مشکلات مالی، تحصیلی یا عاطفی گرفتار شده است، هرچند بتواند با روش‌های تغییرزاییه دید یا تنظیم هیجان تا حدی شرایط را مدیریت کند؛ اما در نهایت، چون ظرفیت روانی او محدود است، به یک پهلویگری معنوی در ساحل آرامش مطلق نیاز دارد. این جاست

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۱.

الف. سازوکار شناختی تسبیحات در مواجهه با بحران

پیامبر ﷺ فرمودند: «أَلَا أَعْلَمُكُمْ خَيْرًا مِّمَّا سَأَلْتُمَنِي؟ إِذَا أَخَذْتُمَا مَضَاجِعُكُمْ فَكَبِّرَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ وَسَبِّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ وَاحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ...»^(۱) آیا شما را به چیزی بهتر از آن چه درخواست کردید، راهنمایی نکنم؟ هنگامی که در بستر خواب قرار گرفتید ۳۴ بار الله اکبر ۳۳ بار سبحان الله و ۳۳ بار الحمد لله بگویید.... از منظر روان شناسی معنوی، این تسبیحات، تمرین مداوم برای ذهن آگاهی و تغییر مقیاس مشکلات است:

۱. «الله اکبر» تکرار مداوم بزرگی خداوند، در ذهن مضطرب انسان، این پیام را مخابره می کند که در برابر قدرت نامتناهی الهی، بزرگ ترین بحران ها نیز ناچیز و گذرا هستند.

۲. «الحمد لله» ذهن را از تمرکز بیمارگونه بر نداشته ها و کمبودها، به سمت شکرگزاری بر سرمایه های موجود هدایت می کند که خود، قوی ترین داروی ضد افسردگی است.

۳. «سبحان الله» هرگونه سوءظن به

۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۴۳.

که نقش مبلغان در اتصال قلب جوانان به این منبع لایزال برجسته می شود. قرآن کریم این لنگرگاه بی نظیر را چنین معرفی می فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛^(۱) همان کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل ها آرامش می یابد.

در سیره حضرت زهرا عليها السلام این اتصال معنوی در قالب یک دستورالعمل ویژه و ابدی متجلی شد. زمانی که ایشان از شدت فشار کارهای طاقت فرسای خانه (آسیاب کردن، آب کشیدن، جارو زدن و بچه داری) دچار فرسودگی شدید جسمانی شدند، به همراه امیرالمؤمنین عليه السلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسیدند تا تقاضای یک کمک کار (خدمتکار) کنند.

پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این موقعیت بحرانی، بسیار تأمل برانگیز است. ایشان به جای ارائه راه حل مادی مقطعی، به دخترگرمی شان یک ابزار تنظیم گر معنوی هدیه دادند؛ هدیه ای که ظرفیت روانی و وجودی انسان را برای تحمل بارگران زندگی وسعت می بخشد.

عدالت خداوند در زمان سختی‌ها را از ذهن پاک کرده، آرامش ناشی از اعتماد به حکمت الهی را جایگزین آن می‌کند.

ب. ارزش راهبردی این لنگرگاه در کلام اهل بیت علیهم السلام

حضرت فاطمه علیها السلام با دریافت این هدیه عرشی، با رضایتی عمیق فرمودند: «رَضِيتُ عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ؛ از خدا و رسولش راضی شدم». این رضایت، نشان‌دهنده آن است که ابزار شناختی - معنوی، خلأ جسمانی را به‌طور کامل پوشش می‌دهد. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «مَا عِبَدَ اللَّهُ شَيْءٍ مِنْ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ (سلام‌الله‌علیها)، وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَتَحَلَّهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فَاطِمَةَ؛^(۱) خداوند به چیزی از حمد و ستایش، برتر از تسبیح فاطمه علیها السلام عبادت نشده است و اگر چیزی برتر از آن وجود داشت، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌بخشید.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: «يَا أَبَا هَارُونَ إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ؛^(۲) ای اباهارون!

۱. همان.

۲. همان.

ما کودکان خود را به گفتن ذکر تسبیح فاطمه علیها السلام فرمان می‌دهیم، همان‌گونه که به نماز خواندن فرمان می‌دهیم.» این رویکرد تربیتی نشان می‌دهد که مبلغان و مربیان باید تجهیز نسل نوبه این ابزار آرامش‌بخش را از سنین پایه و در ردیف واجبات قرار دهند.

بررسی تحلیلی و شناختی سیره فاطمی، خط بطلانی است بر تمام برداشت‌های سطحی که آرامش در دین را به معنای انفعال، گوشه‌گیری یا پذیرش منفعلانه ظلم تفسیر می‌کنند. مکتب فاطمی به روشنی اثبات می‌کند که آرامش در طوفان دستاوردی تصادفی نیست؛ بلکه ثمره نظامی حساب‌شده از باورها (شناخت)، عواطف (هیجان) و رفتار (کنش‌گری) است که حول محور توحید و ولایت شکل می‌گیرد. بحران‌های روزگار ما - چه از جنس فشارهای اقتصادی، چه تلاطم‌های هویتی نسل جوان و چه نبردهای پیچیده جنگی و رسانه‌ای - با بحران‌های صدر اسلام تفاوت ماهوی ندارند؛ آن‌چه تغییر کرده، صرفاً ابزارها و شدت بازتولید آن‌هاست. در این آوردگاه سخت، انسان مؤمن برای حفظ تعادل روانی و ایفای

نقش اجتماعی خود، ناگزیر از تجهیز به سلاح تاب‌آوری فاطمی است.

این الگوبه جوان امروز و مبلغان دین که پرچمدار هدایت جامعه هستند، چهار اصل راهبردی را می‌آموزد:

نخست، اقتدار شناختی: در برابر هجوم سختی‌ها، پیش از آن که به دنبال تغییر محیط باشیم، باید عینک ادراک خود را تغییر دهیم. انسانی که می‌آموزد رنج‌ها را در چارچوب سنت الهی ابتلاویه عنوان میدان رشد تفسیر کند (مانند شکرگزاری در اوج خستگی کارخانه)، هرگز به ورطه ناامیدی و ذهنیت قربانی سقوط نخواهد کرد. دوم، هوش هیجانی و ارتباطی: در دل شدیدترین ضربه‌های روحی و سیاسی، نباید اجازه داد احساسات پاک (مانند سوگ یا خشم مقدس) عقلانیت را دور بزنند. خطبه فدکیه، بیانیه تنظیم هیجان است؛ جایی که حضرت زهرا (علیها السلام) سوزان‌ترین احساسات را به مستحکم‌ترین براهین قرآنی و حقوقی تبدیل کرده، با مخاطب‌شناسی دقیق، وجدان خفته جامعه را به چالش می‌کشند.

سوم، اصالت دگرخواهی در اوج نیاز: قانون بقا در جهان مادی می‌گوید: «در

شرایط بحران، فقط به فکر خودت باش!»؛ اما قانون بقا در نظام فاطمی می‌گوید: «رهایی تو در گرو رهایی دیگران است». نهادینه کردن فرهنگ «الجارُئِم الدار» و مواسات اقتصادی در شرایط تنگدستی، پادزهر قطعی برای اضطراب بقا و خودمرکزینی ویرانگر است.

چهارم، اتکال به لنگرگاه بی‌نهایت: تمام تکنیک‌های روان‌شناختی، نیازمند یک پشتیبان ابدی هستند. تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) صرفاً یک ذکر زبانی نیست؛ بلکه ابزاری برای تنظیم مقیاس مشکلات بشری در برابر عظمت الهی است که ظرفیت تحمل انسان را به وسعت ابدیت گسترش می‌دهد.

در نهایت، رسالت امروز مبلغان و اندیشه‌ورزان دینی، بازخوانی این میراث عظیم با ادبیات روزآمد است. حضرت زهرا (علیها السلام) نه فقط الگویی برای زنان و نه تنها اسوه‌ای برای زمان گذشته؛ بلکه کامل‌ترین نسخه «انسان تراز» برای مدیریت بحران و حفظ صلابت توحیدی در طوفان‌های سهمگین عصر حاضر است. بازگشت به این سیره، بازگشت به تنها پناهگاه امن برای انسان سرگشته امروز خواهد بود.



حجاب و پروژه براندازی (حجاب و امنیت تمدنی) «واکاوی کارکرد سیاسی - هویتی پوشش در پروژه براندازی نرم»

محمد مهدی نبی زاده

مقدمه

بی تردید یکی از اهداف دشمنان مکتب اهل بیت علیهم السلام از ترویج بدپوششی، کشف حجاب و برهنگی، به ویژه در بانوان، با وجود جدّایت خدادای و مظهر جمال الهی بودن زن، براندازی نظام اسلامی است. تلاش معاندین و ضدّانقلاب و تمرکز فعالیت های رسانه های منسوب به آنان بر حذف حجاب و پوشش، به اسم آزادی دختران و زنان، قضیه ای است با موضوع براندازی؛ چراکه تغییر سبک پوشش، فقط یک تغییر ساده و منحصر به سبک زندگی نیست؛ بلکه مقدمه ای برای تغییر هویت تمدّنی یک ملّت و جامعه و ارائه یک الگوواره جدید است. این مقاله با تحلیل راهبردهای دشمن

در حوزه پوشش، نشان می دهد که حجاب مسأله امنیت تمدّنی است که نتیجه آن تحقّق کودتا از درون و براندازی نرم، با محوریت بانوان می باشد که سال ها است دشمن روی آن سرمایه گذاری فراوانی کرده است. در این راستا باید دل سوزان نظام با آرایش جنگی متناسب و زمان بندی دقیق، با این مسأله مواجه شوند و البته در این میان، سیره حضرات معصومین علیهم السلام به ویژه حضرت زهرا علیها السلام در این عرصه الگویی برای مقاومت فعال ارائه می دهد. پرسش اصلی این است که پوشش بانوان چگونه می تواند ماهیتی براندازگونه داشته باشد؟ این مقاله با هدف تبیین ماهیت کودتایی مسأله بی حجابی و بدپوششی، نشان دادن راهبردهای دشمن

در این مسئله و ارائه راهبردها و راهکارهای
مقابله با این کودتای نرم فرهنگی، به رشته
تحریر درآمده است.

اهمیت حجاب

مسئله بدپوششی در قالب بی حجابی
و برهنگی، به ویژه در مورد بانوان جامعه
اسلامی ما، صرفاً یک مسئله دینی،
اعتقادی و امثال آن نیست؛ بلکه از منظری
عمیق تر و ژرف اندیشه‌تر، مسأله‌ای مرتبط
با براندازی نظام جمهوری اسلامی است؛
اما چه مقدماتی ما را به این جمع‌بندی
می‌رساند که بی حجابی، به خصوص
در چند سال اخیر، در جامعه ما، از یک
مقوله فرهنگی یا حتی بحران اجتماعی
فراتر رفته، موضوع و خاستگاهش از اساس،
براندازی نظام اسلامی شده است؟

البته اغلب کسانی که از این رویه
نامناسب تبعیت می‌کنند، لزوماً برانداز
نبوده، حتی آگاهی و عمدی در کارشان
وجود ندارد. توجه به این نکته و
داشتن این نگاه باعث می‌شود جلوی
پیش‌دآوری‌ها و جهت‌گیری‌های ذهنی
مردم جامعه نسبت به یکدیگر گرفته شود
و تمرکز دل‌سوزان و دغدغه‌مندانه در مسأله
بدپوششی، به سمت تبیین و ارائه راهبردها

و راهکارهای اساسی حل مسئله سوق پیدا
کند، تا موجبات وحدت و انسجام مردمی
در سایه عمل به دستورات الهی فراهم آید.

مبانی نظری حجاب

این تحقیق به دنبال تبیین و تحلیل
دلیل اصلی پافشاری دشمنان داخلی و
خارجی نظام اسلامی بر مسأله بدپوششی
زنان و عادی‌سازی آن است و این ادعا
را مطرح می‌کند که هدف اصلی از این
ماجرای استحاله از درون و در نهایت،
براندازی جمهوری اسلامی است.
پیش‌فرض‌های اندیشه‌ای این فرضیه
عبارت‌اند از:

۱. ماهیت انقلاب اسلامی

هدف عالی راهنمایان الهی، از آدم
تا خاتم النبیین، پیاده‌سازی دستورات
ربوبیت و قوانین خداوند روی زمین است،
به گونه‌ای که در نهایت سبک زندگی
مردم بر آن اساس تغییر یافته، موجبات
سعادت دنیا و آخرت ایشان فراهم گردد؛
زیرا ماهیت عبادت خداوند سبحان
و اصلی‌ترین هدف بعثت، اطاعت از
فرامین الهی است. این اطاعت در نظام
ربوبی و تشریع الهی صورت گرفته و تجلی و

۲. دستورات دینی، قانون اساسی نظام اسلامی

در نظام حقوقی ایران، قانون اساسی به عنوان «قانون بنیادین» شناخته می شود که تمامی دستورات و مقررات باید براساس موازین اسلامی و مفاد آن تنظیم شوند. بر اساس اصل چهارم قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیراین ها، باید براساس موازین اسلامی باشند. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان می باشد. بنابراین، اوامر و نواهی شرع مقدس، مبنای ملاک عمل و اساس سبک زندگی اسلامی را معین می کند.

۳. معنای کودتا در جمهوری اسلامی ایران

کودتا در ادبیات علوم سیاسی به معنای اقدام برنامه ریزی شده و ناگهانی گروهی برای تصاحب قدرت دولتی است که برخلاف انقلاب، فاقد مشارکت گسترده توده های مردمی است.^(۲)

تحقق خارجی آن در عمل انسان خلاصه می شود.

در قرآن کریم بارها به این هدف اشاره شده و در چند آیه، عبادت خدا به عنوان هدف اصلی خلقت و بعثت انبیاء علیهم السلام ذکر شده است. مانند آیه ۳۶ سوره نحل که می فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»؛ «همانا در هر امتی، رسولی فرستادیم که خدا را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید.» هویت انقلاب اسلامی ایران نیز «اسلامیت» آن است که در پیاده سازی احکام الهی در سطح جامعه و ترویج معروف و جلوگیری از منکر تبلور می یابد.

امام خمینی ره در این باره می فرماید: «مقصد اسلام و مقصد همه انبیاء علیهم السلام این است که آدم ها را تربیت کنند، صورت های آدمی را آدم معنوی و واقعی کنند. مهم در نظر انبیا این است که انسان درست بشود. اگر انسان تربیت شد، همه مسائل حل است. یک مملکتی که دارای انسان مهذب است، تمام مطالبش حل است».^(۱)

۱. صحیفه امام، سید روح الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، تهران، ۱۳۸۹ ش، ج

۸، ص ۵۳۱.

۲. دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و

«ادوارد لوتواک» این پدیده را ناشی از نفوذ گروهی کوچک به هسته تصمیم‌گیرنده نظام سیاسی می‌داند که با هدف جایگزینی سریع کادر حاکم صورت می‌گیرد.^(۱) در کودتا معمولاً نظام حاکم تغییر می‌کند یا حداقل، تغییرات اساسی ماهوی در آن اتفاق می‌افتد که گروهی از خواص جامعه در این امر نقش اساسی را برعهده دارند.

در جمهوری اسلامی ایران نیز اگر قرار است تغییری در سطح هویتی و شبه کودتا صورت گیرد، آن عبارت است از زیر پا گذاشتن فرامین الهی با چراغ سبز برخی مؤثرین و خواص و بسته به اهمیت دستوری که نادیده گرفته شده، درصد موفقیت این اقدام متغیر خواهد بود. حال مسئله‌ای مانند پوشش بانوان که بر ابعاد مختلفی از سبک زندگی فردی و اجتماعی اثر سریع و بی‌بدیلی دارد، قطعاً یکی از مصادیق بارز احکام پراهمیت به حساب می‌آید که بی‌توجهی به آن یا سوق دادن مردم

به سوی نادیده گرفتنش، می‌تواند جامعه اسلامی را با استحاله‌ای از درون، در ابعاد مختلف مواجه سازد و با توجه به ماهیت فرهنگی داشتن آن، منجر به براندازی شود. رهبر شهید، حضرت آیه الله خامنه‌ای علیه السلام از تعبیری نظیر: تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، قتل عام فرهنگی، غارت فرهنگی، ناتوی فرهنگی و استحاله فرهنگی، برای نشان دادن ابعاد فاجعه بار این جنگ نرم دشمن در حوزه فرهنگ بارها استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر، حجاب در نتیجه نادیده‌انگاری، دچار تغییر الگوواره و فرآیند حرکتی از مسأله اخلاقی به مسأله تمدنی داده، هویت تمدنی جامعه را با خطر مواجه می‌سازد.

۴. حرام سیاسی

تعبیر به حرام سیاسی بودن کشف حجاب در کلام رهبر شهید علیه السلام اشاره به همین بُعد آسیب زدن به اصل نظام سیاسی کشور به واسطه عدم رعایت این امر اسلامی است که انتشار و عمومیت پیدا کردن آن، جامعه و حکومت اسلامی را با چالش جدی مواجه خواهد کرد. ایشان می‌فرمودند: «وقتی در جامعه گناه منتشر شود و مردم با گناه خو بگیرند، کارکسی

مکتب‌های سیاسی)، داریوش آشوری، انتشارات

مروارید، تهران، ۱۳۹۲، ص ۲۸۴.

1. Luttwak, E. N. (1968). Coup d'État: A Practical Handbook. London: Allen Lane, The Penguin Press..

که در رأس جامعه قرار دارد و می خواهد مردم را به خیر و صلاح و معروف و نیکی سوق دهد، با مشکل مواجه خواهد شد؛ یعنی نخواهد توانست یا به آسانی نخواهد توانست و مجبور است با صرف هزینه فراوان این کار را انجام دهد. یکی از موجبات ناکامی تلاش های امیرمؤمنان (علیه السلام) با آن قدرت و عظمت در ادامه این راه که بالاخره هم به شهادت آن بزرگوار منجر شد، همین بود.^(۱)

۵. اذعان رسانه های دشمن

امروزه اعتراف رسانه های معاند و عوامل آن ها به تلاش برای ازپا درآوردن نظام با ترویج مسأله پوشش اختیاری و راه انداختن پویش هایی نظیر: آزادی های یواشکی زنان در ایران، چهارشنبه های سفید، دوربین من اسلحه من، زن زندگی آزادی، نه به حجاب اجباری و... برکسی پوشیده نیست. در این بین، حجاب به عنوان مرز تمدنی عمل می کند و شکستن

این مرز، فروپاشی سایر ارکان های هویتی را تسهیل می نماید. بنابراین، تقلیل حجاب به یک انتخاب و مسأله شخصی، خود بخشی از پروژه براندازی است.

۶. تجربه جهانی در براندازی ها

در سودان، دعوت زنان به کمپین «نه به سرکوب زنان» در سال ۲۰۰۹م، با شعار «آزادی، صلح، عدالت» بسیار مؤثر افتاد. این کمپین با اجتماع زنان سودانی برای ابراز همدردی با خانم «لوبنا احمد حسین» که به خاطر پوشش خود دستگیر شده بود، آغاز شد. طبق حکم دادگاه، او یا باید ۱۴۶ پوند جریمه پرداخت می کرد یا یک ماه به زندان می رفت. وی حدود ۵۰۰ دعوت نامه را برای رسانه ها و گروه های حقوق بشر ارسال کرد و از آن ها خواست در دادگاه او شرکت کنند. این اقدام او بازتاب جهانی داشت و توسط شبکه عربی اطلاعات حقوق بشر و دیگر گروه های حقوق بشری ستایش شد.

پس از این که جنبش «نه به سرکوب زنان» در رسانه ها جهانی شد و توجه بین المللی شگرفی دریافت کرد، تمرکز حول محور مسأله زنان آغاز شد. از آن زمان به بعد، موارد دیگر، از جمله موارد

۱. بیانات رهبر شهید (علیه السلام) درباره انتشار گناه در جامعه، مورخ: ۱۳/۸/۱۳۷۹؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیه الله العظمی خامنه ای (علیه السلام) به آدرس:

مربوط به «دختر یوتیوبر سودانی» که توسط پلیس نظم عمومی در سال ۲۰۱۰م به شلاق محکوم شد و «امیره عثمان» که در سال ۲۰۱۳م به دلیل امتناع از پوشاندن موهای خود دستگیر شد، باعث تجدید درخواست‌ها برای لغو این قوانین شد و بازتاب جهانی پیدا کرد. این جریان‌ها و دخالت غرب و آمریکا به بهانه‌های مختلف، مانند حقوق بشر، ادامه پیدا کرد و نهایتاً در سال ۲۰۱۹م انقلاب سودان با میدان‌داری دختر سودانی «آلاء صلاح» رقم خورد و دولتی که روی کار آمد، بلافاصله قانون پوشش اسلامی را حذف و حتی هم‌جنس‌بازی را قانونی اعلام کرد.

۷. تجربه تاریخی آندلس

تجربه تاریخی آندلس (اسپانیای جدید) و به‌ویژه تعبیر مهم و هشدار رهبر شهید علیه السلام درباره آندلسی کردن ایران، گویای این مطلب است که چگونه رواج بی‌بندوباری در جامعه می‌تواند منجر به فروپاشی نظام گردد.

دکتر راغب السرجانی، در کتاب «قصه آندلس، از فتح تا سقوط» روی حالت روانی و اجتماعی جامعه آندلس تمرکز دارد. او توضیح می‌دهد که چگونه فساد

اخلاقی، رفاه‌زدگی و دوری از اهداف اصلی تمدنی، باعث شد حکومت‌های مسلمان از درون دچار پوسیدگی شوند.^(۱) بهره‌گیری از تجارب گذشتگان اقتضا می‌کند با مقوله بدپوششی و کشف حجاب که در نهایت منجر به بروز ابعاد فسادانگیز دیگری هم‌چون: ترویج فرهنگ خوش‌گذرانی نامشروع، محوریت دادن به شهوات در سراسر زندگی، گسترش بی‌حیایی و بی‌عفتی و... می‌گردد، مواجهه جدی‌تر و همه‌جانبه صورت پذیرد.

۸. قدرت تغییر الگوواره تمدنی نهفته در کیفیت پوشش

بی‌حجابی در تغییرات هنجاری و تبدیل جامعه مسلمان به سمت یک زیست جهان غربی، نقش محوری و مؤثری دارد و به‌خاطر تأکید و ارتباط این مسأله با قوی‌ترین غریزه انسان؛ یعنی نیاز جنسی - که امروزه از آن به نیاز زیستی تعبیر می‌شود و طبق نظریه معروف «آبراهام مزلو» در قاعده هرم نیازهای بشر قرار دارد - در تغییر سبک زندگی مبتنی بر آن، از سرعت بالایی

۱. رک، قصة الاندلس، راغب السرجانی، مؤسسة اقرأ للنشر والتوزيع، قاهره، ۱۴۲۷ق.

الف. امنیتی‌سازی (Securitization)

آن‌ها می‌گویند یک مسأله مثل مهاجرت، محیط‌زیست یا حتی حجاب، زمانی امنیتی می‌شود که یک بازیگر سیاسی ادعا کند این مسئله موجودیت یک موضوع مرجع (Referent Object) را تهدید می‌کند و در نتیجه باید از اقدامات عادی عبور کرده، برای آن اقدامات فوق‌العاده و اضطراری انجام داد.

ب. امنیت بخش‌بندی‌شده

این مکتب امنیت را به پنج بخش تقسیم می‌کند: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی. بر این اساس، مسائل فرهنگی، مثل حجاب را در چارچوب امنیت اجتماعی - که یکی از بخش‌های امنیت براساس این مکتب است - می‌توان تحلیل نمود. مفهوم کلیدی «امنیت اجتماعی» (Societal Security) توسط یکی از چهره‌های بارز مکتب کپنهاک؛ یعنی باری بوزان (Barry Buzan) مطرح شد. آن‌ها معتقدند جوامع دارای «هویت» هستند و هرگاه این هویت (زبان، دین و نمادهای فرهنگی) تهدید شود، امنیت کل جامعه به خطر می‌افتد.

برخوردار است. هم‌چنین تغییر پوشش در تئوری‌های انقلاب‌های رنگی و مدل‌های جنگ نرم که در آن نمادهای فرهنگی، خاکریزهای اول هستند، به عنوان نماد تغییر سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ضمن آن که به خاطر ارتباط حجاب و استحکام خانواده، هدف نهایی از مقابله با حجاب، تضعیف نهاد خانواده به عنوان کوچک‌ترین و محکم‌ترین واحد سیاسی جامعه و در نهایت، تضعیف و نابودی نظام سیاسی جامعه می‌باشد.

۹. حجاب از مقوله امنیت اجتماعی

برای تبیین این مطلب که کشف حجاب در حال حاضر به مقوله‌ای امنیتی تبدیل شده است، دیدگاه یکی از مکاتب مطرح غربی مورد اشاره قرار می‌گیرد: «مکتب کپنهاک»^(۱) در مفهوم امنیت انقلابی ایجاد کرد و این مکتب را از حالت سنتی که فقط مربوط به نظامی‌گری و بقای دولت است، خارج کرد. ایده‌های اصلی آن عبارت است از:

۱. رک، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت راهبردی (منبع اصلی مکتب کپنهاک)، الی ویورپاپ دووید و باری بوزان، مترجم: علیرضا طیب، پژوهشکده مطالعات، بی‌جا.

۱. سیره حضرت زهرا علیها السلام به عنوان الگوواره مقاومت

سیره حضرت زهرا علیها السلام نشان می دهد که ایشان با حفظ پوشش و وقار، در عین حال در خط مقدم مدیریت جامعه، تعلیم و تربیت، بیان و آشکار نمودن دیدگاه ها و مرام نامه های سیاسی حضور داشتند. مقاومت در این جا؛ یعنی «نه گفتن به اشیاء انگاری». وقتی زن از حجاب استفاده می کند، در واقع اعلام می کند که حضور او در جامعه براساس عقل، کلام و نقش اجتماعی اوست، نه براساس جذب بصری، خودنمایی و فساد انگیزی. این یعنی مقاومت در برابر مدل های حاکم که زن را به ابزاری برای لذت یا نمایش تبدیل می کنند؛ یعنی حجاب نبایستی به معنای «انفعال و گوشه نشینی» باشد. الگوواره مقاومت زهرایی، حجابی است که زن را برای کنشگری آگاهانه آماده می کند، نه این که او را از عرصه اجتماع حذف کند. در واقع، حجاب به او «اعتبار هستی شناختی» می دهد، تا بتواند با صلابت سخن بگوید.

حضرت زهرا علیها السلام در دوران حساس پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با حفظ

بنابراین «تهاجم به پوشش»، یک «تهدید علیه امنیت اجتماعی ایران» است؛ زیرا با تضعیف انسجام هویتی، پتانسیل گسست سیاسی ایجاد می کند و نتایجی هم چون ایجاد دوقطبی، تضعیف وحدت و انسجام ملی، گسستگی اجتماعی و در نهایت، براندازی نظام سیاسی را به دنبال خواهد داشت.

نتیجه گیری و ارائه راهکار

دشمنان در پی آن هستند که حجاب را از یک «هویت تمدنی و مأموریتی» به یک «مسأله پوششی ساده و فردی» تقلیل دهند. وقتی حجاب از حالت «هویت» خارج شود، دیگر لشکری برای دفاع از مرزهای تمدنی نیست و در این صورت، فروپاشی سایر ارکان جامعه (خانواده، سیاست و ارزش ها) بسیار آسان خواهد بود. در این بین، برای مقابله با این جریان لازم است حجاب از یک مقوله تقابلی (اجبار/اختیار) به یک مقوله ایجابی (هویت تمدنی، عزت ملی و سلامت اجتماعی) تبدیل گردد. برای نیل به این مقصود، راهبردها و راهکارهای زیرپیشنهاد می گردد:

بسازد، نه براساس استانداردهای سکولار یا میل جنسی دیگران و این امر در سیره و سراسر زندگی حضرت فاطمه علیها السلام موج می زند.

۲. بازتعریف «عزت تمدنی» به جای «تکلیف شرعی صرف»

تا زمانی که حجاب تنها به عنوان یک امر تعبّدی/دینی دیده شود، فرد سکولار یا کسی که به دنبال آزادی های فردی است، آن را به عنوان یک «محدودیت» درک می کند. بنابراین، باید روایت حجاب را به سمت «عزت و کرامت انسانی» تغییر داد. حجاب به عنوان «تکنولوژی محافظت از جایگاه زن» در برابر نگاه ابزاری غرب تبیین شود. در واقع پوشش، اعلام «استقلال فکری» از مدل های مصرف گرای غربی است. زن با حجاب، انسانی است که اجازه نمی دهد ظاهرش «کالایی» برای بهره کشی تبلیغاتی باشد.

۳. قدرت بخشی به «اقتصاد مد و لباس عقیفانه»

دشمن از مُد (Fashion) به عنوان سلاح استفاده می کند؛ زیرا مد، زبان مشترک نسل جوان است. میدان مد نباید خالی بماند. راهبرد کلان، حمایت از

قامت استوار و پوشش باشکوه خود، نشان دادند که «زن مؤمن» هم زمان هم می تواند نماد طهرو حیا باشد و هم نماد قدرت و اعتراض. یکی از اندیشمندان حوزه زن، خانم «صبا محمود» اهل کشور مصر است. ایشان در کتاب «سیاست پارسایی»^(۱) برخلاف نگاهی که حجاب را صرفاً تضاد میان زن و آزادی می بیند، نشان می دهد که رفتارهای تقوایی (مانند حجاب) می توانند راهی برای عاملیت اخلاقی باشند.

با تطبیق این دیدگاه بر سیره حضرت زهرا علیها السلام می توان گفت که حجاب ایشان، مقاومت در برابر نگاه صرفاً جنسی و غریزی به زن است؛ یعنی ایشان با انتخاب حجاب، عاملیت خود را از طریق تقوا بازتعریف می کنند و از این طریق، خود را از چارچوب های تعریف شده توسط قدرت های بیرونی رها می سازند. عاملیت اخلاقی بدین معناست که حجاب می تواند راهی باشد تا زن هویت خود را براساس ارزش های اخلاقی و تقوایی خود

۱. رک، سیاست پارسایی، صبا محمود، مترجم: طاهره حبیبی، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، بی جا، ۱۴۰۴ ش.

برندهای مستقل و جوان‌پسندی است که ثابت کرده‌اند «حجاب» می‌تواند «زیبا»، «به‌روز» و «شیک» باشد.

«جنگ نشانه‌ها» در خیابان، با برخورد های سلبی پیروز نمی‌شود؛ بلکه با ارائه «جایگزین‌های زیباشناختی» غالب می‌گردد. لباس عقیفانه باید به یک «برند جذاب اجتماعی» تبدیل شود. رشد خیره‌کننده صنعت مد عقیفانه (Modest Fashion) در جهان و برندهایی در لندن، دبی و ترکیه که لباس‌های کاملاً پوشیده؛ اما با طراحی‌های مدرن تولید می‌کنند و گردش مالی میلیاردی دارند، نشان می‌دهد جهان سرمایه‌داری غرب «پوشش» را به‌عنوان یک «فرصت اقتصادی» درک کرده است و برای آن نیز «مد» خلق می‌کند، پس چرا ما از این میدان عقب‌نشینی کنیم؟

۴. الگوسازی «بانوی تمدن‌ساز»

یکی از نقاط ضعف ما، نمایش تصاویری است که زن باحجاب را «منفعل» یا صرفاً «خانه‌نشین» نشان می‌دهد. برجسته‌سازی نخبگان علمی، ورزشی، هنری، مدیریتی و... که با حجاب کامل در بالاترین سطوح فعالیت‌های اجتماعی

حضور دارند، در ترغیب بانوان به حجاب اسلامی نقش مؤثری ایفا می‌نماید. به عبارت دیگر «حجاب، سقف شیشه‌ای نیست».

سقف شیشه‌ای (glass ceiling) استعاره‌ای از موانع نامرئی بر سر راه پیشرفت زنان و اقلیت‌ها است که معمولاً وجود این موانع را مردان و گروه‌های در اکثریت انکار می‌کنند. در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷م برای اولین بار اصطلاح سقف شیشه‌ای در مجله «وال استریت ژورنال» و توسط موریس و همکارانش به‌کار گرفته شد. این اصطلاح درباره ارتقای زنان در محیط‌های کاری و سازمانی به‌کار گرفته می‌شود؛ یعنی مجموعه‌ای از موانع و چالش‌ها بر سر راه زنان و در محیط‌های کاری‌شان وجود دارد که به آنان اجازه پیشرفت نمی‌دهد. سقف شیشه‌ای شامل چیزهایی است که دیده نمی‌شوند: عرف‌ها و هنجارها، نه قوانین.

بنابراین، باید نشان داد که قوی‌ترین زنان ایران (دانشمندان، پزشکان، قهرمانان و...) حجاب را به‌عنوان بخشی از هویت مقتدر خود برگزیده‌اند و هرگز حجاب

به عنوان یک سقف شیشه‌ای برای زن در تمدن ایرانی - اسلامی معنا و وجود خارجی ندارد. این، الگوی «مقاومت فعال» است.

۵. تفکیک «حجاب تمدنی» از «سیاست بازی‌های جناحی»

دشمن تلاش می‌کند حجاب را به «پرچم سیاسی حکومت» تبدیل کند، تا هرکس مخالف حکومت است، حجاب را به نشانه مخالفت کنار بگذارد. باید این بند ناف سیاسی از حجاب جدا شود؛ حجاب باید به عنوان یک «میراث فرهنگی باستانی و اسلامی ایران» معرفی شود که بسیار فراتر از دولت‌ها و جناح‌های سیاسی است. حجاب، ریشه در تمدن پیش از اسلام ایران - که پوشش کامل زنان امری رایج و نشانه نجابت بود - و دوران اسلامی دارد. این یک «سرمایه ملی» است، نه یک «دستورالعمل دولتی».

نقش برجسته‌های تخت جمشید، آثار دوران ساسانی و حتی متون ادبی پیش از اسلام ارجاع دهید که نشان می‌دهد پوشش کامل (چادر یا عبا) در میان زنان طبقه اشراف و نجیب‌زادگان ایرانی، نشانه

«جایگاه اجتماعی بالای» آنان بوده است.

۶. روایت‌گری «تهاجم نرم» به زبان «حقوق شهروندی»

به جای استفاده از ادبیات صرفاً پلیسی، از ادبیات حقوقی و جامعه‌شناختی استفاده کنید، تا برای مخاطب خاکستری قابل فهم باشد. تبیین این مفهوم که «برهنگی اجباری» توسط رسانه‌ها و فشار هم‌سالان در دنیای غرب، خود نوعی «استبداد بصری» است؛ آزادی واقعی یعنی زن ایرانی «انتخاب کند» که براساس ارزش‌های تمدنی‌اش زندگی کند، نه براساس آن چیزی که فرایندهای حل مسأله و ارائه الگو در اینستاگرام و صنعت هرزه‌نگاری برای او دیکته می‌کنند.

۷. ایجاد «امنیت تمدنی» از طریق «گفتگوهای نخبگانی»

حجاب صرفاً با بخش‌نامه‌های اداری ایجاد نمی‌شود. پیشنهاد می‌گردد «کرسی‌های آزاداندیشی» با حضور زنان مستقل، متفکر و تاثیرگذار برگزار شود، تا حجاب از یک «موضوع اختلافی» به یک «موضوع تمدنی اشتراکی» تبدیل شود.





حقوق بشر گزینشی؛ از کاپیتولاسیون تا ایستین

علی ملکوتی نیا

مقدمه

این نوشتار به مناسبت بزرگداشت چهارم آبان ماه، روز اعتراض و افشاگری حضرت امام خمینی علیه السلام به پذیرش کاپیتولاسیون در سال ۱۳۴۳ از سوی حکومت وقت ایران، به بررسی یک تناقض بزرگ در دنیای غرب می‌پردازد. و آن اینکه چرا مدعیان «حقوق بشر»، در برابر جنایات حکمرانان، نخبگان و عوامل خود سکوت می‌کنند، اما دیگر کشورها را به اتهامات مختلف حقوق بشری تحت فشار و تحریم می‌گذارند؟ برای پاسخ به این پرسش، دو واقعه تاریخی را کنار هم قرار می‌دهیم تا پاسخی درخور بیابیم؛ یکی قانون «کاپیتولاسیون» در سال ۱۳۴۳ شمسی است که به سربازان آمریکایی متجاوز، حق می‌داد در کشور ایران، فراتر

از قانون این کشور عمل کنند و دیگری پرونده جنجالی «جفری ایستین» در عصر حاضر است. این مقایسه نشان می‌دهد که ما با یک «ترفند ساختاری» مواجه هستیم. در گذشته، غرب برای برتری جویی از ابزارهای نظامی و قانونی مستقیم استفاده می‌کرد؛ اما امروز از شبکه‌های پنهان فساد و نفوذ استفاده می‌کند تا نخبگان جنایتکار خود و سردمداران استکباری را در حاشیه امن از هرگونه پاسخ‌گویی اخلاقی یا قانونی مبرا بداند. هدف نهایی این بحث آن است که جوانان امروز به این «هوشیاری راهبردی» برسند که غرب، قبله و بهشت دنیای امروز نیست! و نباید «اعتبار اخلاقی و حقوقی» را از سرچشمه‌ای گرفت که خود

درگیر جنایت‌های سازمان یافته است. «حقوق بشر غربی»، نه یک حقیقت مقدس، بلکه یک نقاب است؛ و وظیفه ما، برداشتن این نقاب برای رسیدن به حقیقتی است که در آن، کرامت انسان، نه با قراردادهای سیاسی، بلکه با آموزه‌های الهی تضمین می‌شود.

نسل جوان امروز شایسته است بداند که روایت‌های «اخلاقی» و «حقوق بشری» که غرب به دنیا مخابره می‌کند، فاقد ارزش است، بلکه ابزاری برای حفظ قدرت، منافع و پوشاندن فسادهای سیستمی است. با افشای این استانداردهای دوگانه، به جای تکیه بر شعارهای فریبنده غرب، باید به دنبال شناخت حقیقت حق و عدالت اصیل باشیم که در آن هیچ‌کس، فراتر از قانون نیست. از این رو باید تبیین شود که «فراتر از قانون بودن» یک اتفاق ناگهانی نیست، بلکه یک «راهبرد ساختاری» از سوی غرب و فرهنگ استکباری است. همان روحیه‌ای که به سرباز آمریکایی در دوران پهلوی اجازه می‌داد در ایران مرتکب جرم شود و در قبال آن پاسخ‌گو نباشد و کسی هم اجازه نداشته باشد که او را محاکمه کند، در قرن

۲۱ هم به حکمرانان و نخبگان سیاسی و ثروتمندان غربی اجازه می‌دهد در حریم‌های ضد اخلاقی و غیرقانونی (مانند پرونده اپستین) دست به جنایت بزنند و کسی حق نداشته باشد که نسبت به آن اعتراض کند و یا درباره آن سؤالی بپرسد. بنابراین، پرسش اساسی این است که چگونه ممکن است دولتی درگفتمان از برابری حقوقی انسان‌ها دفاع کند، اما در عمل، قدرت و منافع سیاسی به برخوردی گزینشی با حقوق آنان بینجامد؛ حال آن‌که از منظر قرآن کریم و سیره معصومان علیهم‌السلام، عدالت هنگامی تحقق می‌یابد که دوست و دشمن، حاکم و مردم، و قدرتمند و ضعیف، در برخورداری از حقوق و در برابر پاسخ‌گویی، تابع معیاری واحد باشند؛ معیاری که جلوه‌های آن را بارها در حکومت نبوی و علوی می‌توان دید. این الگو نشان می‌دهد که پابندی به عدالت نه با شعار، بلکه با ایستادگی بر حق، حتی در برابر صاحبان قدرت و نزدیکان، سنجیده می‌شود.

کاپیتولاسیون؛ «حق ویژه» برای عاملان استعمار

کاپیتولاسیون از نظر حقوقی، به قراردادهایی گفته می‌شود که به موجب



آن، اتباع یک کشور در قلمرو دولتی دیگر مشمول قوانین قضایی آن کشور نباشند. در زبان فارسی از کاپیتولاسیون با تعبیر «امتیاز قضایی» یا «حق قضاوت کنسولی» یاد شده است.^(۱)

در رژیم منحوس پهلوی، لایحه کاپیتولاسیون یعنی مصونیت مستشاران آمریکایی از پیگرد قضایی در ایران، در ۱۳۴۳/۷/۲۱ به تصویب مجلس نمایندگان وقت رسید. کاپیتولاسیون در واقع به معنای تسلیم حاکمیت ملی بود که در تاریخ معاصر ایران تنها یک قرارداد حقوقی نبود، بلکه تثبیت رسمی «حق ویژه» برای عاملان استعمار به شمار می رفت. این کار به مخاطب نشان می دهد که غرب همواره در مواجهه با جوامع هدف، یک «حاشیه امن قضایی» برای نیروهای خود قائل بوده که در آن، قانون کشور میزبان، فاقد اعتبار است. از پیامدهای این لایحه، افزایش حضور و جرم و جنایت آمریکایی ها در ایران و به دنبال آن نفوذ فرهنگ غربی بود. با گذشت چند ماه از تصویب لایحه کاپیتولاسیون در ایران سوء استفاده از

آن آغاز شد. در ۱۲ اسفند ۱۳۴۳، یک درجه دار آمریکایی به نام چارلز گری^(۲) در هنگام رانندگی در حالت مستی با یک دختر ایرانی به نام ایران سلیمی، کودکی ۱۱ ساله به هنگام رفتن به مدرسه در کرمانشاه تصادف کرد و این دختر بر اثر جراحات فوت کرد. فشار و اعتراض مردم کرمانشاه باعث شد که مأمور آمریکایی ساعاتی بازداشت شود؛ اما عوامل سفارت با پیش کشیدن قانون کاپیتولاسیون، قاتل این دختری گناه را از بازداشت بیرون آوردند و با خودشان به تهران بردند. مردم مقابل دادگستری تجمع کردند و از این که یک آمریکایی دختر ایرانی را کشته شکایت داشتند، اما بر اساس کاپیتولاسیون کاری از دستشان برنمی آمد و حکومت وقت نیز اجازه برخورد با قاتل را نداشت. سرانجام سفارت آمریکا از وزارت امور خارجه ایران خواست به مقامات صاحب صلاحیت ایران اطلاع دهد که گری مصونیت سیاسی و قضایی دارد.^(۳) «هتک حیثیت نوامیس

2. Charles Grey.

۳. اسناد لانه جاسوسی آمریکا، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، چاپ اول، ۱۳۸۶ش، ج ۷، ص ۷۷۳.

۱. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، دوره کامل (۱۶ جلدی)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۵۷۶۲.

مردم^(۱) و حتی کتک خوردن افسر شهربانی از مستشار نظامی مست آمریکایی به علت جلب وی به کلاتری به جرم تصادف با کارگر ساختمانی^(۲) از پیامدهای تصویب این لایحه ننگین بود.

امام خمینی رحمته الله علیه با سخنرانی عمومی خود در مقابل لایحه کاپیتولاسیون عکس العمل شدیدی نشان دادند و ضمن ابراز ناراحتی شدید و تأثرات قلبی، در روز چهارم آبان ۱۳۴۳ در سخنانی تصویب این لایحه را مصیبتی بزرگ برای اسلام و مسلمانان دانسته و اعلام عزای عمومی کردند و با اشاره به مفهوم الحاق ایران به پیمان وین و کاپیتولاسیون که نشانگر مصونیت قضایی نظامیان و غیر نظامیان آمریکایی است، نتایج سیاسی و اجتماعی مصوبه را با ذکر مثال هایی برای مردم بازگو نمودند و یاد آور شدند اگر یک آمریکایی یکی از مراجع تقلید یا شاه ایران را ترور کند یا زیر بگیرد، دولت وقوه قضاییه ایران حق بازخواست و محاکمه او را ندارد و اگر

کسی یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست خواهد شد. رژیم پهلوی با تصویب چنین لایحه ای به انگیزه گرفتن وام دویست میلیون دلاری از آمریکا آن هم با بهره ای سنگین خودش و استقلال کشور را فروخت و مردم ایران را برده استعمار ساخت.^(۳)

امام خمینی رحمته الله علیه در ادامه فرمودند: «یک آشپز آمریکایی بریک ارتشبد ما مقدم شد در ایران؟! دیگر برای شما آبرو باقی ماند؟ اگر من نظامی بودم، استعفا می کردم؛ من این ننگ را قبول نمی کردم. اگر من وکیل مجلس بودم، استعفا می کردم. باید مصونیت برای آشپزهای آمریکایی، برای مکانیک های آمریکایی، برای مأمورین، کارمندان اداری، کارمندان فنی، برای خانواده هایشان مصونیت باشد، لکن آقای قاضی (آقای محمد علی قاضی طباطبایی روحانی بنام آذربایجانی) در حبس باشد! آقای اسلامی (آقای عباسعلی اسلامی واعظ معروف تهران) را با دستبند ببرند این طرف و آن طرف! این خدمتگزارهای اسلام، علمای اسلام در

۱. سیر مبارزات امام خمینی رحمته الله علیه در آینه اسناد به روایت ساواک، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ اول، ۱۳۸۶ش، ج ۴، ص ۶۹.
۲. مرکز اسناد، شماره بازبایی، ص ۲۶۳، سند ۲۳۳-۲۳۴.

۳. صحیفه امام رحمته الله علیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ج ۱، ص ۴۱۵.

حبس باید باشند، وعاظ اسلام در حبس باید باشند...»^(۱)

هم چنین ایشان در پیام خود به روحانیون و ملت ایران در تاریخ ۴ آبان ۱۳۴۳ فرمودند: «آیا ملت ایران می داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می داند بدون اطلاع ملت و به طور قاجاق چه جنایتی واقع شد؟ می داند مجلس به پیشنهاد دولت، سند بردگی ملت ایران را امضاء کرد؟ اقرار به مستعمره بودن ایران نمود؟ سند وحشی بودن ملت مسلمان را به آمریکا داد؟ قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما؟»^(۲)

به دنبال چنین افشاگری علیه قانون کاپیتولاسیون، سرانجام در سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳ کماندوهای مسلح اعزامی رژیم طاغوت از تهران، بعد از محاصره خانه حضرت امام خمینی (ره)، وی را بازداشت نموده و تحت الحفظ به فرودگاه مهرآباد تهران و از آن جا با یک فروند هواپیمای باری نظامی به ترکیه تبعید کردند.

ایشان پس از تبعید نیز همواره موضوع کاپیتولاسیون را در سخنرانی و نامه های

خود پیگیری می کرد. در نتیجه با سخنان و اطلاعیه امام خمینی (ره) علیه کاپیتولاسیون موج جدیدی از خشم و نفرت و اعتراض علیه رژیم پهلوی پدید آمد. علما و روحانیان شهرستان ها با همراهی مردم طی نامه ها و طومارها، خواستار الغای فوری کاپیتولاسیون شدند. سخنرانان نیز به دولت و مصونیت مستشاران آمریکایی به شدت اعتراض کردند. برخی از شاعران نیز علیه آن اشعاری سرودند.^(۳) سرانجام سه ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به پیشنهاد هیئت وزیران و تصویب شورای انقلاب اسلامی، در ۲۳ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۸ شمسی حق کاپیتولاسیون و امتیازات و ملحقات آن برای همیشه و به طور نهایی لغو گردید.^(۴)

پرونده ایستین؛ نماد فروپاشی اخلاقی غرب

پرونده جنایت ترامپ (رئیس جمهور آمریکا) و نتانیاهو (رئیس باند خبیث و کودک گش صهیونی) همراه با سایر سران

۳. نهضت امام خمینی (ره)، سید حمید روحانی، تهران، نشر عروج، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۱۰۴۶ - ۱۰۴۷.

۴. روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸، ص ۲.

۱. همان.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۰۹.

کشورهای استکباری در جزیرهٔ بدنام اپستین در آمریکا نشانهٔ حقوق بشر گزینشی از سوی غرب است. آن جاکه به کودکان و نوجوانان بی‌پناه؛ دختران ربوده شده تجاوز می‌کردند، آن‌ها را می‌کشتند و می‌پختند و گوشت آن‌ها را می‌خوردند. «جزیرهٔ اپستین»، نام غیررسمی جزیره‌ای خصوصی به نام لیتل سنت جیمز^(۱) است که در مجمع‌الجزایر ویرجینای ایالات متحده در دریای کارائیب قرار دارد. این جزیره متعلق به جفری ادوارد اپستین^(۲) (یهودی‌الأصل و عضو سازمان موساد) بود؛ او سرمایه‌دار آمریکایی و مدیر مالی بود که به دلیل روابط نزدیک با چهره‌های قدرتمندی مانند دونالد ترامپ و بیل کلینتون و هم چنین اتهامات قحاق جنسی و سوءاستفاده از کودکان شناخته می‌شود. فردی که در دهه‌های اخیر به دلیل پرونده‌های گسترده آزار جنسی، سوءاستفاده از دختران خردسال و شبکه‌سازی با برخی افراد سرشناس جهانی و باج‌گیری از سران آمریکا به یکی از بحث‌برانگیزترین چهره‌ها در جهان تبدیل شد.

اپستین این جزیره را در دههٔ ۱۹۹۰ خرید و در آن قصری اشرافی، باند فرود هلیکوپتر، استخر، و چند ساختمان مجلل ساخت. به گفتهٔ بسیاری از شاهدان و شاکیان، جزیره به مرکزی برای سوءاستفاده و برگزاری مهمانی‌های خصوصی مبدل شده بود. جزیره‌ای که سال‌ها میزبان جمعی از مشهورترین و قدرتمندترین چهره‌های عالم سیاست، ثروت، هنر، فناوری و حتی علمی غرب و به خصوص آمریکا بود. در سال ۲۰۱۹، پس از بازداشت اپستین به اتهام قحاق جنسی انسان، این مکان بار دیگر مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. پس از مرگ مشکوک او در بازداشتگاه، تحقیقات فدرال درباره ارتباط‌های اقتصادی و اجتماعی او هم چنان ادامه یافت. در سال‌های پس از آن، با افشای اسناد و شهادت‌های جدید، جزیرهٔ اپستین به نمادی از فساد، سوءاستفاده از قدرت و پنهان‌کاری نخبگان جهانی تبدیل شد. دولت آمریکا این جزیره را توقیف کرد و در سال ۲۰۲۳ میلادی به طور رسمی به فروش گذاشت.^(۳)

۳. رک: «جزیرهٔ شیطان و رسوایی بی‌پایان»، در: روزنامهٔ صدای ایران، شمارهٔ ۱۸۷، به نشانی:

<https://farsi.khamenei.ir/others-report?id=62185>.

1. Little Saint James.

2. Jeffrey Edward Epstein.

می‌کند! بعید است دنیا در طول تاریخ خود با چنین وضعیت مضحک و درعین حال مخاطره‌آمیزی روبرو بوده باشد.

سخت‌افزار و نرم‌افزار سلطه غرب

در یک چارچوب تحلیلی، به نظر می‌رسد؛ رفتارها و اقدامات ضد حقوق بشری غرب، ریشه در خوی استکباری حاکمان و تمایل آنان به سلطه‌گری دارد. از این جهت، چماق «کاپیتولاسیون»، نماد سازوکارهای حقوقی و سیاسی برتری‌بخش و مصونیت‌آفرین به مثابه سخت‌افزار سلطه و قصه «اپستین»، نماد پیوند ثروت، نفوذ و مصونیت از پاسخ‌گویی به عنوان نرم‌افزار سلطه از سوی کشورهای غربی است. توضیح اینکه؛ در قرن بیستم، استکبار برای اعمال قدرت، نیاز به حضور فیزیکی و قانونی داشت. کاپیتولاسیون یک سند مکتوب، رسمی و قابل رؤیت بود. وقتی یک سرباز آمریکایی در ایران مرتکب جرم می‌شد و دادگاه ایران حق محاکمه او را نداشت، این یک «اعمال قدرت سخت» در روز روشن بود. هدف این سخت‌افزار، «تحقیر حاکمیت ملی» و «ایجاد حاشیه امن فیزیکی» برای نیروهای اشغال‌گر بود.

پرونده جفری اپستین، یکی از بزرگ‌ترین و تاریک‌ترین پرونده‌های آزار و قحاق جنسی، برای مدت‌ها تیتریک رسانه‌های آمریکا بود. امروزه هم «جزیره اپستین» به عنوان یک نشانه فرهنگی و تاریخی از سوءاستفاده ساختاریافته در جامعه مدرن شناخته می‌شود؛ نمادی از اینکه چگونه ثروت و نفوذ، در نبود اخلاق و نظارت، می‌تواند به مصونیت قضایی، فرار از پاسخ‌گویی و سرانجام به انواع فجایع انسانی بینجامد. به عبارت دیگر؛ پرونده «جفری اپستین» صرفاً یک پرونده جنایی - جنسی نیست؛ بلکه آینه‌ای است که نشان می‌دهد چگونه نخبگان سیاسی، اقتصادی و علمی غرب، یک «شبکه امن» برای حفاظت از خود ایجاد کرده‌اند. این پرونده ثابت می‌کند که «نظم اخلاقی» در غرب برای عوام مردم است و نخبگان، طبقه‌ای «فرا تراز قواعد اخلاقی» محسوب می‌شوند.

نباید از این نکته غافل شد که این پرونده، در کشور و حاکمیتی در جریان است که خود را کلاتر دنیا می‌داند و با نمایش صوری و تظاهرهای اخلاقی و حقوق بشری برای دیگران «باید» و «نباید» تعیین

اما در قرن بیست و یکم، سلطه استکباری دیگر نه در قالب قراردادهای نظامی، بلکه در قالب «شبکه‌های نامرئی نفوذ» و «فساد اخلاقی حاکمان» عمل می‌کند. از این رو پرونده اپستین فقط یک جنایت جنسی نیست؛ بلکه یک «خیانت ساختاریافته» توسط حکمرانان غربی است. فساد اپستین حکایت از آن دارد که غرب چگونه با پیوندهای مالی و جنسی، یک «شبکه امنیتی نانوشته» دارد که آن‌ها را از هر مجازاتی مصون می‌دارد. هم چنین غرب ادعا می‌کند که مهد دموکراسی و حقوق بشر است، ولی پرونده اپستین نشان می‌دهد که «قانون» برای مستکبران صرفاً یک «آپشن»^(۱) است که هرگاه بخواهند آن را بر اساس منافع خود، فعال یا غیرفعال می‌کنند.

تبدیل حقوق بشر به «ابزار اعمال فشار»

نکته کلیدی برای جوانان امروز این است که بدانند حقوق بشر در ادبیات غرب، یک «ارزش ذاتی» نیست، بلکه یک «ابزار سیاسی» و «ابزار فشار»^(۲) است.

۱. گزینه و راهکار جایگزین.

۲. رهبر شهید انقلاب علیه السلام: «طرح مسأله حقوق بشر توسط آمریکا برای فریب و وسیله فشار است». (۱۳۶۹/۱/۲).

هرگاه کشوری بخواهد در برابر نظام سلطه استقلال نشان دهد، حقوق بشر تبدیل به چماق می‌شود و سخت‌ترین تحریم‌ها و دشمنی‌ها را متوجه آن کشور می‌سازد؛ اما هرگاه جنایتی در درون جبهه استکبار رخ دهد، با سکوت، اطاله دادرسی یا سانسور و تحریم رسانه‌ای مواجه می‌شود. این دوگانگی، تصادفی نیست؛ بلکه یک «راهبرد بقا» برای غرب است. استکبار برای حفظ هیمنه خود نیاز دارد که یک «مرجعیت اخلاقی کاذب» داشته باشد. وقتی نخبگان و عوامل خودشان را فراتر از قانون می‌بینند، این مشروعیت اخلاقی در نزد افکار عمومی جهانی فرومی‌پاشد.

برای آحاد مردم و به ویژه نسل جوان امروز، شناخت این دسیسه‌ها، فراتر از یک تحلیل سیاسی، یک ضرورت «بصیرتی» است. ما باید درک کنیم که «حقوق بشر غربی»، در حقیقت نسخه‌ای مدرن از «استبداد بزرگ شده» است. در گذشته، استعمار با قوای نظامی و زنجیرهای آهنین اعمال می‌شد، اما امروز با «زنجیرهای حقوقی» و «واژگان فریبنده» دست‌وپای ملت‌های مستقل را می‌بندند. آن‌ها با تعریف خودساخته از «حقوق»، حق دفاع





از خویش را از قربانی سلب کرده و آن را «نقض صلح» جلوه می‌دهند.

نقد ما به حقوق بشر غربی، نقد به «تحریف حقیقت» است. آن‌ها با استفاده از واژگان مقدس «حق» و «آزادی»، معنای آن‌ها را از جایگاه اصلی‌شان (عدالت جهانی) به جایگاه ابزاری (سلطه‌گری سیاسی) منحرف کرده‌اند؛ درست همان‌گونه که قرآن در مورد تحریف کلام از سوی برخی از یهودیان هشدار داده و فرمود: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ».^(۱) یعنی برخی از کسانی که یهودی شدند، کلام را از جایگاه‌های خود منحرف و دگرگون می‌سازند.

تحریف در این آیه تنها به معنای تغییر کلمات نیست، بلکه به معنای تغییر معنا و کاربرد است. وقتی گروهی از صاحبان قدرت، مفهوم «حقوق» را از یک «اصل اخلاقی و الهی برای کرامت انسانی» به یک «ابزار سیاسی برای فشار بر ملل» تغییر می‌دهند، در واقع کلمه را از جایگاه اصلی‌اش (عدالت و کرامت) خارج کرده و به جایگاه جدیدی (سلطه‌گری) منتقل کرده‌اند. نکته تأمل برانگیز این جاست که

آن‌ها به خوبی می‌دانند چگونه از «نقطه ضعف‌های اخلاقی» خود، یک «سپر امنیتی» بسازند. وقتی پرونده‌هایی نظیر جنایات آپستین یا موارد مشابه مطرح می‌شود، سیستم قضایی و رسانه‌ای غرب با استفاده از تکنیک «سفیدشویی» و «اغماض سازمان یافته»، مانع از آن می‌شود که حقیقت به یک جریان عمومی مطالبه‌گر تبدیل شود. این دقیقاً همان «استاندارد دوگانه» است که در جوهره خود، ضد عدالت است.

واقعیت آن است که این «حقوق بشر ویترونی»، چیزی جز یک «ابزار مهار» نیست. هدف نهایی این راهبرد، گرفتن «شجاعت اعتراض» از ملت‌هاست؛ آن‌ها می‌خواهند ما چنان درگیر اثبات بی‌گناهی خود در دادگاه‌های ساختگی آن‌ها باشیم که فرصت نکنیم «جنایات اصلی» آن‌ها را فریاد بزنیم.

«استاندارد دوگانه» از سوی غرب

شواهد تاریخی نشان می‌دهد؛ غرب، پایه‌گذار جنایات علیه زنان و کودکان در قرون اخیر است. از جمله؛ نویسنده کتاب «جنایات غرب: مروری بر کارنامه سیاه تمدن غرب در پنج قرن استثمار و غارت جهان» در خصوص پرونده جنایت‌های

پایه‌گذاران غارت و ستم در آمریکا می‌نویسد: «در دوران لشکرکشی کریستف کُلُمب^(۱) به دریای کارائیب^(۲)، شاید بیشترین تعدی به حقوق زنان شده باشد. خشونت جنسی در مقابل بدن بومیان و خوارکردن و تحقیر بدن آن‌ها زمانی مشخص می‌شود که کلمب، زنان تاینورا به عنوان برده‌های جنسی و پاداش‌های جنسی برای سربازانش مورد استفاده قرار داد. کلمب با صادرکردن آن‌ها به جهان، از تجارت برده‌های جنسی سود برد. در واقع بیشتر درآمد او از برده‌داری به دست می‌آمد. کلمب در سال ۱۵۰۰ به یکی از دوستانش نوشت: همان‌طور که در ازای یک مزرعه ۱۰۰ کاستیانو (سکه اسپانیایی) می‌دهند، در ازای یک زن هم می‌شود به راحتی این مبلغ را به دست آورد. این کار

۱. کریستف کُلُمب (متولد ایتالیا)، از چهره‌های بحث‌برانگیز تاریخ است. برخی از افراد از جمله بیش تر سرخ‌پوستان آمریکا، او را مسئول مستقیم یا غیرمستقیم کشتاردها میلیون نفر از مردم بومی و عامل استعمار آمریکا از سوی اروپا می‌دانند.
۲. دریای کارائیب در بخش غربی اقیانوس اطلس، میان آمریکای مرکزی و جزایر آنتیل قرار دارد؛ جنوب خلیج مکزیک و شرق آمریکای مرکزی. کشورهای مانند کوبا، جامائیکا، هائیتی و جمهوری دومینیکن در پیرامون آن هستند.

خیلی معمول است و واسطه‌گران زیادی هستند که شروع به جست‌وجوی دختران کرده‌اند. در حال حاضر تقاضا برای دختران ۹ تا ۱۰ ساله است.^(۳)

این مورد، یک نمونه از صدها گزارش از جنایت‌های آمریکایی‌ها نسبت به زنان در طول تاریخ است. آنان که امروزه ایران اسلامی را به نقض حقوق زنان، متهم ساخته و خود را مدعی دفاع از حقوق زنان جا زده‌اند. به فرموده رهبر شهید انقلاب علیه‌السلام؛ «آمریکایی‌ها حق ندارند درباره حقوق بشر حرف بزنند؛ [چون] دولت آمریکا بزرگترین نقض‌کننده حقوق بشر در دنیا است.^(۴) چه اینکه «آمریکایی‌ها می‌گویند "حقوق بشر"، ولی منافع خود را اراده می‌کنند.^(۵) هم چنین ایشان فرمودند: «در قضیه زن، این ما نیستیم که باید از موضع خودمان دفاع کنیم؛ فرهنگ منحط غرب است که باید از خودش دفاع کند... آن‌هایی

۳. جنایات غرب: مروری بر کارنامه سیاه تمدن غرب در پنج قرن استعمار و غارت جهان، مهدی سعیدی، تهران، اشراق حکمت، ۱۳۹۶، ص ۶۷۱ به بعد.
۴. بیانات رهبر شهید علیه‌السلام در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶.
۵. بیانات رهبر شهید علیه‌السلام در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، تهران، سالن اجلاس سران؛ ۱۳۹۱/۶/۹.



استفاده سردمداران تمدن غرب قرار گرفته و با آن‌ها برخوردی کاملاً دوگانه صورت می‌گیرد. از سوی دیگر نگاه جمهوری اسلامی به موضوع زن والگویی که از زن مسلمان ایرانی ارائه می‌کند را باید در زمره سخنان نوجمهوری اسلامی دانست که به بشر سرخورده از فضای گفتمانی تمدن غرب ارائه می‌شود.

رهبر شهید انقلاب علیه السلام در خصوص «استاندارد دوگانه» از سوی غرب می‌گویند: «آیا آن چه غرب از آن دفاع می‌کند، حقیقتاً حقوق بشر است؟ آن جایی که حقوق یک میلیارد و اندی مسلمان با اهانت به مقدساتشان تضییع می‌شود، سردمداران حقوق بشر ساکت‌اند و تشویق هم می‌کنند... چرا آن جایی که حقوق دویست میلیون مسلمان هندی تضییع می‌شود و عبادتگاهشان به وسیله مشی جاہل متعصب و با تحریک دشمنان اسلام و مسلمین ویران می‌شود»^(۳)، از حقوق

که زن را تشویق می‌کنند که خود را جوری آرایش بدهد که مردهای کوچه و بازار به او نگاه کنند و غرایز شهوانی خودشان را با نگاه کردن به او ارضاء کنند، باید از خودشان دفاع کنند که چرا زن را تا این حد پایین آورده‌اند و او را تذلیل می‌کنند؛ آن‌ها باید جواب بدهند... و این فرهنگ منحط غربی، از این قبیل [مسائل] زیاد دارد».^(۱)

آن شهید والامقام در جای دیگر فرمودند: «ما در مسأله زن، از غرب طلبکاریم؛ ما مدعی غریبیم؛ آن‌ها هستند که دارند به زن ظلم می‌کنند، زن را تحقیر می‌کنند، جایگاه زن را پائین می‌آورند؛ به اسم آزادی، به اسم اشتغال، به اسم مسئولیت دادن، آن‌ها را مورد فشارهای روحی، روانی، عاطفی و اهانت شخصیتی و شائی قرار می‌دهند؛ آنها باید جواب بدهند».^(۲)

از نظر رهبر شهید انقلاب علیه السلام؛ موضوع حقوق زنان مانند بسیاری موضوعات دیگر همچون حقوق بشر، دموکراسی و آزادی، در زمره «مفاهیم شریف» است که مورد سوء

۳. مسجد بآبری از مساجد باقیمانده از دوران امپراتور مسلمان مغول «ظهیرالدین محمد بابر» بود که توسط هندوهای افراطی تخریب شد. آن‌ها اعلام کردند که پس از تخریب این مسجد، معبدی رادر آن محل بنا خواهند کرد؛ چرا که معتقدند قبل از ساخت این مسجد، آن‌جا محل تولد رام - خدای هندوها - بوده است.

۱. بیانات رهبر شهید علیه السلام در دیدار جمعی از زنان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام؛ ۱۳۷۱/۹/۲۵.
۲. بیانات رهبر شهید علیه السلام در دیدار جمعی از بانوان نخبه؛ ۱۳۹۰/۳/۱.

بشر دم نمی‌زنند؟ چرا در بوسنی و هرزگوین که میلیون‌ها انسان در معرض سخت‌ترین عقوبت‌های ظالمانه قرار گرفته‌اند و قتل عام می‌شوند و بچه‌ها می‌میرند و زن‌ها نابود می‌شوند و مریض‌ها کشته می‌شوند، از حقوق بشر دفاع نمی‌کنند یا حد اکثر به یک اظهار زبانی اکتفا می‌کنند؟ اگر به راستی طرف دار حقوق بشرند، این جاها مرده‌اند؟ چرا در فلسطین که یک ملت را از خانه خودشان آواره کردند و زمین آن‌ها را غصب کردند، امروز هم به هر مناسبتی آن‌ها را و طرف دارانشان را در لبنان، و اردوگاه‌های فلسطینی را حتی در لبنان رها نمی‌کنند و بمباران می‌کنند، این جا چرا کسانی که طرف دار حقوق بشرند ساکت می‌نشینند؟ این‌ها طرف دار حقوق بشرند؟ یا آن‌ها دروغ‌گو و فریب‌گر هستند، یا حقوق بشر به سبک فرهنگ غربی، حقوق ضد بشر و حقوق ستمگران بر آحاد بشر است؛ این حقوق بشر، حقوق بشر نیست.^(۱)

بنابراین، راهبرد ما در مواجهه با فریب‌کاری غرب، نباید تلاش برای

پاسخ‌گویی و دفاع از خود و توجیه سیاست‌های فرهنگی و سیاسی جمهوری اسلامی باشد؛ بلکه باید «هجومی» و «روشن‌گرانه» برخورد کرد. ما باید با تکیه بر «کرامت ذاتی انسان» در منظومه توحیدی^(۲)، به جای پاسخ‌گویی در زمین بازی آن‌ها، خود «طراح مسأله» باشیم. باید با برجسته‌سازی تناقضات رفتاری آن‌ها از کشتار غزه و کودکان بی‌گناه مدرسه میناب و حمله به مراسم عروسی در سیریک^(۳) و کوهستک در استان هرمزگان^(۴) تا فسادهای اخلاقی نخبگان‌شان در جزیره بدنام اپستین، همان «مرجعیت اخلاقی کاذب» را هدف قرار دهیم. وقتی نقاب بشردوستی از چهره آن‌ها برداشته شود، این «چماق حقوق بشر» خود به خود در دستانشان خواهد شکست؛ چرا که سلاح آن‌ها تنها تا

۲. آن چه به انسان، کرامت و ارزش می‌دهد، «انسانیت» اوست که همان شأنیت و شخصیت اخلاقی است، حقیقتی که انسان را بر سایر موجودات برتری می‌بخشد. از این رو قرآن کریم فرمود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَرْدِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا». (اسراء/۷۰).
 ۳. رک به خبر آنلاین؛ خبرگزاری تحلیلی ایران، تاریخ ۱۲ شهریور ۱۴۰۵، به نشانی: khabaronline.ir/xqj75
 ۴. رک به: خبرگزاری مهر، تاریخ ۱۱ شهریور ۱۴۰۵، به نشانی: mehnews.com/x3cXmj و خبرگزاری تسنیم، تاریخ ۱۳ شهریور ۱۴۰۵، به نشانی: https://tasnimnews.ir/3688260

۱. بیانات رهبر شهید علیه السلام در دیدار جمعی از زنان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام؛ ۱۳۷۱/۹/۲۵

زمانی کارآمد است که «اعتبار اخلاقی» شان در اذهان عمومی، زنده باقی بماند.

فرافکنی اخلاقی، شیوه حکمرانی غرب

در گذشته استعمارگر با تفنگ وارد خانه‌های مردم می‌شد؛ امروز استعمارگر با «روایت‌های دروغین اخلاقی» وارد ذهن مخاطبان خود می‌شود تا آن‌ها را متقاعد کند که او برتر است. از این رو برای جوان امروز، «روایت‌سازی» مهم‌ترین میدان نبرد است. وقتی غرب مدام از «دموکراسی» و «حقوق بشر» دم می‌زند، تصویری از عدالت خواهی برای مخاطب می‌سازد تا او باور کند که غرب، حامی حق و مظلومان است. واکاوی تقابل «کاپیتولاسیون» و «اپستین» به مردمان دنیا می‌آموزد که «قضاوت اخلاقی» خود را نباید بر اساس «تبلیغات غرب»، بلکه باید بر اساس «عملکرد تاریخی» و سابقه جنایت‌های آن‌ها بنا کنند.

در واقع، غرب در میدان نبرد روایت، از یک تکنیک قدیمی اما کارآمد استفاده می‌کند: «فرافکنی اخلاقی». آن‌ها همواره خود را در مقام «قاضی» و دیگران را در جایگاه «متهم» می‌نشانند. وقتی به پرونده

«کاپیتولاسیون» نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که غرب مدعی دموکراسی، در عمل به دنبال «مصونیت جنایت‌کاران خود» در خاک ملت‌های دیگر بوده است؛ یعنی همان برتری نژادی کلاسیک در لفافه حقوقی است. و نیز وقتی پشت پرده شبکه‌های جنایی «اپستین» را کنار می‌زنیم، می‌بینیم که چطور «نخبگان سیاسی همان نظام مدعی»، چگونه از سکس و فساد به عنوان ابزار نفوذ و باج‌گیری استفاده می‌کنند. این تناقض، یک خطای موردی نیست؛ یک «شیوه حکمرانی» است.

از این رو نبرد امروز، نبرد «حقیقت» با «تصویر حقیقت» است. غرب تلاش می‌کند با ساختن تصویر یک «مدافع حقوق بشر»، حقیقت استعمارگر خویش را پنهان کند. برای کسی که در این میدان می‌جنگد، «جهاد تبیین» به معنای «بازگرداندن قضاوت از حوزه احساسات رسانه‌ای به حوزه عقلانیت تاریخی» است. ما نباید بگذاریم که آن‌ها روایت‌گر داستان ما باشند. وقتی غبار روایت‌های دروغین کنار برود، هیمنه پوشالی نظام سلطه پیش از هراقدام نظامی، در ذهن و ضمیر ملت‌ها فرو خواهد ریخت. زیرا

«حقیقت»، قدرتمندترین سلاح برای «امیدبخشی» است، به شرط آن‌که بی پروا و بی لکنت بیان شود.

لیبرالیسم اخلاقی در خدمت شبکه قدرت

حقوق بشر گزینشی غرب، برآمده از مبانی غلط اخلاقی است. غرب با ترویج «لیبرالیسم اخلاقی»^(۱)، در واقع نوعی «هرج و مرج اخلاقی» ایجاد کرده است که در آن، تنها چیزی که اهمیت دارد، حفظ قدرت سرمایه داران اسرائیلی و شبکه حاکمان ثروتمند است. در این سیستم، قانون، یک «قرارداد اجتماعی» نیست که همه در برابرش برابر باشند، بلکه ابزاری برای تنظیم رفتار «دیگران» و جلب منافع حاکمان است. این «هرج و مرج اخلاقی نظام مند»، یک «راهبرد عامدانه» است. وقتی ارزش های اخلاقی در جامعه سست شود و همه چیز در «نسبی گرایی» غرق گردد، دیگر کسی انگیزه ای برای عدالت خواهی کلان ندارد؛ چرا که هرکس

۱. لیبرالیسم اخلاقی؛ رویکردی است که معتقد است هیچ ارزش یا حقیقت اخلاقی واحد و الزامی وجود ندارد، بلکه هر فرد حق دارد براساس خواسته های خود زندگی کند.

درگیر حفظ منافع شخصی خود است. در چنین فضایی، «قانون» تبدیل به شمشیر دولبه می شود که دسته آن در دستان شبکه قدرت است. آن ها با ترویج سبک زندگی فردگرایانه و لذت محور، ذهن ها را چنان کوچک می کنند که حتی دغدغه «نقد حاکمیت» از اولویت های فکری جوانان خارج شود.

حقیقت این است که؛ «لیبرالیسم اخلاقی»، در حقیقت نوعی «قفس شیشه ای» است. دیوارهای این قفس از «حقوق بی محتوا» ساخته شده است؛ ظاهری شفاف دارد که به شما القا می کند «آزادی دارید»، اما در عمل، تمام مسیرهای منتهی به «عدالت ساختاری» و «اصلاح هرم قدرت» را مسدود کرده است. بنابراین، وقتی ما از قانون «کاپیتولاسیون» در ایران یا پرونده های «فساد نخبگان» در غرب سخن می گوئیم، هدف ما صرفاً افشای یک رسوایی نیست؛ بلکه نشان دادن «نفاق بنیادین» این سیستم است. سیستمی که برای «حاکمان» حریم امن بی قانونی تعریف می کند و برای «مردم» تارهای عنکبوتی قانون گرایی می بافد.

همه باید بدانند که «عدالت» در این

منظومه، قربانی اول است. برای خروج از این چرخه استعمار فکری، باید «قرارداد اجتماعی خود ساخته غرب» را به چالش کشید. ما نیازمند احیای مفهومی از قانون هستیم که ریشه در «کرامت انسانی» و «حقیقت الهی» داشته باشد، نه در «منافع شبکه های قدرت».

بازگشت به حق و عدالت

در کنار نقد حقوق بشرگزینی، باید «عدالت اسلامی» تبیین شود؛ عدالتی که در آن، «هیچ کس، حتی حاکم و مسئول، فراتر از قانون نیست». مقایسه روایت های دینی از عدالت مثل سیره حکومت نبوی و علوی با قضیه لایحه کاپیتولاسیون و پرونده اپستین، تضاد عمیق میان «عدالت الهی» و «استثنائگرایی شیطانی» را برای مخاطب روشن می کند. زیرا در منطق عدالت اسلامی، کرامت و مسئولیت انسان ها هم زمان به رسمیت شناخته می شود: قدرت، ثروت و جایگاه سیاسی نه مجوز مصونیت اند و نه مانع رسیدگی. از همین رو، اسلام بر اجرای بی تبعیض قانون و پاسخ گویی صاحبان قدرت تأکید دارد؛ در مقابل، کاپیتولاسیون با اعطای مصونیت

قضایی به بیگانگان، اصل برابری را مخدوش می کرد و پرونده هایی چون اپستین، ضرورت شفافیت و پاسخ گویی برابر را یادآور می شوند. این مقایسه نشان می دهد عدالت الهی با هیچ «من فراتر از قانون» سازگار نیست و هر نظامی که برای صاحبان نفوذ استثنا بسازد، از معیار عدالت فاصله می گیرد.

«عدالت، یعنی هر چیزی را به جای خود گذاشتن و به هر کسی حق او را دادن. در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هیچ کس در جامعه اسلامی از چارچوب عدالت خارج نبود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نظامی را به وجود آورد که [یکی از] خطوط اصلی آن، عدالت مطلق و بی اغماض بود. عدالت در قضاوت، عدالت در برخورداری های عمومی و نه خصوصی. عدالت در اجرای حدود الهی، عدالت در مناصب و مسؤولیت دهی و مسؤولیت پذیری.»^(۱)

یکی از شاخصه های حکومت نبوی، اجرای مساوات در بین مردم و ارزش گذاری انسان ها بر اساس تقوا و معرفت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حتی در نگاه کردن به اصحاب

۱. بیانات رهبر شهید انقلاب رحمته الله علیه در خطبه های نماز جمعه تهران؛ ۱۳۷۷/۲/۱۸.

خویش، مساوات را رعایت می‌کردند و یا در حلقه‌ای که اصحاب می‌نشستند؛ هیچ تفاوتی میان او و اصحابش دیده نمی‌شد. عرب را بر عجم و سفید پوست را بر سیاه پوست و اشراف زاده را بر خدمتکار مقدم نمی‌نمودند و می‌فرمودند: «إِيْتُونِي بِأَعْمَالِكُمْ لَا بِأَحْسَابِكُمْ وَ أَنْسَابِكُمْ؛ عمل‌های خود را نزد من بیاورید، نه نسب‌هایتان را».^(۱) اجرای تمام اقسام مساوات در همه زمینه‌ها اعم از مساوات در تقسیم بیت‌المال، مساوات در پرداخت مالیات‌های اسلامی (زکات، خمس و صدقات)، مساوات در فراخواندن همه مردم به تحصیل علم و مساوات در تصدی مسئولیت‌ها بر اساس اهلیت و شایستگی مدنظر رسول اکرم ﷺ بود.

پیامبر اکرم ﷺ با اعلام و اجرای مساوات، در واقع دیدگاه طبقاتی و برتری‌جویی‌های کاذب و دروغین و نیز مقدم کردن ثروتمندان بر فقرا را نفی کردند و همگان در برابر قانون الهی مساوی بودند. به عنوان مثال؛ زنی از اشراف سرقت کرده

بود و زمانی که این مسأله ثابت شد، رسول خدا ﷺ فرمان به مجازات او دادند؛ عده‌ای نزد حضرت آمده و وساطت می‌کردند تا حکم درباره او اجرا نشود، اما آن حضرت بر مساوات در اجرای قانون تأکید کرده و فرمودند: «إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَنْتُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكُوهُ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ؛ «آنان که پیش از شما بودند، تنها به سبب چنین تبعیض‌هایی هلاک شدند؛ زیرا حدود را بر فرودستان اجرا می‌کردند و اشراف و بزرگان را رها می‌ساختند».^(۲) امیرالمؤمنین امام علی علی‌ه السلام نیز معتقد بودند که در قاموس اسلام، هیچ‌کسی از مصونیت قضایی و حق ویژه برخوردار نیست و همه در برابر حق و قانون، با دیگران یکسان‌اند. ایشان از هنگام به دست گرفتن حکومت تا واپسین دم از زندگی خود، در پی مبارزه با فساد و تلاش برای تحقق عدالت همه‌جانبه بود. بخصوص «عدالت ساختاری»؛ یعنی روابط جاهلی و مناسبات ستمگرانه را کنار بزنند و هر چیز و هر فرد را در جای خود بگذارد و حق هر

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۳۵، ح ۷.

۲. نهج الفصاحة، ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیا دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش، ص ۳۴۵، ح ۹۴۳.

صاحب حق را چنان که بایسته و شایسته است، به او برساند. آن حضرت در این باره فرمودند: «وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَتُبْلُغُنَّ بَلْبَلَةً وَ لَتُغَيَّبُنَّ غَرْبَةً وَ لَتُسَاطَنَنَّ سَوْطُ الْقَدْرِ حَتَّى يَغْلُوا أَسْفَلَكُمْ أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ؛ به آن خدا- که حضرت محمد ﷺ را به حق مبعوث کرد- سوگند که آن چنان در هم ریزید، و آن چنان در غربال حوادث بیخته گردید، و چون دیگ افزار جوشان زیرورو شوید تا آنکه طبقات زیردست شما بالا آیند و بالادستان زیردست گردند.»^(۱)

آن حضرت اجازه نمی دادند حاکمان و کارگزاران برای خود حق ویژه و مصونیت حقوقی قائل باشند، بلکه ضمن دستور به مهربانی با مردم در نامه حکومتی به مالک اشتر نوشتند: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُكَ فِي الْخَلْقِ؛ دلت را به بخشودن (خطاهای) مردم، و دوست داشتن آنان و نرمدلی در برابر ایشان موظف بدار! و نسبت

به آنان همچون حیوانی درنده مباش که منتظر فرصت برای خوردن آن ها است؛ زیرا که مردم دو گروه اند: یا برادر دینی تواند، یا برابر نوعی تو!»^(۲)

هم چنین در ادامه فرمودند: «وَإِيَّاكَ وَ الْأَسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ؛ از آن پرهیز که آن چه را حق عموم است به خود اختصاص دهی!».

امیرالمؤمنین امام علی عليه السلام با رسیدن به خلافت، از بیت المال، به هر مسلمان، در هر رشته ورده و رسته و نژادی که بود، سه درهم تحویل داد و خود نیز که خلیفه مسلمانان و والی جامعه اسلامی بود، سه درهم برداشت. تاریخ، به یاد دارد و به یادگار گذارده که آن حضرت هنگامی که مسئولیت اداره بیت المال را به عمار بن یاسر و ابوالهیثم بن التیهان واگذار کرد، به آنان، کتباً ابلاغ کرد که عربی و قرشی و انصاری و عجمی و تمام کسانی که جزء حوزه اسلام هستند، از هر قبیله و نژادی که باشند، همه و همه، با هم برابر و مساویند. سهل بن حنیف، غلام سیاهی را به محضر آن حضرت آورد، گفت: به این، چه اندازه

۲. تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ص ۱۲۶ - ۱۲۷.

۱. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، قم، نشر دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ش، ص ۵۰۷، ح ۹۲۹۸.

نتیجه‌مبحث

نگاه عادلانه و ضد استبدادی
امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهاد حکومت،
حکایت از آن دارد که؛ آن حضرت
ضمن اینکه روابط عاطفی و اخلاقی
کارگزاران با مردم را بر پایه مساوات
و محبت تنظیم می‌کنند، در حوزه
حقوقی و ساختار قدرت نیز هرگونه
«حق ویژه»، «انحصارطلبی» و «مصونیت
قضایی و اداری» را برای حاکمان و
کارگزاران به شدت تخطئه می‌نمایند.
در نگاه علوی، حکومت طعمه‌ای
برای بهره‌کشی و جایگاهی برتر از قانون
نیست، بلکه امانتی سنگین برای
خدمت‌رسانی است؛ از این رو، ایشان
کارگزاران خود را موظف می‌کردند که
در برابر حقوق مردم پاسخگو باشند،
در سطح عموم زندگی کنند و هیچ‌گونه
امتياز طبقاتی یا مصونیتی که آن‌ها را از
نظارت عمومی و عدالت قانون مستثنا
سازد، برای خود قائل نشوند. این
رویکرد، ریشه در عدالت محوری مطلق
آیین اسلام دارد که در آن حاکم و شهروند
عادی در برابر قانون و حقوق انسانی
کاملاً در یک کفه ترازو قرار دارند.

[از بیت المال] می‌دهی؟، علی (علیه السلام)
به سهل فرمودند: «تو، خود، چه اندازه
گرفته‌ای؟». پاسخ داد: سه دینار مطابق
آن چه دیگران گرفته‌اند. امام فرمودند:
«غلام او را نیز همانند خودش، سه دینار
بدهید!».^(۱)

با این توضیح، در نظام حکمرانی
اسلامی مرز میان مقام والا و مردم عادی
در برخورد با منابع عمومی (بیت‌المال)
از میان رفته است؛ به گونه‌ای که نه
تنها نباید حقوق جمعی را به نفع خود
تصاحب کرد (اجتناب از استثنائات)، بلکه
باید چنان عدالت مطلق را اجرا کرد
که حتی تفاوت‌های طبقاتی، نژادی،
قبیله‌ای، حزبی و حتی وضعیت «آزاد یا
غلام بودن»، «شهری یا روستایی بودن» و
«باسواد یا کم سواد بودن» نیز مانعی برای
برخوردااری برابر از حقوق عمومی نباشد.

۱. «وَلَّى بَيْتَ مَالِ الْمَدِينَةِ عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ وَأَبَا الْهَيْثَمِ
بْنَ التَّيْهَانِ - فَكَتَبَ الْعَرَبِيُّ وَالْقُرَشِيُّ وَالْأَنْصَارِيُّ
وَالْعَجَمِيُّ وَكُلُّ مَنْ فِي الْإِسْلَامِ مِنْ قَبَائِلِ الْعَرَبِ وَ
أَجْناسِ الْعَجَمِ [سواء] فَأَتَاهُ سَهْلُ بْنُ حَنْظَلَةَ بِمَوْلَى
لَهُ أَسْوَدَ فَقَالَ كَمْ تُعْطِي هَذَا فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
عَلِيهِ السَّلَامُ كَمْ أَخَذْتُ أَنْتَ قَالَ ثَلَاثَةٌ ذَنَانِيرُ وَكَذَلِكَ
أَخَذَ النَّاسُ قَالَ فَأَعْطَوْا مَوْلَاهُ مِثْلَ مَا أَخَذَ ثَلَاثَةٌ
ذَنَانِيرَ». (بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت،
دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۰،
ص ۱۰۷ - ۱۰۸).

زبان تأثیر در منبرهای فاطمی

مسعود سلمه‌ای

مقدمه

تأثیرگذار جهت تبیین معارف فاطمی فراهم می‌آورند.

از سوی دیگر، منبر به عنوان یکی از اصیل‌ترین و دیرپاترین رسانه‌های ارتباطی چهره به چهره در جوامع اسلامی، همواره در ترویج و تعمیق معارف دینی و هدایت افکار عمومی نقشی محوری ایفا کرده است. در این میان، «منبر فاطمی»^(۱) که متمرکز بر روایات تاریخی، تبیین سیره، خطب و آموزه‌های حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است، از برجستگی ویژه و نفوذ کلامی متمایزی برخوردار است. مسأله اساسی در این پژوهش، ریشه‌یابی «زبان

منبرهای فاطمی، افزون بر سوگ واره‌ای تاریخی، بازخوانی یکی از روشن‌ترین تقابل‌های جبهه حق و باطل در طول تاریخ است که با تکیه بر هنر روایت‌پردازی، سه ساحت اندیشه، احساس و رفتار مخاطب را به طور هم‌زمان تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مقاله با رویکردی علمی-ترویجی، به تبیین چرایی این تأثیرگذاری شگرف پرداخته، نشان می‌دهد راز ماندگاری و کارآمدی منبر فاطمی، در پنج‌گونه روایت نهفته است: تاریخی، غیبی، اعجازی، فضایل و مصائب که هریک از این گونه‌های روایی، در القای پیام و تحوّل مخاطب کارکردی منحصربه‌فرد ایفا می‌کنند و در تعامل با یکدیگر، شبکه‌ای

۱. مراد از منبر فاطمی، سخنرانی‌هایی است که در ایام فاطمیه و با محوریت زندگانی حضرت فاطمه (علیها السلام) در موضوعات مختلف انجام می‌شود.

تأثیر» در این منابع است؛ زبانی که قادر است با اقناع عمیق و تأثیرگذاری بر احساسات، مخاطب را در مسیر صحیح قرار داده، نگرش او را اصلاح کند.

شروط ارتباط مؤثر

محققان برای نگرش و ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری در نظر می‌گیرند که افکار و عقاید، احساسات و عواطف و تمایلات رفتاری، سه مؤلفه نگرش هستند.^(۱) بنابراین، تأثیرگذاری جامع بر مخاطب، در جریان ارتباط شفاهی مؤثر، مستلزم درگیرسازی هم‌زمان سه ساحت وجودی انسان؛ یعنی «اندیشه» (حوزه شناختی و باورها)، «احساس» (حوزه عاطفی و گرایش) و «رفتار» (حوزه عملی و التزام) است. زمانی فرآیند اقناع ارتباطی به کمال می‌رسد که تغییر در زیربنای معرفتی به غلیان عواطف بینجامد و این عواطف در قالب رفتارهای فردی و اجتماعی بروز و ظهور کنند.

بررسی هانسان می‌دهد^(۲) که متغیر اصلی

۱. روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، جمعی از مؤلفان، سمت، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، تهران، ۱۳۹۰، ص ۱۳۶.
۲. در بررسی‌هایی که روی تعداد قابل توجهی از

و شاه‌کلید تحقق این تأثیرگذاری سه‌گانه در منبرهای فاطمی، «روایت‌پردازی» است. روایت‌پردازی ساختاری ملموس و پویا از حقایق ارائه می‌دهد که با ایجاد فضای ذهنی مناسب برای مخاطب، فرآیند اقناع و اثرگذاری را تسهیل و تسریع می‌کند. در این پژوهش اثبات می‌شود که منبرهای فاطمی عمدتاً با به‌کارگیری ساختاری پنج‌ضلعی در روایت‌پردازی، شامل ابعاد: تاریخی، غیبی، اعجازی، فضایل و مصائب، منظومه‌ای یکپارچه از اقناع عقلانی و تحریک عاطفی را شکل می‌دهد که خروجی آن «تحول رفتاری» در مخاطب است.

الف. روایت‌پردازی؛ شاه‌کلید تأثیرگذاری منبرهای فاطمی

۱. زبان تأثیر و ابعاد سه‌گانه اندیشه، احساس و رفتار

در ارزیابی میزان اثربخشی خطابه دینی، شناخت دقیق لایه‌های پذیرش در

منبرهای فاطمی (که توسط مشاهیر تا به امروز انجام شده) صورت گرفت، مشخص شد که اکثر این منابر با محوریت روایت‌پردازی (بیان روایت‌های تاریخی حوادث بعد از شهادت پیامبر ﷺ تا شهادت حضرت زهرا ﷺ) بر سه حوزه اندیشه، احساس و رفتار مخاطب اثرگذار بوده‌اند.

مخاطب، اهمیتی بنیادین دارد. براساس الگوی جامع ارتباطات اقناعی، خطابه زمانی به اهداف عالی خود دست می‌یابد که بتواند برهرسه ضلع مثلث وجودی انسان؛ یعنی اندیشه، احساس و رفتار اثر بگذارد. سیراین تأثیرگذاری بهتر است با درگیر ساختن حوزه اندیشه آغاز شود؛ جایی که استدلال‌های متقن، داده‌های تاریخی و برهان‌های عقلی، ساختار شناختی مخاطب را بازسازی کرده، یقین معرفتی ایجاد می‌کنند، سپس پیام اقناع‌کننده وارد حوزه احساس و گرایش شود.^(۱)

در این مرحله، عواطف و شور مذهبی برانگیخته شده، نسبت به حقیقت، تعلق خاطر قلبی شکل می‌گیرد. در نهایت، هم‌افزایی باور عقلانی و شور عاطفی، منجر به اتخاذ تصمیم و التزام عملی در حوزه رفتار می‌شود. بنابراین، منبرهای فاطمی

۱. خداوند در سوره نحل، آیه ۱۲۵ به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»؛ «ای پیامبر! با حکمت و اندرز نیکو، مردم را به سوی پروردگارت دعوت کن.» مفسرین معتقدند حکمت، اشاره به بُعد اندیشه مخاطب دارد و اندرز نیکو اشاره به بُعد احساس مخاطب (تفسیر نمونه، آیه الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ه. ش، ج ۱۱، صص ۴۵۵.

با تکیه بر روایت‌پردازی، سه ساحت وجودی مخاطب را هدف می‌گیرد:

الف. اندیشه: ایجاد فهم، باور، پرسش و بازنگری (تبیین معرفتی و استدلالی اثبات حقانیت ولایت)؛

ب. احساس: برانگیختن محبت، خشیت، امید، شگفتی، اندوه یا خشم (برانگیختن عواطف و هم‌دلی روایت مصائب و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام)؛

ج. رفتار: ایجاد عزم، الگوپذیری، موضع‌گیری و کنش اخلاقی (ترغیب به کنش و الگوبرداری از نبرد حق و باطل، برای مقابله با جبهه باطل در زمان معاصر).

۲. چپستی روایت‌پردازی در خطابه‌های فاطمی

روایت‌پردازی در منابر فاطمی، صرفاً نقل وقایع و حوادث نیست؛ بلکه بازآفرینی حقیقتی است که مخاطب را در جریان متن تاریخ و ماورای آن جای می‌دهد. حضرت فاطمه علیها السلام با بهره‌گیری از جملات خبری برای انتقال روشن‌گرانه پیام‌ها و استدلال منطقی و جملات انشایی برای ایجاد تأثیر عاطفی و ترغیب مخاطب به کنش، الگویی بی‌نظیر از خطابه تأثیرگذار ارائه می‌دهد که استفاده از این الگویی تواند

منبرهای فاطمی را متحول و بیش از پیش تأثیرگذار کند.

ب. روایت‌های پنج‌گانه در منبرهای فاطمی

۱. روایت تاریخی

روایت تاریخی در منبرهای فاطمی، مخاطب را در لحظه‌ای سرنوشت‌ساز از تاریخ اسلام قرار می‌دهد؛ روزهایی که دین خدا پایمال شد و مردم به راحتی لگدمال شدنش را پذیرفتند؛ اما حضرت فاطمه علیها السلام با روایت دقیق آن‌چه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر او و خاندانش گذشت، حافظه تاریخی امت را بیدار می‌کند و نشان می‌دهد که نفاق و سکوت در برابر ظلم، چه پیامدهای ناگواری به بار می‌آورد.^(۱)

روایت‌پردازی تاریخی، بُعد شناختی و اندیشه مخاطب را هدف قرار می‌دهد. وقتی مخاطب می‌بیند مواضع حضرت زهرا علیها السلام دارای ساختاری کاملاً منطقی، حقوقی، جامعه‌شناختی و مبتنی بر براهین قرآنی است،^(۲) از نظر عقلانی به یقین

۱. «ظَهَرَتْ لَكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ» فاطمه الزهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت، سید محمد کاظم قزوینی، نشر فراروی،

۱۳۸۲ ش، ص ۵۰۶.

۲. خطبة الزهراء علیها السلام، ترجمه: محمدرضا انصاری، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۶۱ ش، ص ۴۴.

می‌رسد. این بعد از روایت، خطابه را از فضای محض عاطفی خارج ساخته، به آن پایگاه محکم استدلالی می‌بخشد. در نتیجه، شبهات معرفتی برطرف شده، برایش تحلیل درست از ریشه‌های انحراف در تاریخ اسلام حاصل می‌شود.

روایت‌های تاریخی، از آن جهت که مایه عبرت انسان‌ها هستند،^(۳) اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. نقل بخش‌هایی از روایات تاریخی در منبرهای فاطمی، موجب تنبّه و بیداری مخاطبان خواهد شد و چراغی را فراروی آنان قرار خواهد داد که از حوادث تاریخی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و نیز شیوه مواجهه حضرت زهرا علیها السلام با حوادث و اتفاقات آن دوران درس بگیرند و از افتادن در پرتگاه‌ها مصون بمانند.

به عنوان نمونه، در روایت «سلیم بن قیس هلالی» از سلمان (بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بیعت مردم با ابابکر) آمده است: «فَقَالَ سَلْمَانُ: فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ حَمَلَ عَلِيٌّ فَاطِمَةَ عَلَى حِمَارٍ وَأَخَذَ بِبِدِ ابْنَتِهِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَلَمْ

۳. «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ یوسف/ ۱۱۱.

امر فرمود که صبح زود با سرهای تراشیده، سلاح به دست و در حالی که با اوتا پای جان بیعت کرده‌اند، بیایند. پس صبح، جز چهار نفر هیچ‌کس به عهدش با او وفا نکرد. به سلمان گفتیم: آن چهار نفر که بودند؟ گفت: من و ابوذر و مقداد و زبیر بن عوام.

سپس حضرت شب دوم نزدشان رفت و آنان را به خدا قسم داد، گفتند: فردا صبح تو را همراهی می‌کنیم؛ ولی هیچ‌کس از آن‌ها غیر از ما به عهدش وفا نکرد، سپس شب سوم، باز هیچ‌کس جز ما به عهدش وفا نکرد، پس هنگامی که علی علیه السلام خیانت و بی‌وفایی آنان را دید، در خانه‌اش نشست و به نوشتن و جمع‌آوری قرآن روی آورد.

۲. روایت غیبی

بعد غیبی منبر فاطمی، مخاطب را از محدوده تاریخ ملموس فراتر برده، با افق‌های جدید معرفتی آشنا می‌کند. انسان به حکم فطرت خود، همواره در پی ارتباط با عالم ملکوت و کشف حقایق غیبی است. روایت‌پردازی غیبی در منبر فاطمی، وقایع زمینی را به تقدیرات و نظامات آسمانی پیوند

يَدْعُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَدْرٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَلَا مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَّا أَتَى مَنْزِلَهُ وَذَكَرَ حَقَّهُ وَدَعَاهُ إِلَى نُصْرَتِهِ، فَمَا اسْتَجَابَ لَهُ مِنْ جَمِيعِهِمْ إِلَّا أَرْبَعَةٌ وَأَرْبَعُونَ رَجُلًا، فَأَمَرَهُمْ أَنْ يُصْبِحُوا بُكْرَةً مُخَلِّقِينَ رُءُوسَهُمْ، مَعَهُمْ سِلَاحُهُمْ وَ قَدْ بَايَعُوهُ عَلَى الْمَوْتِ، فَأَصْبَحَ وَلَمْ يُوَافِهِ مِنْهُمْ أَحَدٌ غَيْرَ أَرْبَعَةٍ. قُلْتُ لِسَلْمَانَ: مَنْ الْأَرْبَعَةُ؟ قَالَ: أَنَا وَابُذَرُّوالمِقْدَادُ وَ الزُّبَيْرُ بْنُ الْعَوَّامِ. ثُمَّ أَتَاهُمْ مِنَ اللَّيْلَةِ الثَّانِيَةِ، فَنَاشَدَهُمُ اللَّهَ، فَقَالُوا: نَصَحْبُكَ بُكْرَةً؛ فَمَا مِنْهُمْ أَحَدٌ وَفَى غَيْرِنَا. ثُمَّ اللَّيْلَةُ الثَّالِثَةُ، فَمَا وَفَى أَحَدٌ غَيْرِنَا. فَلَمَّا رَأَى عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَذْرَهُمْ وَقِلَّةَ وَفَائِهِمْ، لَزِمَ بَيْتَهُ وَاقْبَلَ عَلَى الْقُرْآنِ يُؤَلِّفُهُ وَيَجْمَعُهُ؛^(۱)

سلمان گوید: چون شب شد، امیرالمؤمنین علی علیه السلام حضرت فاطمه علیها السلام را بر الاغ سوار نموده، دست فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام را گرفت و هیچ‌یک از اهل بدر، از مهاجر و انصار را باقی نگذاشت، مگر به در خانه‌شان رفت و حق خود را یادآورد و آن‌ها را به یاری خود خواند؛ اما از میان آن‌ها فقط ۴۴ نفر پاسخ‌گویی دادند. پس حضرت به آن‌ها

۱. کتاب سلیم، سلیم بن قیس هلالی، انتشارات بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۶ ش، ج ۲، ص ۷۴۸.

می‌زند. در این ساحت، سخن از نزول فرشتگان، هم‌سخنی جبرئیل با حضرت زهرا علیها السلام،^(۱) مقام ملکوتی ایشان در عرش و جایگاه اخروی اهل بیت علیهم السلام به میان می‌آید. این‌گونه از روایت، افق دید اندیشه مخاطب را گستردگی بخشیده، او را از محصور ماندن در تحلیل‌های محدود مادی رها می‌سازد.

با پیوند دادن حوادث فاطمیه، به سنت‌های الهی و فرجام اخروی انسان‌ها، مسئولیت‌پذیری فردی و مراقبت از رفتارهایی چون کنترل زبان و طهارت نفس در مخاطب تقویت می‌شود؛ چراکه فرد خود را در محضر دادگاه بزرگ الهی و غیبی می‌یابد. به عنوان نمونه:

از امام باقر علیه السلام نقل شده است:^(۲) روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به خانه آمد و از زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام سؤال کرد: در خانه چیزی برای خوردن هست؟ گفت: «لَیْسَ فِي الْبَيْتِ شَيْءٌ؛ چیزی در خانه نیست.» گاهی امیرالمؤمنین به فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام

می‌فرمود: چرا به من نگفتی چیزی در منزل نداریم؟ می‌گفت: «كَانَ أَبِي رَسُولَ اللَّهِ قَدْ نَهَانِي أَنْ أَشَأْلَكَ شَيْئًا؛ پدرم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من دستور داده است که از شما درخواست نکنم.»

«فَاسْتَقْرَضَ دِينَارًا» حضرت برای تهیه مواد غذایی یک دینار قرض گرفت «فَلَقِيَ مِقْدَادًا؛ در راه چشمش به مقدار افتاد «فَكَانَ يَوْمًا شَدِيدَ الْحَرِّ» روز بسیار گرمی بود.» فرمودند: «يَا مِقْدَادُ مَا أَخْرَجَكَ عَنْ بَيْتِكَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ؛ چه چیز سبب شده است در این ساعت گرم از خانه بیرون آمده‌ای؟» گفت: «يَا عَلِيُّ أَخْرَجَنِي مِنْ بَيْتِي شِدَّةُ الْجُوعِ؛ شدت گرسنگی مرا از خانه بیرون آورده.» امام علیه السلام آن یک دینار را به مقدار داد. فرمود: برو برای بچه‌هایت غذا تهیه کن! بعد از آن مستقیم به مسجد آمد. نماز را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به جای آورد. بعد از ادای فریضه ظهر، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم سرمبارکش را برگرداند. فرمود: یا علی! من برای غذا به خانه شما خواهم آمد.

بعد از فریضه ظهر، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به همراه علی علیه السلام به خانه فاطمه علیها السلام آمدند. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه فاطمه علیها السلام وارد شد، رفت در محراب عبادت. امام علیه السلام

۱. الکافی، شیخ کلینی، نشر اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۴۰.
۲. عوالم العلوم والمعارف والاحوال من الآیات والاکخبار والاقوال، عبدالله بن نورالله بحرانی، مدرسه الإمام المهدي علیه السلام ۱۳۷۵ش، ج ۱۱، ص ۲۲۲.

هم نشست. یک مرتبه دید فاطمه علیها السلام طبقی از غذا آورد. امام فرمود: «يَا فَاطِمَةُ! أَتَأْتِيكَ هَذَا؟» ای فاطمه! این چیست؟ تو به من گفتی در خانه غذا نداریم. عرض کرد: راست گفتم یا علی! در خانه غذایی نبود؛ اما هنگامی که پدرم به منزل ما آمد، درون محراب رفتم، گفتم: خدایا! بهترین خلق تو امروز مهمان ماست. ما چیزی که از این مهمان پذیرایی کنیم، نداریم. خدایا! تو فراهم کن. دیدم این طبق کنار سجاده من نهاده شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی! فرزند من، زهرا، همانند مریم، دختر عمران است: «كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» مریم همیشه در محرابش بود؛ اما زکریا هروقت می آمد، می دید طبقی از غذا کنار مریم نهاده شده....^(۱)

۳. روایت اعجازی

اعجاز و خرق عادت های الهی (اعجاب)، یکی از ابزارهای شناخته شده در بلاغت برای ایجاد شگفت زدگی، فروپاشی تکبر و جلب توجه عمیق

مخاطب است. روایت اعجاز در منبر فاطمی، شامل کرامات و رفتارهای فرابشری حضرت زهرا علیها السلام در مواجهه با بحران هاست. روایت اعجازی، حیرت و شگفتی می آفریند؛ مخاطب با شنیدن روایت هایی که فراتر از توان معمول بشر است، افق انتظار خویش را گسترش می دهد و برای پذیرش پیام هایی که عقل عادی از درک آن عاجز است، آماده می شود. این نوع روایت، زمینه ساز تحول بنیادین در اندیشه است. به عنوان نمونه:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم سَلْمَانَ إِلَى فَاطِمَةَ قَالَتْ: فَوَقَفْتُ بِالْبَابِ وَنَفَقَةً حَتَّى سَلَّمْتُ فَسَمِعْتُ فَاطِمَةَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مِنْ جَوْاءَ الرَّحَى تَدُورُ مِنْ بَرٍّ وَمَا عِنْدَهَا أُنَيْسٌ وَقَالَ فِي آخِرِ الْخَبَرِ فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَقَالَ: يَا سَلْمَانُ! إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهَا وَجَوَارِحَهَا إِيمَانًا إِلَى مُشَاشِهَا تَفَرَّغَتْ لِبَطَاعَةِ اللَّهِ فَبَعَثَ اللَّهُ مَلَكًا أَسْمُهُ زُوقَابِيلُ وَفِي خَبَرٍ آخَرَ جَبْرِئِيلُ فَأَدَارَ لَهَا الرَّحَى وَكَفَّاهَا اللَّهُ مَثْوًى الدُّنْيَا مَعَ مَثْوًى الْآخِرَةِ؛^(۲) امام باقر علیه السلام می فرماید:

۲. بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۲ هـ

ش، ج ۴۳، ص ۱۹.

پیامبر خدا ﷺ سلمان را نزد فاطمه علیها السلام فرستاد. سلمان می‌گوید: من بردر خانه ایستاده و سلام کردم و شنیدم که فاطمه در داخل خانه مشغول تلاوت قرآن است و سنگ آسیاب می‌چرخید، در حالی که کسی در آنجا نبود. سلمان در آخر روایت می‌گوید: وقتی این مطالب را به عرض رسول خدا ﷺ رساندم، تبسمی کرده، فرمودند: ای سلمان! همانا خداوند قلب و جوارح دخترم فاطمه علیها السلام را از ایمان مملو نموده است. وی بدون دغدغه مشغول عبادت پروردگار می‌باشد، پس خداوند ملکی به نام زوقایل - و در روایت دیگری به جای وی جبرئیل علیهما السلام آمده است - مأمور نموده تا آسیاب را بگرداند و خداوند کارهای دنیا و آخرت فاطمه علیها السلام را عهده دار شده، او را کفایت می‌کند.

۴. روایت فضایل

تبیین فضایل، مناقب و کمالات اخلاقی و معنوی، محور چهارم روایت‌پردازی در منبر فاطمی است که می‌تواند برای زیست مؤمنانه الگوساز باشد. حضرت زهرا علیها السلام نه تنها برای بشریت؛ بلکه حتی برای خود امامان معصوم علیهم السلام نیز به عنوان الگویی کامل و نیکو مطرح شده

است.^(۱) ابعاد شخصیتی ایشان هم‌چون: زهد،^(۲) ایثار،^(۳) عبادت‌های شبانه،^(۴) همسرداری،^(۵) تربیت فرزند،^(۶) دفاع مجاهدانه از ولایت،^(۷) انفاق و... به تصویر کشیده می‌شود.

کارکرد بنیادین روایت فضایل، ارائه «الگوی عملی زیست» برای تحول رفتاری است. انسان تنها با شنیدن نصیحت‌های انتزاعی تغییر رفتار نمی‌دهد؛ بلکه نیازمند الگویی عینی و دست‌یافتنی است، تا بتواند رفتارهای خود را با او بسنجد. بیان دقیق فضایل فاطمی می‌تواند تمایل به تواضع، خیرخواهی، شجاعت و صدق در گفتار و رفتار را در دل مخاطب بکارد و برای

۱. الغيبة، شیخ طوسی دار المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ ه ق، ص ۲۸۶: «إِنَّ لِي فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ أَسْوَةَ حَسَنَةً».

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۴.

۳. همان، ص ۵۶.

۴. شواهد التنزيل، حسکانی حنفی، انتشارات دار الهدی، قم، ۱۳۸۰ ه ش، ج ۲، ص ۱۹۴.
۵. بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۱۹۲-۱۹۹؛ السقيفة وفدک، جوهری بصری، مكتبة نينوى الحديثة، تهران، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۴.

۶. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۵.

۷. نهج الحيات، محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین علیهما السلام، قم، ۱۳۸۲ ش، ج ۱۷۴، ص ۲۷۶.

تغییر سبک زندگی براساس الگوی فاطمی، انگیزه درونی ایجاد کند. به عنوان نمونه:

«قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثٍ:....: فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرِ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفُ عَنِّي الْهَمُومُ وَالْأَحْزَانُ»^(۱) حضرت علی علیه السلام در ضمن حدیثی می فرمایند: به خدا سوگند! هرگز فاطمه علیه السلام را به خشم نیاوردم و او را بر کاری که میل نداشت، وادار نکردم، تا روزی که خداوند او را برد و او نیز هیچ گاه مرا به خشم نیاورد و از فرمان من سرپیچی نکرد و هرگاه که به او می نگریستم، تمام نگرانی ها و غم ها از من زوده می شد.

۵. روایت مصائب

ضلع پنجم و نقطه اوج درگیرسازی عاطفی در منبر فاطمی، بازآفرینی هنرمندانه، حزن انگیز و مستند رنج ها، مظلومیت ها و مصائب وارد شده بر بانوی دو عالم علیه السلام است. این بعد روایی، به طور مستقیم بر حوزه احساسات و عواطف متمرکز است.

روایت مصائب، نوعی پالایش روحی و برانگیختگی شدید عاطفی ایجاد

می کند. گریستن و حزن بر مصائب حضرت زهرا علیه السلام، پیوند قلبی مخاطب با جریان حق را مستحکم تر کرده، حس تولی (حب) و تبری (بغض) را در او زنده می سازد. عواطف برانگیخته شده از سوگ فاطمی، انرژی متراکم شده ای را در فرد ایجاد می کند که او را به سمت ایستادگی بر اصول، تعهد دینی، دفاع از مظلوم و اصلاح رفتار فردی، اجتماعی و سیاسی سوق می دهد. به عنوان نمونه:

هنگامی که هیزم آوردند، در را آتش زدند و به درون خانه حمله کردند، فاطمه علیه السلام بین در و دیوار فریاد زد: «يَا فَصَّةُ الْيَكِ فَخْذِي» ن فرمود فَصَّة بیا؛ فرمود: «خَذِينِي»؛ یعنی مرا بگیر؛ یعنی دارم می افتم؛ بیا مرا بگیر «يَا فَصَّةُ إِلَيْكِ فَخْذِي» فَقَدْ وَاللَّهِ قَتَلَ مَا فِي أَحْشَائِي مِنْ حَمَلٍ فَصَّة! به خدا قسم محسنم سقط شد.^(۲)

ج. سازوکار هم افزایی ابعاد پنج گانه روایی و فرآیند تأثیرگذاری

ابعاد پنج گانه روایت پردازی در منبر فاطمی، به صورت منفک و گسسته عمل

۲. رنج ها و فریادهای فاطمه، محمد مهدی اشتهازی، ناصر، قم، بی تا، ص ۱۴۹.

۱. کشف الغمة، علی بن عیسی اربلی، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۶۱.

فاطمی، نه در هریک از این پنج‌گونه روایی به‌تنهایی؛ بلکه در هم‌نشینی هنرمندان آن‌ها نهفته است. این پنج روایت، هم‌چون پنج ستون یک بنای استوار، در تعامل با یکدیگر، شبکه‌ای از جوشش و حرکت ایجاد می‌کنند؛ روایت تاریخی، عبرت می‌آموزد. روایت غیبی، عظمت ایجاد می‌کند. روایت اعجازی، حیرت می‌آفریند. روایت فضایل، موجب شیفتگی می‌شود و روایت مصائب، اشک می‌جوشاند و انگیزه‌کنش ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

منبر فاطمی، در عمیق‌ترین لایه خود، کارگاه روایت‌پردازی بی‌نظیری است که با تکیه بر پنج‌گونه روایت: تاریخی، غیبی، اعجازی، فضایل و مصائب، هم‌زمان بر اندیشه، احساس و رفتار مخاطب تأثیر می‌گذارد. این تأثیر چندساحتی، خطابه فاطمی را از یک سخنرانی صرف تاریخی فراتر می‌برد و آن را به رویدادی زنده و پویا تبدیل می‌کند که در هر عصر و نسلی، مخاطب خود را بازمی‌یابد و دگرگون می‌سازد.

نمی‌کنند؛ بلکه منظومه‌ای یکپارچه را تشکیل می‌دهند که در آن، هر بعد مکمل و تقویت‌کننده بعد دیگر است.

فرآیند این هم‌افزایی به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که ابتدا روایت تاریخی، پایه عقلانی و شناختی بحث را می‌سازد و ذهن مخاطب را اقناع می‌کند، سپس روایت غیبی، افق کلام را به عالم ملکوت متصل کرده، بر قداست حقایق مطرح‌شده می‌افزاید. در ادامه، روایت اعجازی و فضایل، شخصیت حضرت را به عنوان الگویی کامل و فرابشری تثبیت می‌کنند، تا انگیزه هم‌ذات‌پنداری و الگوگیری رفتاری در مخاطب شکل بگیرد. در نهایت، روایت مصائب با هدف قرار دادن حوزه عواطف، آتش عشق و حزن را در دل می‌افروزد و التزام رفتاری و پایداری بر عقیده را تضمین می‌نماید.

بررسی شبکه اثرگذاری فوق، روشن می‌سازد که حیات و نفوذ منبر فاطمی، حاصل تفکیک‌ناپذیری منطق، عرفان، کرامت، اخلاق و سوگ است؛ ترکیبی که در قالب روایت‌پردازی منسجم، زبانی مقتدر و بی‌بدیل به خطابه مذهبی می‌بخشد. به عبارت دیگر: راز تأثیر شگرف منبر



سوگ نامه کوثر

«مراثی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)»

جعفر و اضحی آشتیانی

اشاره

سَيِّدَتْنَا وَمَوْلَاتِنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ
حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا
عِنْدَ اللَّهِ.^(۱)

شعر شروع

عصمت حق، دخت احمد، فاطمه
جلوه‌ای از نور سرمد، فاطمه
نور چشمان محمد، فاطمه
آن که بر زن‌ها سرآمد، فاطمه
فاطمه ام ابیها، فاطمه
فاطمه یا فاطمه یا فاطمه
کیست زهرا زهره هفت آسمان
صد ملک بر درگه او پاسبان
نه فلک تحت لوایش بی‌گمان
کیست زهرا بانوی هر دو جهان

ماه جمادی الأولى، همراه شده با
مناسبت شهادت بانوی دو عالم حضرت
صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (علیها السلام) (به روایت
۷۵ روز) و در این مناسبت، مجالس عزای
آن شهید راه ولایت و امامت برگزار می‌شود.
بنابراین برخی از مراثی و روضه‌های آن
شهید مظلوم به صورت «روش‌مند» تقدیم
می‌گردد و در هر مرثیه، سه بخش اصلی
مرثیه یعنی «شروع مرثیه»، «متن مرثیه»
و «گریز» (پایان) ارائه می‌شود تا مبلغان
گرانقدر در مجالس تبلیغی از آن بهره‌گیرند.

مرثیه اول

فرازهایی از زیارت: «یا فاطمه الزهراء،
یا بِنْتُ مُحَمَّدٍ، یا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، یا

۱. فرازی از دعای توسل.

نام او در عرش اعلا فاطمه
 فاطمه یا فاطمه یا فاطمه
 حضرت انسیه الحوراست او
 راضیه مرضیه و عذراست او
 لاله‌ای از گلشن طاهاست او
 لیلۃ القدر نبی زهراست او
 سِرِّ مستور خدا یا فاطمه
 فاطمه یا فاطمه یا فاطمه
 کیست زهرا دخت خیرالمرسلین
 همسر و یار امیرالمؤمنین علیه السلام
 معنی آیات ربِّ العالمین
 گوهر پیغمبر و دُرِّ ثمین
 کوثر و والشمس و اضحی فاطمه
 فاطمه یا فاطمه یا فاطمه
 کیست زهرا گوهر بحر وجود
 کیست زهرا معنی ایثار و جود
 از ازل او مقصد معبود بود
 بر تبار و آل و زوج او درود
 هل أتی و قدر و اعلی فاطمه
 فاطمه یا فاطمه یا فاطمه
 کیست زهرا آن که روز سرنوشت
 حق همه هستی به نام او نوشت
 کیست زهرا بانوی نیکوسرشت
 کیست زهرا وامدار او بهشت
 معنی یاسین و طاها فاطمه
 فاطمه یا فاطمه یا فاطمه
 آن که احمد وصف او بنموده است
 و آن که حیدر مقتدایش بوده است

آن که را جبریل هم بستوده است
 آن که حق در مدح او فرموده است
 در حدیث ناب، لولا فاطمه
 فاطمه یا فاطمه یا فاطمه
 قرّة العین پیمبر فاطمه
 مظهر خلاق داور فاطمه
 یاور فتاح خیبر فاطمه
 همسر ساقی کوثر فاطمه
 مصطفی گفتا فداها فاطمه
 فاطمه یا فاطمه یا فاطمه
 کیست زهرا الگوی حجب و حیا
 کیست زهرا اسوه صبر و رضا
 عشق حیدر جان ختم الانبیاء
 عصمت حق مام شاه کربلا
 بود بی‌همتا و یکتا فاطمه
 فاطمه یا فاطمه یا فاطمه
 زن مگو دامن او مردآفرین
 پرورانده دخترانی بی‌قرین
 آن که باشد دست حق در آستین
 آفرین بر مام و فرزند، آفرین
 نسل سادات از شما یا فاطمه
 فاطمه یا فاطمه یا فاطمه^(۱)

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لَمَّا
 أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم إِلَى السَّمَاءِ؛ وَتَمَيَّ
 بِرَأْسِهِ بِرَأْسِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم رَأَى بِهَ آسْمَانَهَا سِيرَدَانِدَنْ.»
 ندا آمد: حبیب ما، خداوند می‌خواهد
 شما را درسه چیز امتحان کند، تا صبر شما

۱. شاعر: غلامرضا محمود نژاد (ناطق).

طوری زدند خاطرشان جمع جمع شد
طوری زدند ناله حیدر بلند شد^(۱)

متن مرثیه

ندا آمد: ای حبیب ما «أَمَّا ابْنُكَ
فَتُظْلَمُ وَتُحْرَمُ وَيُؤْخَذُ حَقُّهَا غَضَبًا وَتُضْرَبُ
وَهِيَ حَامِلٌ وَيُدْخَلُ عَلَيْهَا وَعَلَى حَرِيمِهَا
وَمُنْزِلُهَا بِغَيْرِ إِذْنٍ؛ اما دخترت فاطمه علیها السلام،
مورد ستم قرار می گیرد، حقش را ظالمانه
غصب می کنند و در حالی که باردار
است، او را کتک می زنند و بدون اجازه
وارد خانه اش می شوند.» یا رسول الله!
نبودی بینی با حبیبه ات چه کردند!
ای کاش فقط بدون اجازه وارد خانه اش
می شدند: «ثُمَّ يَمَسُّهَا هَوَانٌ وَذُلٌّ وَتَطْرُحُ
مَا فِي بَطْنِهَا مِنَ الضَّرْبِ»^(۲) افراد پست و
اراذل و او باش او را اذیت کردند.» می دانی
چه کردند: «وَلَمَّا جَاءَتْ فَاطِمَةُ خَلَفَ
الْبَابَ عَصْرَمَلْعُونُ فَاطِمَةَ بَيْنَ الْحَائِطِ وَ
الْبَابِ عَصْرَةً شَدِيدَةً قَاسِيَةً حَتَّى أُسْقِطَتْ
جَنِينُهَا» نانجیبی چنان بین در و دیوار
دخترت را تحت فشار قرار داد که فرزند در
رحمش سقط شد «وَنَبَتَ مِسْمَارُ الْبَابِ

را ببیند! حضرت عرض کرد: پروردگارا! من
تسلیم امر تو هستم. توان و صبری ندارم،
مگر به کمک تو، آن سه مورد چیستند؟
گفته شد: یکی فقر و گرسنگی؛ باید ساده
و فقیرانه زندگی کنی! حضرت عرض کرد:
خدایا! می پذیرم و تسلیم تو هستم و از تو
توفیق و صبر می خواهم. امتحان دوم آن
است که دشمنان تو را تکذیب و منافقان
تو را اذیت و آزار می کنند و تو باید صبر
کنی! حضرت عرض کرد: پروردگارا!
می پذیرم و تسلیم تو هستم و از تو توفیق
و صبر می خواهم. امتحان سوم آن است
که آن چه بعد از توبه اهل بیت می رسد
و آن کشته شدن ایشان است. ندا آمد: اما
برادرت علی علیه السلام! املت او را سرزنش و به
او ظلم می کنند، تا این که مظلومانه به قتل
می رسانند.

شعر مرثیه

هیزم رسید و آتشی از در بلند شد
ای وای من که ناله مادر بلند شد
مأمور شد به صبر، علی از سکوت او
سوء استفاده کرد، ستمگر بلند شد
با جمعی از اراذل و او باش ریخت و
پایش برای کشتن مادر بلند شد
در را شکست او، کمر شیعه را شکست
طوری که وای وای پیمبر بلند شد

۱. شاعر: حسن لطفی.

۲. رک: کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه،
مکتبه الحیدریه، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش.

ای رسول خدا! نبودی بینی، زینب صدا می زد:

کم ندیدیم بلا، کرب و بلا و کوفه
الامان از محن شام بلا، وای حسین
چشم نامحرم و ناموس خدا، وای حسین
سیلی و کعب نی و ضربه پا، وای حسین
حسین آرام جانم، حسین روح روانم

مرثیه دوم

فرازهایی از زیارت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ».^(۳)

شعر شروع

زیباترین بهانه آغاز خلقتی
رمز زلال چشمه جوشان رحمتی
بانوی آسمانی مسندنشین عرش
گلوازه مقدس باغ رسالتی
تاج حدیث قدسی «لولاک» نام توست
شان نزول آیه تطهیر و عصمتی
برما که در دوراهی تاریک و روشنیم
روشن ترین ستاره راه هدایتی

فی صدرها» میخ در چنان در سینه او فرو رفت که: «صاحت فاطمة: أبتاه يا رسول الله! أنظر ماذا لقينا»^(۱) فاطمه ناله ای کشید و صدا زد: باباجان! ای رسول خدا! بلند شو و ببین بعد از تو چه بر سر ما آوردند.

گریز

امام صادق عليه السلام می فرماید: به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم ندا رسید: حبیب ما، از دخترت فاطمه دو پسر به برادرت علی می دهیم؛ اولی از آن دو را با خدعه و نیرنگ مسموم می کنند و غریبانه می کشند: «أما ابنُها الآخرُ فتدعوهُ أُمَّتَكَ لِجِهَادٍ ثُمَّ يَقْتُلُونَهُ صَبْرًا وَيَقْتُلُونَ وَلَدَهُ وَمَنْ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثُمَّ يَسْلُبُونَ حَرَمَهُ»^(۲) اما فرزند دیگرش را اُمتت برای جهاد دعوت می کنند؛ ولی او را با طرز بد و ناهنجاری می کشند، فرزندانش و آن چه از اهل بیتش با او باشند را می کشند، خانواده اش را اسیر می کنند، در شهرها و روستاها می گردانند.»

۱. عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد عليه السلام)، عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۵۸۲.
۲. کامل الزیارات، ابن قولویه القمی، مكتبة الصدوق، دار المرتضوية، نجف، ۱۳۵۶ ش، ج ۲، باب ۱۰۸، ح ۱۱.

۳. زیارت نامه حضرت زهرا عليها السلام.

شعر مرثیه

بگو اذان که دل من گرفته است بلال
دلم گرفته از این مردمان پست بلال
نبودی و نشنیدی که در همین کوچه
زمانه دست علی را چگونه بست بلال^(۳)
بخوان بلال که یاس کبود دل تنگ است
اذان بگو که اذان تو آسمان رنگ است
اذان بگو که بدانند بعد پیغمبر
نصیب آینه‌های خدانما، سنگ است
مرا ز گریه چرا منع می‌کنند، بپرس
که این چه رسم مسلمانی، این چه فرهنگ است^(۴)

متن مرثیه

بلال حبشی مؤذن مخصوص
پیغمبر ﷺ بود که بعد از شهادت حبیب
خدا گفت دیگر اذان نمی‌گویم؛ ولی روزی
به او خبر رسید که فاطمه زهرا علیها السلام فرموده:
خیلی دوست دارم بلال برایم اذان بگوید!
بلال با خود گفت: درست است که با خود
عهد بسته‌ام بالای مناره نرم و اذان نگویم؛
اما اکنون که دختر پیغمبر ﷺ تمایل
دارد اذان بگویم، وظیفه خودم می‌دانم
به احترام بی‌بی جان اذان بگویم.
وقتی بی‌بی دو عالم شنید بلال
قبول کرده، خوشحال شد. نزدیک ظهر

عطر بهشت خانه ختم پیمبران
ریحانه بهشتی باغ نبوتی
رمز ورود جنت الاعلاست نام تو
محبوبه‌ای که محرم اسرار جنتی
نقش نجابت و حیا بر روی چادرت
دردانه حقیقی دریای عقی
گنجینه‌دار آخرین فرزند بوتراب
مشکات جاودانه نور امامتی
با ذکر هر قنوت تو گل می‌کند دعا
بر «إشفعی لنا» ی ما مهر اجابتی
الگوی زن، متانت و آزادگی، حجاب
بنیانگذار مکتب حفظ ولایتی
زینب ز مکتب تو شد یک نهضت‌آفرین
آموخت از شکوه تو درس صلابتی
چشم امید ما همه بر توست روز حشر
تو بهترین شفیع روز قیامت^(۱)
پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «مَنْ آذَاهَا
فِي حَيَاتِي كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي وَمَنْ آذَاهَا
بَعْدَ مَوْتِي كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي»^(۲) هر کس
در زنده بودن من، فاطمه را اذیت کند،
گویا بعد از وفات من او را اذیت کرده و هر
کس بعد از وفاتم او را اذیت کند، مثل کسی
است که در زمان زنده بودنم او را اذیت
کرده باشد».

۱. شاعر: رقیه سعیدی (کیمیا).

۲. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، دارالکتاب، قم.

۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۹۶.

۵. شاعر: رقیه سعیدی (کیمیا).

۳. گمنام.

۴. شاعر: محمد جواد غفورزاده (شفق).

غنچه پیرگشت و گل از دست رفت و باغ سوخت
کرد حق باغبان گلچین فراموش، ای بلال^(۲)

گریز

بلال اذانش را قطع کرد. خانم بلال را
صدا زد و فرمود: اذانت را تمام کن! عرض
کرد: بی بی جان! اجازه دهید بقیه اذان
را نگویم. صدیقه کبری علیها السلام قبول فرمود؛
اما عاشقان حضرت زهرا! در مدینه وقتی
فاطمه زهرا علیها السلام نام پدرش را از بالای مناره
شنید، صدای ناله و گریه اش بلند شد؛
اما دل ها بسوزد برای نازدانه ای که وقتی
بهانه بابا را گرفت، ناگهان سربریده پدرش
را برایش آوردند. چگونه این دختر سه
ساله طاقت بیاورد؟ وقتی می بیند نه تنها
سر بابا بریده شده؛ بلکه دید پیشانی پدر
شکسته، لب ها کبود، موها سوخته... رقیه
چه کند؟! عمه سادات ببیند، نازدانه یک
طرف و سربریده هم یک طرف.^(۳)

فراق یار و سنگ اهل شام و خنده دشمن
من آخر کودکم؛ این بار سنگین است بردوشم^(۴)
حسین آرام جانم، حسین روح و روانم

برخاست، خودش را آماده کرد، وضو
گرفت، چادر نمازش را به سر کرد، گویا
فرمود: سجاده مرا رو به قبله بیندازید!
روی سجاده نشست، منتظر است، ناگهان
شنید، صدای بلال بلند شد: «فَلَمَّا قَالَ:
اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ دَكَّرَتْ أَبَاهَا وَأَيَّامَهُ» به یاد
پدر عزیز و زمان بابا افتاد، حالش دگرگون
شد، شروع به گریه و ناله کرد. تا بلال صدا
زد: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَلَمْ تَتَمَّالِكْ مِنَ
الْبُكَاءِ» صدای ناله خانم بیش تر شد:
«فَلَمَّا بَلَغَ إِلَى قَوْلِهِ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ
اللَّهِ» تا نام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر زبان جاری
کرد، الله اکبر! نوشتند: «شَهَقَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام
شَهَقَةً» جنان ناله جان سوزی زد که:
«سَقَطَتْ لَوْجُوهَا وَغُشِيَ عَلَيْهَا» با صورت
به زمین خورد و بی حال روی سجاده
افتاد، گویا فرزندانش دوان دوان به مسجد
رفتند و صدا زدند: بلال! دیگر اذان نگو که
بی مادر شدیم.^(۱)

نام گل بُردی و بُلبُل گشت خاموش، ای بلال
مادر مظلومه ما رفت از هوش، ای بلال
مادر ما بر اذانت گوش داد، اینک تو هم
بر صدای گریه زینب بده گوش، ای بلال

۲. شاعر: غلامرضا سازگار.

۳. کامل بهائی، عماد الدین حسن بن علی طبری،
موسسه طبع و نشر، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۱۷۹.

۴. شاعر: غلامرضا سازگار (میثم).

۱. سیرة الأئمة الاثني عشر، هاشم معروف الحسني،
المكتبة الحيدرية، بی جا، ۱۴۲۸ ق، ج ۱، ص

۱۰۹-۱۱۰.

مرثیه سوم

فرازهایی از زیارت: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ
أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ
بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَ
الْحُسَيْنِ سَيِّدَتِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ».^(۱)

شعر شروع

شگفت معجزه خلقتی تو بی تردید
زمان خلق تو حتی خدا به خود بالید
تو آمدی و شدی ترجمان خیر کثیر
جهان شبیه تو هرگز به خود نخواهد دید
شدی برای علی خلق یا به خاطر تو
خدا به کعبه ترک داد و طرح معجزه چید
خدا به دختر مردی که ابترش خواندند
مقام شامخ «امم الاثمة» را بخشید
برای شرح تمام فضایلت باید
به قدر وسعت دنیا قلم تدارک دید
علی است جان رسول و تو آن یگانه زنی
که در «مباهله» آمد به یاری خورشید
به غیر «امم ابی» بودنست جهانی دید
حدیث بضعه به شأن تو آمده است پدید
کسی از آیه تطهیر و آیه اطعام
به غیر شهد شکوه و صفات تو نچشید

۱. زیارت نامه حضرت زهرا (علیها السلام).

نداشت جای تحیر که آسیاب تو گاه
به امر ایزد و دست ملائکه چرخید
تو آمدی و زن از برکت ولادت تو
به جای زنده به گوری، به شور عشق رسید
نداشت عالم اگر گوهری شبیه تو را
بنای خلقت ما از اساس می‌لنگید^(۲)

پیغمبر ﷺ به امیرالمؤمنین (علیه السلام)
فرمود: «إِعْلَمْ يَا عَلِيُّ أُنِّي رَاضٍ عَمَّنْ
رَضِيتَ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَكَذَلِكَ رَبِّي وَ
مَلَائِكَتُهُ يَا عَلِيُّ وَيْلٌ لِمَنْ ظَلَمَهَا وَيْلٌ
لِمَنْ هَتَكَ حُرْمَتَهَا اللَّهُمَّ إِنِّي مِنْهُمْ بَرِيءٌ
وَهُمْ مِنِّي بُرَاءٌ»^(۳) علی جان! بدان که
من راضی می‌شوم از هر کسی که دخترم از
اوراضی باشد و خدا و ملائکه نیز راضی
می‌شوند از هر کسی که دخترم فاطمه از
اوراضی باشد. وای به حال کسی که به
فاطمه ظلم کند! وای به حال کسی که
حرمت فاطمه را بشکند! من از آن‌ها بیزارم
و آن‌ها نیز از من بیزارند».

شعر مرثیه

دشمن میان کوچه چو بگرفت بر تو راه
رویش سیاه باد کز او شد جهان سیاه
دستش بلند گشت نگویم دگر چه شد
ترسم که جان شود به تن انس و جان تباه

۲. شاعر: محمد جواد منوچهری.

۳. طرف من الأنباء والمناقب، سید بن طاووس، انتشارات

تاسوعاء، بی‌جا، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۱۶۹.

دستش بلند گشت، ولی در درون خاک از دل کشید ناله پیمبر که آه آه خورشید مات گشت، تو گویی که نیمروز در کوچه های شهر مدینه گرفته ماه گفتی که شب به خاک سپارد تو را علی تا بعد مرگ هم نکند بر رُخت نگاه^(۱)

متن مرثیه

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فاطمه جان! وقتی نزد خلیفه برو که کس دیگری پیش او نباشد، شاید بتوانی او را با دلیل و برهان قانع کنی. فدک حق توست و باید به تو برگردد! بی بی دو عالم همین کار را کرد؛ موقعی نزد خلیفه رفت که کس دیگری نبود و با دلیل و برهان محکم و مستدل ثابت کرد که فدک باید به ما برگردد. خلیفه پذیرفت: «قَالَ صَدَقْتَ، فَدَعَا بِكِتَابٍ فَكَتَبَهُ لَهَا بِرِدِّ فَدَكٍ» کاغذی گرفت، در آن نوشت زمین فدک از آن فاطمه است و باید به او برگردد. صدیقه اطهر علیها السلام نوشته را به دست گرفت و با امام حسن علیه السلام از مسجد بیرون آمد؛ اما ای کاش نمی آمد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «فَخَرَجَتْ وَالْكِتَابُ مَعَهَا فَلَقِيَهَا مَلْعُونٌ فَقَالَ لَهَا مَا هَذَا الْكِتَابُ الَّذِي مَعَكَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ»

همین که حضرت از مسجد خارج شد، یکی از سران فتنه جلوی حضرت را در کوچه گرفت و صدا زد: ای فاطمه! این چیست که در دست توست؟ حضرت فرمود: نوشته ای است که خلیفه امضا کرده، زمین فدک باید به من برگردد. پدرم به دستور خداوند این زمین را در اختیار من قرار داده است. گفتند: باید این نوشته را به ما نشان دهی. خانم امتناع کرد «فَانْتَرَعَهُ مِنْ يَدِهَا وَنَظَرَ فِيهِ ثُمَّ تَمَلَّ فِيهِ وَمَحَاهُ وَخَرَقَهُ» به زور کاغذ را از بانوی دو عالم گرفت، نوشته را خواند، بی حیا آب دهان در آن انداخت، کاغذ را پاره کرد و دور ریخت؛ اما ای کاش به همین مقدار اکتفا می کرد. نه والله! حضرت صادق علیه السلام می فرمایند دو جسارت دیگر کرد: جسارت اول این بود: «فَرَفَسَهَا بِرَحْلِهِ» چنان با پا به سینۀ مبارک حبیبۀ پیغمبر صلی الله علیه و آله زد؛ اما به این هم اکتفا نکرد «ثُمَّ لَطَمَهَا فَكَأَتِي أَنْظَرُ إِلَى قُرْطٍ فِي أُذُنِهَا حِينَ تَقِفْتُ» چنان سیلی به ناموس دهرزد که امام صادق علیه السلام می فرمایند: گویا می بینم که گوشواره از گوش مادرم افتاد.^(۲)

مرثیه چهارم

فرازهایی از زیارت: «السَّلَامُ عَلَيْكِ
 أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكِ
 أَيَّتُهَا الرِّضِيُّهُ الْمَرْصِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا
 الْفَاضِلَةُ الرَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْحَوَازِيَّةُ
 الْإِنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ،
 السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ،
 السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُظْلُومَةُ الْمُعْصُوبَةُ،
 السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُمَهْرُودَةُ».^(۴)

شعر شروع

شکر خدا که نوکر آل پیمبرم
 شکر خدا که شیعه زهرا و حیدرم
 شکر خدا که لطف شما شاملم شده
 شکر خدا که مست می جام کوثرم
 شکر خدا که ریشه من حیدری بود
 یعنی ز نسل پر ثمر و پاک قنبرم
 شکر خدا که مهر علی مُهر دل شده
 با این حساب زنده ترین قوم محشرم
 شکر خدا ز روز ازل با عنایتش
 در بحر پُر تموّج کوثر شناورم
 شکر خدا که گرچه تهیدست و مُفلسم
 اما ز مهر آل پیمبر توانگرم
 شکر خدا که با همه رُوسیا هی ام
 خدمت گزار حضرت زهرا ی اطهرم
 او مادری نمود و مرا انتخاب کرد
 شکر خدا که فاطمه گردیده مادرم

۴. زیارت نامه حضرت زهرا (علیها السلام).

آخر به داعیان صحبت خیرالبشر بگو
 چندین جفا به دختر خیرالبشر چرا
 گیرم که بود بغض علی در نهاد تو
 سیلی زدن به صورت زهرا دگر چرا^(۱)

گریز

اگر چنین جسارت هایی در مدینه به
 دختر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نمی کردند، کی در
 کربلا، روز عاشورا به عزیز زهرا (علیها السلام) جسارت
 می کردند؟ می دانید چه کردند؟ «فَصَاحَ
 الشِّمْرُ لَعَنَهُ اللَّهُ بِأَصْحَابِهِ فَقَالَ: مَا وَقُوفُكُمْ
 وَ مَاذَا تَنْتَظِرُونَ إِحْمِلُوا عَلَيْهِ، فَحَمَلُوا
 عَلَيْهِ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ، فَأَوْثَقْتُهُ الْجِرَاحُ
 بِالسُّيُوفِ، فَسَقَطَ الْحُسَيْنُ (علیه السلام) عَنْ فَرْسِهِ
 إِلَى الْأَرْضِ»^(۲) شمر رو به لشکر فریاد زد: چرا
 ایستاده اید؟ منتظر چه هستید؟ به حسین
 حمله کنید! از همه طرف به حضرت
 هجوم آوردند، آن قدر با شمشیر زدند که
 ارباب را زمین گیر کردند:

نه ذوالجناح دگر تاب استقامت داشت
 نه سیدالشهدا بر قتال طاقت داشت
 هوا ز جور مخالف چو قیرگون گردید
 عزیز فاطمه از اسب سرنگون گردید^(۳)

۱. شاعر: سید رضا مؤید.

۲. الفتوح، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۱۱۸؛
 مقتل الحسین (علیه السلام)، خوارزمی، انتشارات انوار

الهدی، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۳۵.

۳. شاعر: مقبل کاشانی.

هر مادری که حضرت زهرا نمی‌شود
هر بانویی که امّ ابیها نمی‌شود
ای بانویی که خلقت ما را سبب شدی
تو آمدی و امّ ابیها لقب شدی
تو آمدی که بنده پاک خدا شوی
تو آمدی و الگوی فضل و ادب شدی
تو سیب سرخ باغ بهشت ولایتی
روز ازل برای نبی منتخب شدی
در برخی از روایت ارباب معرفت
گاهی رطب شدی و گهی هم عنب شدی
نسلی که فاطمی نبود نسل ابتر است
ای برگزیده مژده که عالی‌نسب شدی
همواره در نماز شب خالصانه‌ات
از فیض بی‌نهایت حق لب به لب شدی
بی‌اعتنا به پای ورم کرده بوده‌ای
از بس که غرق طور مناجات رب شدی
ایثار تو ز بس که به عالم زبانزد است
ضرب‌المثل برای عجم تا عرب شدی
مصدق «یطعمون علی حبّه» تویی
بنیان‌گذار واسعه مستحب شدی
شام زفاف جامه نوه‌دیه داده‌ای
آری، گره ز کار دو عالم گشاده‌ای
نازل شدی و در دل شیعه حرم زدی
پرونده سیاه بشر را قلم زدی
هر شب برای اهل محل می‌کنی دعا
طرحی برای بخشش کل اُمم زدی
با عطر جان‌فزای بهشتی خنده‌ات
همواره طعنه بر گل باغ ارم زدی
شان نزول آیه تطهیر فاطمه است
نازل شدی و سوره کوثر رقم زدی

پرچم به دوش قافله دین حق تویی
بر قلّه عبادت عالم علم زدی
پشت و پناه حضرت خیرگشا شدی
همواره در مسیر ولایت قدم زدی
با ذوالفقار نطق و کلام حماسی‌ات
تیشه به ریشه شجر پُرستم زدی
فانوس نور حضرت حق بودی از ازل
تو آمدی و ظلمت شب را به هم زدی
اصل، اساس و پایه توحید، فاطمه است
مهتاب خانواده خورشید، فاطمه است^(۱)

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: نبی مکرم
در اواخر عمر شریفشان به انصار فرمودند:
«إِنَّ فَاطِمَةَ بَابُهَا بَابِي وَبَيْتُهَا بَيْتِي فَمَنْ
هَتَكَ فَقَدْ هَتَكَ حِجَابَ اللَّهِ قَالَ عِيسَى
فَبَكَى أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام طَوِيلًا وَقَطَعَ بَقِيَّةَ
كَأَمِّهِ وَأَكْثَرَ الْبُكَاءِ وَقَالَ: هُنِكَ وَاللَّهِ حِجَابُ
اللَّهِ هُنِكَ وَاللَّهِ حِجَابُ اللَّهِ هُنِكَ وَاللَّهِ حِجَابُ
اللَّهِ يَا أُمَّهُ، أُمَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا».^(۲)

شعر مرثیه

عجب به عهد رسول خدا وفا کردند
فزون ز حد توان بر علی جفا کردند
به جای لاله و گل بار هیزم آوردند
شاره هدیه به ناموس کبریا کردند
هزار مرتبه خشم خدا بر آن امت
که قصد سوختن خانه خدا کردند

۱. شاعر: محمد فردوسی.

۲. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۴۷۷.



به جای مزد رسالت زدند فاطمه را
نه از خدا نه ز پیغمبرش حیا کردند
غلاف تیغ گواهی دهد که سنگ دلان
چگونه فاطمه را از علی جدا کردند
چهار کودک معصوم در دل دشمن
به مادر و پدر از سوز دل دعا کردند
چه اتفاق عظیمی به پشت در رخ داد
چه شد که محسن شش ماهه را فدا کردند^(۱)

متن مرثیه

غاصبین خلافت حداقل سه بار به
درخانه امیرالمؤمنین علیه السلام هجوم آوردند:
بار اول امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به
دستور حبیب خدا، پیغمبر صلی الله علیه و آله قبل از
جمع آوری قرآن از خانه خارج نمی شوم.
آن ها برگشتند؛ بار دوم وقتی آمدند، زمانی
بود که تعداد کمی از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام
مثل سلمان و ابوذر و حتی زبیر در دفاع از
امام و خلافتش درخانه حضرت تحصّن
کرده بودند که غاصبین آمدند و تحصّن را
شکستند. گویا فاطمه زهرا علیها السلام به سلمان
و ابوذر و بقیه فرمودند: شما وظیفه خود
را انجام دادید، لذا تحصّن شکسته شد؛
اما نانجیب ها یکبار دیگر ریختند درخانه
اهل بیت علیهم السلام؛ ولی این بار غیر از علی و
فاطمه و بچه ها علیهم السلام کسی در خانه نبود.^(۲)

سخت ترین هجوم همین هجوم
سوم بود؛ زیرا تمام بی حرمتی ها این بار
اتفاق افتاد؛ هم در خانه را آتش زدند
«ثُمَّ دَعَا بِالنَّارِ فَأَصْرَمَهَا فِي الْبَابِ فَأَحْرَقَ
الْبَابَ»^(۳) گفتند: آتش بیاورید. هیزم
آوردند و در را سوزاندند که هم پهلوی دختر
پیغمبر صلی الله علیه و آله را بین در و دیوار شکستند: «و
كَسَرَ جَنْبَهُ»^(۴) هم به حبیبه پیغمبر صلی الله علیه و آله
سیلی زدند: «فَصَفَقْتُ صَفَقَةً عَلَى خَدَيْهَا
مِنْ ظَاهِرِ الْخِمَارِ فَأَنْقَطَعَ قُرْطُهَا وَتَنَاسَرَتْ
إِلَى الْأَرْضِ»^(۵) یکی از سران فتنه می گوید:
از روی مقنعه چنان سیلی به صورت فاطمه
زدم که گوشواره در گوش او شکست و
روی زمین پرت شد. الله اکبر! به این هم
بسند نه کردند: «أَنَّهُ ضَرَبَهَا بِالسَّوْطِ فَصَارَ
فِي عَضْدِهَا كَالْدُمْلُجِ وَبَقِيَ أَثَرُهُ إِلَى أَنْ
مَاتَتْ»^(۶) با تازیانه چنان به بازویش زدند
که دور بازو پیچید و مثل بازوبند آثارش

۳. کتاب سلیم، سلیم بن قیس هلالی، دارالارشاد
الاسلامی، بیروت، ۱۴۱۴ هجری قمری، ج ۲، ص
۸۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۲۹۹.

۴. الأمالی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)،
نشر کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۱۴.

۵. بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۲۹۴.

۶. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، انتشارات
کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق، چاپ
اول، ج ۲، ص ۶۰.

۱. شاعر: غلامرضا سازگار.

۲. طرف من الانباء والمناقب، ص ۱۴۶.

جسارت‌ها، با سم اسب بریدن مبارک
جگرگوشه پیغمبر ﷺ تاختند.

تا که دیدم بدنت زیر سم اسبان رفت
گفتم آیم به کنار بدنت زار شوم
که به پشت سر تو که به لب می‌زند او
کاش آیم که دمی از تو نگهدار شوم^(۴)

مرثیه پنجم

فرازهایی از زیارت: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
الْبَتُولِ الطَّاهِرَةِ الصِّدِّيقَةِ الْمُعْصُومَةِ
التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيِّةِ الْمُضِيَّةِ الرَّكْبَةِ
الرَّشِيدَةِ الْمُظْلُومَةِ الْمُقْهُورَةِ، الْمُغْصُوبَةِ
حَقُّهَا، الْمَمْنُوعَةِ إِزْثُهَا، الْمَكْسُورَةِ ضَلْعُهَا،
الْمُظْلُومِ بَعْلُهَا، الْمُقْتُولِ وَلَدُهَا، فَاطِمَةَ
بِنْتِ رَسُولِكَ»^(۵).

شعر شروع

لطف زهرا در قیامت هم قیامت می‌کند
مهربانی‌هایش آنجا هم سرایت می‌کند
چون که آید در صف محشر نه تنها عاشقان
هر ملک بر ساحتش عرض ارادت می‌کند
شهد نام فاطمه چون از غسل شیرین تراست
هر که نامش را برد، حس حلاوت می‌کند
در میان موج و طوفان‌های دریای بلا
عاشقان را کشتی امنش هدایت می‌کند
عادتش احسان و کارش دم به دم باشد کرم

تا بعد از شهادت باقی ماند؛ اما باز هم
رها نکردند. ضربه‌ای به پهلوی دخت
پیغمبر ﷺ زدند که ناگهان فاطمه فریاد
زد: «يَا فَصَّةُ خُذْنِي! وَاللَّهِ قُتِلَ مَا فِي
أَحْشَائِي مِنْ حَمَلٍ»^(۱).

سوی فصه فرمود کای خادمه
بیا رفت از دست تو فاطمه
بیا فصه بانویت از دست رفت
بیا جانم از آتش کینه تفت^(۲)

گریز

دشمنانی که در مدینه این همه به
دختر پیغمبر ﷺ جسارت کردند، اتباع
و اذناشان در کربلا جسارت‌های بیش‌تری
به اباعبدالله ﷺ روا داشتند. امام باقر ﷺ
می‌فرماید: «لَقَدْ قُتِلَ بِالسَّيْفِ وَالسِّنَانِ
وَالْحِجَارَةِ وَالْخَشَبِ وَالْعَصَا وَلَقَدْ
أَوْطَأُوهُ الْخَيْلَ بَعْدَ ذَلِكَ»^(۳) همانا عده‌ای
با شمشیر زدند، برخی نیزه زدند، گروهی
با سنگ زدند، بعضی با چوب و عصا
زدند؛ ولی به این هم اکتفا نکردند،
حضرت باقر ﷺ فرمود: بعد از تمام این

۱. طرف من الأنبياء والمناقب، ص ۳۹۴.

۲. شاعر: محمد آزادگان.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۹۱؛ الأصول الستة عشر،

عده‌ای از علما، دار الشبستري، قم، چاپ اول،

۱۳۶۳ ش، ص ۱۲۲.

۴. شاعر: جعفر ابوالفتحی.

۵. زیارت‌نامه حضرت زهرا ﷺ.

است و هرکس که تورا خشمگین کند، مرا خشمگین کرده و هرکس که تورا خوشحال کند، مرا خوشحال کرده و هرکس که به تو نیکی کند، به من نیکی کرده است.

شعر مرثیه

صدای گریه می‌آید، صدای حیدر است امشب
فراق حضرت زهرا علیها السلام فراق همسراست امشب
شده تنها علی و زانوی غم در بغل دارد
بگو بر بچه‌های او فراق مادر است امشب
درون خانه حیدر کناری بستر مادر
شب تنهایی و هجران، وداع آخراست امشب
حسن بالای سرنالان، حسین پایین پاگریان
نوای دختری کوچک، نوایی دیگر است امشب
به بیت فاطمه گویا شده غوغا و واویلا
شب تنهایی زینب، شبیرو شب‌راست امشب
صدای بچه‌ها آید به روی پیکر زهرا
برون از بستر مادر، دودست اطهر است امشب
ندا آید علی برگیر فرزندان خود زیرا
ازین غم عرش حقه‌گریان، ز داغ کوثر است امشب
بلی عرش خدا گریان، زمین و آسمان نالان
به جنت گریه بر چشم رسول اطهر است امشب^(۳)

متن مرثیه

صدیقۀ کبری به امیرالمؤمنین علیه السلام

وصیت کرد: علی جان! مرا شبانه غسل
بده! شبانه کفن کن و شبانه مرا به خاک
بسپار؛ اما جایی دفنم کن که کسی

۳. شاعر: سید محمود علائی.

خیر و خوبی را به عشاقش عنایت می‌کند
او محبان علی را می‌خرد روز جزا
خوش به حالش هر که بامولارفاقت می‌کند
در سؤال و پرسش تاریکی قیرم فقط
گفتن یک ذکر یا زهرا کفایت می‌کند
از تمام گریه‌کن‌های حسینش بی‌درنگ
در صف طولانی محشر عیادت می‌کند
مثل آن مرغی که چینه دانه از روی زمین
نوکران را یک به یک زهرا شفاعت می‌کند^(۱)

«دَخَلْتُ فَاطِمَةَ علیها السلام عَلَى رَسُولِ
اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ هُوَ فِي سَكَرَاتِ الْمَوْتِ،
فَانْكَبَتْ عَلَيْهِ تَبْكِي فَفَتَحَ عَيْنَهُ وَ أَفَاقَ
ثُمَّ قَالَ: يَا بَنِيَّةُ! أَنْتِ الْمُظْلُومَةُ بَعْدِي وَ
أَنْتِ الْمُسْتَضْعَفَةُ بَعْدِي، فَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ
آذَانِي وَ مَنْ غَاظَكَ فَقَدْ غَاظَنِي وَ مَنْ
سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ بَرَّكَ فَقَدْ بَرَّنِي»^(۲)
فاطمه زهرا علیها السلام در آخرین لحظات عمر
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کنار بستر پدر آمد و در حالی
که گریه می‌کرد، خود را روی پدر انداخت.
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمانش را باز کرد، فرمود:
دخترم! به تو بعد از من ظلم می‌شود. هر
کسی که تورا اذیت کند، مرا اذیت کرده

۱. شاعر: مرتضی عابدینی.

۲. طرف من الأنبياء و المناقب، ص ۵۲۱؛ كشف الغمة
فی معرفة الأئمة، علی بن عیسی الإربلی، مكتبة
هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق، چاپ اول، ۱۳۸۱ق، ج ۱،
ص ۴۹۷.

ارْفَعُهَا عَنْهَا فَلَقَدْ أَبْكَيَا وَاللَّهِ مَلَايَكَةَ
السَّمَاوَاتِ؛^(۲) ناگهان منادی از آسمان
صدا زد: ای اباالحسن! بچه‌ها را از روی
سینه مادر بلند کن که فرشتگان آسمان‌ها
به گریه افتادند. بچه‌ها را با احترام بلند
کرد، بندهای کفن را بست و بدن مطهر
حبیب پیغمبر ﷺ را غریبانه و مظلومانه
دفن کردند.

گریز

یک جمله خطاب به امیرالمؤمنین ﷺ
عرضه بداریم: آقا جان! در مدینه وقتی
بچه‌های شما خودشان را روی سینه مادر
انداختند، منادی صدا زد: یا علی! بچه‌ها
را از روی سینه مادر بردار که فرشتگان
به گریه افتادند؛ اما در کربلا «إِنَّ شَكَيْنَةَ
اعْتَنَقَتْ جَسَدَ أَبِيهَا الْحُسَيْنِ فَاجْتَمَعَتْ
عِدَّةٌ مِنَ الْأَعْرَابِ حَتَّى جَرُّوْهَا عَنْهُ» وقتی
سکینه ﷺ خودش را روی بدن پاره پاره
بابا انداخت، دشمن به جای آن که با
مهربانی و عطف دختر را از بدن بابا جدا
کنند، او را کشیدند و با تازیانه از بدن بابا
جدا کردند. گویا سکینه صدا می‌زد: بابا!
بلند شو و ببین با ما چه می‌کنند؟

نداند.^(۱) طبق وصیت، امیرالمؤمنین ﷺ
شبانۀ بدن مطهر بی‌بی را غسل داد و کفن
کرد. فرمود: «فَلَمَّا هَمَمْتُ أَنْ أَعْقِدَ الرِّدَاءَ
نَادَيْتُ» همین که تصمیم گرفتم کفن را گره
بزنم، صدا زد: «يَا أُمَّ كُلُّوْهُ! يَا زَيْنَبُ! يَا
حَسَنُ! يَا حُسَيْنُ! هَلُمُّوْا تَزَوَّدُوا مِنْ أُمِّكُمْ»
بچه‌ها بیاید مادر را برای بار آخر ببینید که
زمان جدایی رسیده، دیدار شما به قیامت
افتاد: «فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَهُمَا
يُنَادِيَانِ وَاحْسَرَتَا؛ حَسَنٌ وَحُسَيْنٌ ﷺ»
آمدند، در حالی که صدا می‌زدند:
آه از این حسرت و اندوه! ای مادرا!
وقتی جدّمان، پیغمبر ﷺ را ملاقات
کردی، سلام ما را به او برسان و بگو بعد
از تو ما یتیم و بی‌مادر شدیم: «فَقَالَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ أَنَّهَا قَدْ
حَنَّتْ وَأَنْتَ وَمَدَّتْ يَدَيْهَا وَصَمَّتْهُمَا إِلَى
صَدْرِهَا مَلِيًّا» امیرالمؤمنین ﷺ می‌فرمایند:
خدا را شاهد می‌گیرم که فاطمه آه و ناله
کرد و دست‌های خود را دراز کرده، حسن و
حسین ﷺ را به سینه خود چسباند: «وَإِذَا
بَهَاتَفَ مِنَ السَّمَاءِ يُنَادِي: يَا أَبَا الْحَسَنِ!

۱. روضة الواعظین، ابن فتال نیشابوری، محمد فتال
نیشابوری، نشر رضی، قم، ۱۳۸۶ق، ج ۱، صص
۱۵۰-۱۵۱؛ الامالی، شیخ صدوق، تهران، کتابچی،
۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۰۹؛ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۷۹.



میراث فقاها و تتبع

«پررسی خدمات علمی، فرهنگی و تمدنی
آیه‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی رحمه الله»

امیرعلی حسنلو

مقدمه

آیه‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی رحمه الله (۱۰ اسفند ۱۳۰۶ ش - ۳۰ شهریور ۱۴۰۵ ش) از برجسته‌ترین فقیهان و مراجع تقلید معاصر بود که در خانواده‌ای علمی در قم چشم به جهان گشود. پدرش، آیه‌الله سید احمد شبیری زنجانی، از نزدیکان شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمه الله و از عالمان برجسته حوزه نوپای قم بود که سال‌ها امامت جماعت مدرسه فیضیه و حرم حضرت معصومه علیها السلام را برعهده داشت. وی پس از درگذشت پدر (۱۳۵۲ ش) این سنت خانوادگی را ادامه داد و سال‌ها امام جماعت نماز مغرب و عشا در حرم بود. او از همان دهه ۱۳۴۰ ش در دل شبکه‌ای از روحانیون نزدیک به

نهضت امام خمینی رحمه الله قرار داشت و در جوانی با امام موسی صدر و شهید آیه‌الله سید محمد بهشتی رحمه الله هم‌مباحثه بود و امام موسی صدر رحمه الله را نخستین هم‌مباحث و یکی از عوامل علاقه‌مندی‌اش به درس حوزوی معرفی می‌کرد. زیست علمی ایشان، مظهر پیوند سنت فقاها و کلاسیک با نهضت پژوهش و تتبع متن محور در حوزه معاصر است؛ چهره‌ای که کم‌تر در جلوه‌های رسانه‌ای حاضر می‌شد و بیش‌تر با اثر و شاگرد و کتاب بر صحنه فکری حوزه و جهان تشیع تأثیر می‌گذاشت. او در شامگاه ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ به دلیل عارضه ریوی بستری شد و بامداد ۳۰ شهریور، در سن ۹۹ سالگی به لقاء الله پیوست.

بازخوانی میراث علمی حضرت آیه الله شبیری زنجانی رحمۃ اللہ علیہ

سید موسی شبیری زنجانی، نامی است که در سپهر حوزه‌های علمیه، تداعی‌گر دقیق‌ترین روش‌های استنباطی و اصولی است. خدمات علمی ایشان را می‌توان در سه محور کلیدی دسته‌بندی کرد که هریک بازتاب‌دهنده تأثیری تمدنی بر ساختار دانش اسلامی است:

۱. احیاء و تبیین میراث رجال و حدیثی

یکی از بزرگ‌ترین خدمات تمدنی آیه الله شبیری رحمۃ اللہ علیہ بازسازی روش مند دانش «رجال» است. ایشان با رویکردی انتقادی و با بهره‌گیری از منابع کتاب‌شناسی غنی، توانستند میان «نقد سند» و «قرائن تاریخی» پیوندی ناگسستنی ایجاد کنند. اثر شاخص و کتاب ارزشمند «کتاب‌شناسی جامع» و نیز «جرعه‌ای از دریا» (مجموعه مقالات و یادداشت‌ها) نه تنها منابعی تخصصی برای پژوهشگران؛ بلکه الگویی برای نحوه مواجهه با متون کهن اسلامی به حساب می‌آیند. ایشان در این آثار، با زدودن غبار از چهره بسیاری از گزارش‌های تاریخی و رجالی، راه را برای فهم دقیق‌تر سیره و روایات گشوده‌اند.

۲. فقه مقارن^(۱) و استنباط روش‌مند

ایشان در فقه، به روش سنتی و در عین حال، به شدت نوآور، در استدلال بوده با تکیه بر «فقه مقارن» در استنباط احکام، گامی بلند در جهت تقرب مذاهب و درک عمیق‌تر از بستر تاریخی صدور روایات برداشت و با تکیه بر منابع دست اول (از قبیل: کافی کلینی، التهذیب شیخ طوسی و مصادر معتبر عامه هم چون صحیح بخاری و الموطأ مالک)، در درس‌های خارج فقه خود، رویکردی تمدنی ارائه دادند که در آن، فقه از حالت انتزاعی خارج شده، با واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی عصر ائمه علیهم‌السلام پیوند می‌خورد.

۳. خدمات تمدنی، فرهنگی و تربیت نسل پرسش‌گرو و نخبه

خدمت اصلی ایشان به فرهنگ اسلامی، تنها در تألیفات خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در «مکتب‌پروری» ایشان نیز بوده است.

نقد و بازاندیشی: برخلاف رویه‌های سنتی که ممکن است به تکرار مکررات بپردازند، معظم‌له همواره بر «نقد

۱. مقایسه فقه شیعه با مذاهب اربعه اهل سنت را فقه مقارن گویند.

پیشینیان» تأکید داشتند. این روحیه علمی، زمینه‌ساز شکوفایی قوهٔ اجتهاد در شاگردان ایشان شده است. ایشان با ایجاد فضایی که در آن پرسشگری و تکیه بر منابع اولیهٔ اصل مباحثه، به غنای تمدن پژوهشی حوزهٔ قم یاری رسانده‌اند.

۴. سنت و تجدّد در ترازوی نقد

اگر بخواهیم در یک جمله خدمات ایشان را توصیف کنیم، باید بگوییم: «آیه الله شبیری زنجانى رحمه الله تیل ارتباطی میان سنت استوار استنباط شیعی و نیازهای پژوهشی سدهٔ پانزدهم هجری است.» ایشان با تکیه بر اسناد متقن و پرهیز از تحلیل‌های بی‌مبنا، به پژوهشگران آموخته‌اند که «تمدن اسلامی» نه در شعار؛ بلکه در «دقت در نقل» و «فهم صحیح میراث مکتوب» نهفته است.

۵. مکتب رجالی و نوآوری در روش‌شناسی اجتهادی

ایشان دروس حوزوی را از سال ۱۳۱۷ش در قم آغاز کرد و دورهٔ سطح را با سرعت به پایان رساند، سپس در درس سید صدرالدین صدر رحمه الله کم‌سن‌ترین شرکت‌کننده بود. در درس خارج فقه و اصول آیات عظام: بروجردی، خوئی و

محقق داماد حاضر شد و کتاب‌های: الغصب، الاجاره و الصلاة را از محضر آیه الله بروجردی رحمه الله آموخت. دو بار در سال‌های ۱۳۷۳ق و ۱۳۷۴ق به نجف سفر کرد و در درس‌های سید عبدالهادی شیرازی و سید محسن حکیم رحمه الله شرکت جست. هم‌چنین ۲۱ سال در درس خارج فقه آیه الله محقق داماد، در کنار امام موسی صدرو شهید بهشتی رحمه الله حضور یافت و یک دوره کامل درس خارج اصول او را نیز فراگرفت.

سهم ویژهٔ ایشان در علم رجال و فقه الحدیث، تحقیقی انتقادی است بر رجال نجاشی که با مقابلهٔ دقیق ۱۴ نسخهٔ خطی صورت گرفته و در سال ۱۴۱۶ق/۱۳۷۴ش از سوی انتشارات جامعهٔ مدرسین قم به چاپ رسید؛ کاری که نقطهٔ عطفی در احیای متون رجالی شیعه است و نشان داده که هیچ احیای فقهی بدون بازسازی زیرساخت رجالی و سندی ممکن نیست. در اصول فقه نیز دیدگاه «عدم حجّیت خبر واحد» و اعتقاد به انسداد باب علم، با تمسک به دیدگاه شیخ اعظم انصاری رحمه الله، از مبانی شاخص ایشان است و توجه ویژه به آرای آیات عظام سید محسن حکیم

وسید ابوالقاسم خوئی رحمۃ اللہ علیہ از ویژگی های منش علمی معظّم له بود.

ایشان در دهه ۱۳۴۰ش از استادان مدرسه حقّانی قم بود و پیش از ۴۰ سالگی و در زمان حیات استاد محقّق خود، تدریس خارج فقه را با «کتاب الحجّ» آغاز کرد؛ درسی که ۱۵ سال ادامه یافت. نکات اصولی را نیز در ضمن درس خارج فقه بیان می کرد. شیوه او بر تتبع گسترده در منابع و بررسی آرای فقهای پیشین استوار بود، چنان که آیه الله سبحانه حفظه از دوستان قدیم ایشان، پس از درگذشت او، معظّم له را یکی از ارکان حوزه و صاحب مبنا در رجال و فقه توصیف کردند.

۶. تربیت نخبگان؛ نهادسازی فقهی و احیای تراث فرهنگی شیعه

بیش از شش دهه تدریس مستمر فقه، اصول و رجال، مهم ترین خدمت آموزشی آیه الله شبیری زنجان رحمۃ اللہ علیہ به حوزه های علمیه بوده، شاگردانی پروراند که بسیاری از آنان امروز از مراجع، مدرسان برجسته و فقیهان مشهور حوزه های علمیه اند. از جمله: سید محمد شبیری، سید علی شبیری، سید محمد جواد شبیری، سید جعفر مرتضی عاملی، سید

احمد خمینی، رضا مختاری، حسینعلی سعدی، عبدالرحمن محمدی هیدجی، زین العابدین آقاجانلو، جواد جعفری و... این شبکه گسترده نشان می دهد که اثرگذاری ایشان بیش از آن که در کتاب باشد، در انسان سازی و تربیت فقیهان نسل های بعدی بوده است.

در بُعد نهادی، ایشان در سال ۱۳۸۰ش مدرسه فقهی امام محمد باقر علیه السلام را در قم تأسیس کردند. نهادی با دوره آموزشی ۱۲ ساله که هدف آن، مطالعات فقهی و پرورش فقیهان قوی بنیه اعلام شد. در اردیبهشت ۱۳۹۱ش نیز مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام با هدف احیای آثار پدر بزرگوارش، سید احمد شبیری زنجان رحمۃ اللہ علیہ و نشر آثار خود ایشان، تأسیس شد؛ مرکزی که در حوزه های فقه، اصول، رجال و فقه الحدیث فعالیت می کند و از کارهای برجسته آن، تدوین و تنظیم دروس خارج معظّم له و پاسخ گویی به استفتائات است. در عرصه فرهنگی و تراثی، اثر چهار جلدی «جرعه ای از دریا» جایگاهی ممتاز دارد که در سال های ۱۳۸۹-۱۳۹۸ش از سوی مؤسسه کتاب شناسی شیعه در قم منتشر شد. این کتاب مشتمل بر سه فصل

فارسی، عربی و طریقیات است. فصل طریقیات نکات علمی، تاریخی و اخلاقی را در مسیر خانه تا حرم بازگویی کند و شرح حال عالمان دین را ثبت کرده است.

تعلیقۀ ایشان بر کتاب «آشنای حق» شرح حال و آثار عرفانی آقا محمد بیدآبادی، عارف سده دوازدهم قمری نیز نشان‌گر توجه او به عرفان و میراث فارسی شیعی است. افزون بر این، ایشان به پشتوانۀ حافظۀ قوی و آشنایی عمیق با شرح حال علما، یکی از منابع زندۀ تاریخ شفاهی حوزه علمیه قم در سده گذشته بود و اهل تحقیق از روایات مستند معظّم له درباره تاریخ نهاد روحانیت، بهره‌های فراوان برده‌اند.

۷. نقش تمدّنی در پاسداشت هویت معرفتی و اعتدال‌گرایی دینی

از منظر تمدّنی، زیست عالمانۀ معظّم له نمونه‌ای از تلفیق فقاہت اصیل با اخلاق زیستی و سنّت‌های ناب حوزه است. ایشان در سال ۱۳۷۳ش و پس از درگذشت آیة‌الله العظمی اراکی رحمۃ‌الله علیہ، از سوی جامعۀ مدرسین حوزه علمیه قم در زمرۀ هفت فقیه جایز‌التقلید معرفی شد؛ اما سال‌ها از تن دادن به مرجعیت خودداری

کرد و تا سال ۱۳۷۷ش توضیح‌المسائل را منتشر ننمود. همین سادگی معیشتی، پرهیز از شهرت‌طلبی و سنّت دیرینه امامت جماعتی در حرم حضرت معصومه علیہا‌السلام ایشان را به الگویی از عالم دینی بدل کرد که اعتبار خود را از علم و تقوا گرفته‌اند، نه از مقام.

از آن‌رو که ورود افراطی طلاب به مسائل روزمرۀ سیاسی را موجب افت تحصیلی می‌دانست، بر اولویت تلمذ و ژرف‌کاوی علمی تأکید می‌کرد؛ رویکردی که با تصویر عالم متشرّع و متتبّع سازگار بود. میراث ایشان را می‌توان در سه محور خلاصه کرد: نخست، احیای متون رجالی و گسترش دقت تاریخی و سندی در فقه و اصول؛

دوم، تربیت نسلی از فقیهان و مدرسان که امروزه ستون‌های علمی حوزه‌های علمیه‌اند؛

سوم، نهادسازی پژوهشی و تراثی که پیوند نسل امروز با میراث فکری گذشته را تضمین می‌کند.

ایشان نشان دادند که خدمت تمدّنی به اسلام و تشیع لزوماً از مسیر تصدّی نمی‌گذرد؛ بلکه می‌تواند در قالب تربیت انسان، تصحیح متون و حفظ زنجیرۀ

فقاہت، اثر عمیق و ماندگاری بر هویت معرفتی و فرهنگی جامعه دینی بگذارد، چنان‌که دفتر ایشان در پی درگذشت معظم‌له از «پاسداشت کیان تشیع» و دل‌سوزی برای مردم به‌عنوان مضمون اصلی زیست آن مرجع یاد کرد.

برای نگارش متن جامع علمی و مستند درباره خدمات حضرت آیه‌الله العظمی شبیری زنجانی رحمۃ اللہ علیہ باید به ابعاد مختلف جایگاه ایشان، از جمله: روش‌شناسی فقهی، تسلط بی‌نظیر بر رجال و تراجم و نقش ایشان در حفظ میراث تمدنی تشیع پرداخت.

۸. سیرۀ اخلاقی و حفظ وقار مرجعیت

در فضای مدرن، حفظ «سیرۀ سلف صالح» توسط ایشان، به‌عنوان یک الگو برای حوزه‌های علمیه باقی مانده است. دوری از سیاست‌زدگی‌های روزمره و تمرکز بر «پروژه‌های علمی بلندمدت»، نشانگر نگاهی راهبردی به جایگاه روحانیت در حفظ کیان تشیع است.

اگرچه ایشان کم‌تر در فضای عمومی رسانه‌ای حضور داشتند؛ اما مدیریت و نظارت علمی بر پروژه‌های بزرگ (مانند دانش‌نامه‌های اسلامی)، از تأثیرات

غیرمستقیم ایشان است که با هدایت پژوهش‌های دقیق، زیربنای علمی بسیاری از اصلاحات فرهنگی در جامعه دینی را فراهم کرده‌اند.

سوابق و مواضع سیاسی آیه‌الله سید موسی شبیری زنجانی رحمۃ اللہ علیہ

ایشان بیش از آن‌که به فعالیت‌های سیاسی مستقیم یا بیانیه‌های روزانه شناخته شوند، به «فقاہت متصلّب»، «دقت در سیره»، «اعتبارسنجی سخت‌گیرانه رجال» و حفظ استقلال نهاد مرجعیت شهرت دارند.

بخش اول: سوابق مبارزاتی پیش از انقلاب

مشی آیه‌الله شبیری زنجانی رحمۃ اللہ علیہ در دوران پیش از انقلاب متمرکز بر حفظ استقلال و موجودیت حوزه و تدریس و حمایت از انقلاب و امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ همراه با مشی مبارزه فرهنگی نرم بود؛

۱. ارتباط با نهضت امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ: ایشان از یاران نزدیک امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ بودند و در دوران تبعید امام، از جمله کسانی بودند که با ایشان مکاتبه داشتند؛ با این حال، سبک مبارزاتی ایشان «مبارزه نرم و فرهنگی» بود.

برای فعالیت‌های علمی و فرهنگی نرم پیشروانه به نفع جریان انقلاب داشته باشد که در پیروزی انقلاب این روش‌ها از روش‌های دیگر کاری‌تر بوده و خود حضرت امام علیه السلام نیز به این شیوه برای بیداری جامعه و جوانان معتقد بوده است؛ چراکه انقلاب فرهنگی همیشه پیش رونده‌تر از انقلاب‌های مسلحانه است که بیش‌تر به شکست و خاموشی در نطفه منجر شده‌اند.

بخش دوم: دوران پس از انقلاب و حمایت جدی از نظام

پس از انقلاب اسلامی، آیه‌الله شبیری زنجانی علیه السلام همواره بر حمایت از اصل نظام تأکید داشته‌اند، و در دیدارهای علمای قم از امام علیه السلام نیز مکرر حضور داشته‌اند؛ افزون بر این مرحوم آیه‌الله سید احمد شبیری علیه السلام با امام خمینی علیه السلام رفاقت دیرینه و از دوستان بسیار صمیمی و نزدیک امام خمینی علیه السلام بودند آشنائی و شناخت خانوادگی و اعتماد و باور شناختی و اعتقادی به امام علیه السلام اینگونه اصالت دار بوده است؛ به‌گونه‌ای که امام در دوران حضور در قم، ارتباط عمیق و دوستانه نزدیکی با ایشان داشتند و

۲. **امضای بیانیه‌ها:** اگرچه ایشان در لیست امضاکنندگان بسیاری از بیانیه‌های حوزوی علیه رژیم پهلوی (از جمله در قضایای سال‌های ۴۱ و ۴۲) حضور داشتند در همه بیانیه‌های علیه نظام پهلوی امضاء داشته‌اند و ضمن اینکه دروس خود را به نشانه اعتراض و حمایت از امام تعطیل می‌نمودند و این خود دلیل و گواهی است که روش و راه امام و مبارزات انقلابی را کاملاً تأیید می‌نمودند،^(۱) اما رویکرد ایشان همواره معطوف به پرهیز از تندروی‌هایی بود که به زعم ایشان ممکن بود «کیان حوزه» را به خطر بیندازد.

۳. **پرهیز از سیاست‌زدگی افراطی:** اسناد ساواک که پس از انقلاب منتشر شد، نشان می‌دهد که دستگاه امنیتی رژیم پهلوی نیز آیه‌الله شبیری علیه السلام را فردی «علمی و غیرسیاسی» ارزیابی می‌کرد که اگرچه حامی امام علیه السلام است، اما دغدغه اصلی‌اش سیاست نیست؛ این نگاه باعث می‌شد تا ایشان فضای امن‌تری

۱. اسناد انقلاب اسلامی، سید حمید روحانی، مؤسسه فرهنگی هنری بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷ ه.ش، ج ۳، صفحات: ۱۱۰-۱۳۰-۱۴۰-۱۶۴-۲۳۶-۲۵۰-۲۷۴-۲۹۲-۲۹۹-۴۲۰-۴۴۷ و...

رابطه‌ای نزدیک داشت، پذیرای مسئولان بود و بر ملائمت با مردم، رعایت حقوق شهروندی و رسیدگی به معیشت ضعیفان تأکید می‌کرد. هدفش حفظ نظام و وحدت بود و در انتخابات بدون تشریفات شرکت می‌کرد.

۱. تأیید مشروعیت و ولایت فقیه

ایشان از حامیان نظریه ولایت فقیه و فقیه جامع‌الشرایط بوده‌اند و در دیدار با مسئولان نظام همواره بر خدمت به مردم به عنوان بزرگترین راه حفظ نظام تأکید کرده‌اند.

همواره از کلیت نظام و رهبری امام خمینی علیه السلام و رهبری معظم شهید علیه السلام حمایت جدی داشته و از مدیریت ایشان و شخصیت رهبری علیه السلام تقدیر و حمایت عملی و گفتاری داشته‌اند؛ علاقه مندی رهبری شهید علیه السلام به این بزرگوار براساس اظهارات در سخنرانی‌ها ^(۲) متقابلاً رهبری شهید علیه السلام نیز از ایشان مکرراً تکریم (از جمله

بسیاری از اوقات خود را با ایشان سپری می‌کردند؛ ^(۱) لذا امام به این بیت ارادت و اعتماد کامل داشت؛ برادر کوچک آیه الله شبیری، آیه الله سید جعفر شبیری ضمن اینکه از دوستان صمیمی رهبر شهید و معظم انقلاب علیه السلام هستند، در بین انقلابیون و عضو حزب مؤتلفه و هم سلک با شهید نواب صفوی بوده و در جلسات آن‌ها شرکت و پدرشان نیز این حضور و فعالیت‌ها را تأیید می‌کرده است؛ ایشان بعد از انقلاب برای همکاری در قوه قضائیه و امور اجرایی دعوت شده و تاکنون همکاری کرده‌اند؛ هم‌چنین برادرشان مرحوم سید ایراهیم شبیری نیز همکاری نزدیک در امور فرهنگی و اجرایی داشته است؛ بنابراین خاندان شبیری حامی این نظام و انقلاب و ولایت فقیه بوده و هستند.

مواضع مرحوم آیه الله شبیری زنجان رحمه الله پس از انقلاب

آیه الله شبیری زنجان رحمه الله حامی ولایت فقیه و نظام بود، با رهبری شهید علیه السلام

۱. جرعه‌ای از دریا، سید موسی شبیری زنجان، مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، ۱۳۹۸ ه. ش، ج ۱، صفحات ۵۰ تا ۵۵

۲. رک: سیمای پارسایان و قلّه‌های تهذیب، نوشته امیرعلی حسنلو زنجان، انتشارات آئینه خرد، ۱۳۹۹ ش. (درس‌فره زنجان «۲۱/۰۷/۱۳۸۲» از آیه الله شبیری رحمه الله و خاندان شبیری با ذکر مراتب علمی و خدمات مورد عنایت و توجه قرار داد).

جسمی در مجلس گرامی داشت رهبری نیز شرکت و ادای احترام نمود؛ اگرچه اکنون هردو بزرگوار در جوار رحمت الهی و اجداد طاهرنشان آرمیده‌اند.

۲. دیدارهای دیپلماتیک و دولتی

برخلاف برخی مراجع که به ندرت با مسئولان دیدار می‌کنند، ایشان پذیرای مسئولان نظام (از طیف‌های مختلف) هستند؛ این دیدارها همواره با سه محور اصلی همراه است:

۱. توصیه به پرهیز از تندی؛ ایشان همواره

مسئولان را به ملایمت با مردم و رعایت حقوق شهروندی توصیه کرده‌اند.

۲. دغدغه‌های اقتصادی؛ تأکید بر

رسیدگی به وضعیت معیشتی مردم، به ویژه اقشار ضعیف، از محورهای ثابت بیانات ایشان در دیدار با مسئولان بوده است.

تمام آن چه آیه الله شبیری رحمته الله مسئولین نظام را به حضور می‌پذیرفت و دیدار انجام می‌داد در مرحله اول هدفش حفظ این نظام بود که در رأس آن ولی فقیه باشد؛ همیشه تأکید بر حفظ وحدت میان مسئولین و حفظ تمامیت نظام و این کشور و کیان شیعی داشت

در سفر به استان زنجان) و به برجسته بودن مراتب علمی و جایگاه دینی ایشان تأکید و تقدیر می‌کرد. یکبار درباره شجره سیادت رهبری شهید رحمته الله صحبت و اکیداً مورد تأیید قرارداد و فرمود: ایشان شجره بسیار معتبری دارند که به امام سجاد علیه السلام می‌رسد.

رابطه نزدیک و بسیار صمیمی با رهبری معظم شهید رحمته الله و علاقه مندی رهبری شهید رحمته الله به ایشان روشن و برای همه محسوس بوده است؛ دیدارها و ارتباط‌های علمی و شرکت فرزندان ایشان در کلاس‌های درس این فقیه خصوصاً رهبری رشید آیه الله آقا مجتبی حفظه الله سال‌ها در دروس خارج ایشان شرکت می‌نمود این خود حاکی از رابطه گرم این بیت با رهبری و علاقه مندی رهبری شهید رحمته الله به آثار علمی ایشان و مجموعه جرعه‌ای از دریا که اخیراً یاد داشتی در مورد این اثر به مرحوم آیه الله شبیری ارسال فرموده بود شهادت رهبری رحمته الله و تشییع ایشان تقریباً مقارن با رحلت این فقیه پارسا نیز قابل تأمل است؛ ضمن اینکه آیه الله شبیری رحمته الله با وجود ضعف شدید

و ایران اسلامی را مرکز امید همه امت اسلام و پیروان و محبان اهل بیت (علیہ السلام) می دانست و در انتخابات بدون رسانه‌ای کردن و تشریفات خاص شرکت می نمود و این مشی معنوی و دوری از اشتهار و سیره و سلوک اجتماعی و سیاسی این فقیه وارسته بود.

بخش سوم: استقلال مرجعیت

مهم ترین بخش سوابق سیاسی ایشان، نه در حمایت های مستقیم، بلکه در «پایداری بر استقلال مرجعیت» نمود پیدا کرده است.

۱. موضع ایشان: پاسخ ایشان که در آن تأکید می کردند: «من با همه رفت و آمد دارم» نشان دهنده آن بود که مرجعیت ایشان فراتر از مرزبندی های حزبی است؛ این رویکرد به عنوان دفاع از «کرامت مرجعیت» تفسیر شد. آن مرجع الهی از این موقعیت دینی و ارتباطات یک هدف مهم داشت و آن همدلی و هم گرایی همه مسئولان مذهبی و سیاسی برای حفظ این کیان و این کشور علوی بود که برای تشکیل آن خون های پاک و تقدیم شده بود؛ با سیره سیاسی و رفتار

از شقاق به شدت نهی می نمود و غسل ها و زخم های سیاسی را با این دیدارها ترمیم می نمود و همیشه هدفش زدودن کدورت های سیاسی دنیایی بود؛ این دیدارها را برخی به سود خود یا گرایشات خاص تفسیر می نمودند و کنش های نامتعادل، اما آن بزرگوار مبنایی الهی داشت لذا هرگز با این رفتارها رنجیده نمی شد.

۲. نقد تندروی ها: ایشان در برهه هایی که افراط گرایی در بخش هایی از جامعه یا حاکمیت دیده شده، به طور غیرمستقیم و گاهی صریح، نسبت به «هتک حرمت اشخاص» و «سیاسی کاری در دین» هشدار می داده اند و این رفتارها را آسیب زا به جامعه دینی و سپس به ضرر کلیت نظام می دانست و این بهترین وجه حمایت از جمهوری اسلامی و حکومت ولایی بود که درک دقیق این سلوک سیاسی این بزرگوار دقت نظر و آگاهی بسیار بالا و علم مرقی می خواهد.

بخش چهارم: رویکرد فقهی-سیاسی (تحلیل محتوایی)

اگر بخواهیم منظومه فکری ایشان را تحلیل کنیم، به نکات زیر می رسیم:

۱. تقدم «حفظ دین» بر «حفظ حکومت»:

چنین برداشت می‌شود از مواضع و نظرات ایشان که معتقد بودند اگر عملکردها طوری باشد که مردم نسبت به اصل دین بدبین شوند، بزرگ‌ترین آسیب به نظام و حکومت وارد شده است؛ چون حکومت دینی و دین اساس جمهوری اسلامی و پایه‌های حکومت بر دین استوار است؛ ولایت فقیه بر مبنای دینداری عمیق جامعه هست؛ لذا باید ازدینداری مردم و دین مردم بیش‌تر مراقبت نمود تا نظام پا برجا بماند.

۲. سیاست «سکوت فعال»: ایشان بر

این باور بودند که مرجع تقلید نباید درگیر دعوای سیاسی خرد شود، زیرا مرجعیت باید «پناهگاه تمام مردم» (ازهر جناح) باقی بماند؛ در این صورت است که مردم از نظام حمایت و تابع فرامین حکومت خواهند بود.

نتیجه‌گیری

آیه‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی رحمته‌الله در منظومه سیاسی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک مرجع

سنتی با نگاه عالمانه خدا محوره همه قضایا شناخته می‌شود؛ سوابق ایشان نشان‌دهنده انقلابی بودن وفاداری به اصل انقلاب و نظام است و حمایت استوار منطقی از نظام بدون رسانه‌ای کردن (نمونه درانتخابات شرکت داشته بدون رسانه‌ای شدن)، اما در عین حال، «استقلال نهاد مرجعیت» خط قرمزی است که ایشان در هیچ شرایطی حاضر به عبور از آن نبوده است؛

آیه‌الله العظمی شبیری زنجانی رحمته‌الله نمونه بارز یک عالم «ترازمدنی» است که عمر خود را نه در راه حواشی سیاسی؛ بلکه در راه حفظ «اصالت متن» و «دقت در تاریخ» صرف کرد. خدمات ایشان ضامن علمی بقای هویت شیعی در برابر شبهات و تغییرات نسلی است که جا دارد مورد توجه و بازخوانی نسل جدید طلاب و روحانیون قرار گیرد.^(۱)

روحش شاد و یادش گرامی باد!

۱. برگرفته از کتاب‌های: مجموعه زنجان‌شناسی، گذری بر تاریخ زنجان، حسن حسینعلی، انتشارات دانش، ۱۳۸۸ ش. سیمای پارسایان و قلّه‌های تهذیب، نوشته امیرعلی حسنلو زنجانی، انتشارات آئینه خرد، ۱۳۹۹ ش.



آشنایی با کتاب

«نگاهی به زندگانی، فضائل و سیره حضرت فاطمه (علیها السلام)»

نوشته: آیه الله سید احمد خاتمی

مهدی آقابابایی

اشاره

یک «الگوی بی بدیل سبک زندگی» برای تمام اعصار و نسل‌ها معرفی کند. این اثر جامع، درسه بخش اصلی و چندین فصل تفصیلی تدوین یافته است و خواننده را در یک سیر منطقی، از شناخت فضائل قرآنی و روایی تا سیره عملی و در نهایت حماسه دفاع از حریم ولایت، با خود همراه می‌سازد.

ساختار و سیر محتوایی کتاب

محتوای کتاب درسه بخش اصلی تدوین شده است:

بخش اول: درخشش فضائل در آینه وحی و روایات

کتاب با مبنایی ترین نقطه، یعنی جایگاه حضرت زهرا (علیها السلام) در قرآن کریم آغاز می‌شود. نویسنده با دقت نظر،

کتاب «نگاهی به زندگانی، فضائل و سیره حضرت فاطمه (علیها السلام)»^(۱) اثری است ژرف، مستند و تحلیلی به قلم خطیب و عالم برجسته، آیه الله سید احمد خاتمی که از طریق سازمان اوقاف و امور خیریه منتشر شده است. این کتاب تلاش دارد تا با عبور از نگاه‌های صرفاً تاریخی و سوگوارانه، شخصیتی زنده، پویا و کاربردی از حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) به مخاطب ارائه دهد. این اثر ابعاد ملکوتی و ملک‌ی (زمینی) دخت گرامی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را به تصویر کشیده تا ایشان را نه تنها به عنوان یک قدیسه آسمانی، بلکه به عنوان

۱. نگاهی به زندگانی، فضائل و سیره حضرت فاطمه (علیها السلام)، سید احمد خاتمی، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، قم، ۱۳۹۲.

آیاتِ نظیر آیهٔ مباحله^(۱)، آیهٔ ایثار^(۲)، آیهٔ تطهیر^(۳)، آیهٔ مودت^(۴) و سورهٔ مبارکه کوثر را مورد واکاوی قرار داده و نشان می‌دهد که چگونه خداوند متعال در کلام وحی، بر طهارت، عصمت و جایگاه بی‌نظیر این بانوی بزرگوار مهر تأیید زده است. در فصل روایات، با استناد به منابع معتبر شیعه و اهل سنت، به تبیین محبت فراتر از عاطفهٔ پدری رسول خدا ﷺ به فاطمه علیها السلام پرداخته و اثبات می‌کند که بوسه‌های پیامبر بر دستان و پیشانی فاطمه، برخاسته از یک حقیقت الهی و بوی بهشتی نهفته در وجود او بوده است. هم‌چنین واکاوی «عصمت فاطمی» از رهگذر احادیثی که غضب و سرور فاطمه را معادل غضب و سرور خدا می‌دانند، از دیگر مباحث درخشان این بخش است.

بخش دوم: از طلوع نور تا پیوند آسمانی

این بخش که یکی از جذاب‌ترین و کاربردی‌ترین فصول کتاب است، از پیش‌درآمد ولادت و روزهای سخت محاصره در شعب ابی‌طالب آغاز می‌شود.

نویسنده به دقت اسامی مقدس ایشان نظیر فاطمه، بتول، طاهره، محدثه، زهرا، راضیه و مرضیه را ریشه‌یابی و تفسیر کلامی می‌کند. اوج هنر نویسنده در این بخش، ترسیم تابلوی شکوهمند «ازدواج فاطمی» است. کتاب با رویکردی انتقادی به رسوم غلط جامعهٔ امروز، نشان می‌دهد که چگونه پیامبر اکرم ﷺ خواستگاران ثروتمندی چون عبدالرحمن بن عوف و صاحبان نفوذی چون ابوبکر و عمر را رد کردند تا ارزش‌های مادی در تشکیل خانوادهٔ اسلامی رنگ ببازد. خطبهٔ عقد در مسجد، تعیین مهریهٔ ساده (مهرالسنه) از محل فروش زره علی‌السلام، جهیزیهٔ بیست‌تکه‌ای و بسیار ساده که اشک شوق پیامبر را جاری ساخت و تقسیم کار عادلانهٔ درون منزل، همگی درس‌هایی است که نویسنده برای خانواده‌های جوان امروزی استخراج می‌کند. تربیت فرزندانی چون حسن، حسین و زینب علیهم‌السلام در مکتبی خدامحور، پایان‌بخش این مقطع از کتاب است.

بخش سوم: در اندوه فراق؛ حماسهٔ مقاومت و شهادت

در بخش پایانی، کتاب به روزهای پرتالهاب پس از رحلت پیامبر اعظم ﷺ می‌پردازد. حضرت زهرا علیها السلام در این مقطع،

۱. آل عمران / ۶۱.

۲. دهر / ۸ و ۹.

۳. احزاب / ۳۳.

۴. شوری / ۲۳.

از دواج جوانان را بازگشت به سیره فاطمی می‌داند. وقتی از تربیت فرزند سخن می‌گوید، اصول تربیت دینی از کودکی و تکریم شخصیت فرزندان را برجسته می‌سازد.

۲. استناد محکم و نگاه تقریبی

نویسنده در اثبات مقامات حضرت زهرا (علیها السلام)، هوشمندانه از کتب معتبر اهل سنت نظیر بنایع الموده، ذخائر العقبی و تفاسیر فخر رازی و زمخشری بهره برده است. این رویکرد، کتاب را از یک اثر درون مذهبی به اثری مستدل و قابل ارائه به تمامی جهان اسلام تبدیل کرده است.

۳. دفع شبهات با سلاح منطق و تاریخ

کتاب در بخش‌هایی مانند تعیین سال دقیق ولادت حضرت زهرا (علیها السلام)، با رویکردی علمی، ادعای ولادت پیش از بعثت را رد کرده و با استنادات تاریخی و عقلی ثابت می‌کند که ایشان در سال پنجم (یا دوم) بعثت دیده به جهان گشوده‌اند. هم‌چنین شبهاتی نظیر چرایی اذن ولی در ازدواج دختران، با استناد به سیره و روایات، به عنوان یک تدبیر حمایتی تبیین شده است.

۴. جمع میان صبغهٔ ملکی و ملکوتی

مؤلف محترم با ظرافت بیان می‌کند که نباید حضرت زهرا (علیها السلام) را تنها یک

از یک بانوی خانه‌دار و عابدۀ محراب، به یک استراتژیست بزرگ سیاسی و اولین شهیده و مدافع حریم ولایت تبدیل می‌شود. نویسنده با تحلیلی دقیق بر ماجرای فدک، اثبات می‌کند که دادخواهی فاطمه (علیها السلام) نه برای یک قطعه زمین خاکی، بلکه قیامی برای بازپس‌گیری حقانیت غصب‌شدهٔ امامت و ولایت بود. خطبه‌های غرا، گریه‌های هدفمند، و در نهایت وصیت‌های سیاسی ایشان برای تشیع و تدفین شبانه و مخفیانه، به عنوان آخرین ضربات بیدارگرانه بر پیکرۀ جامعۀ خفتهٔ آن روزگار، با قلمی ادیبانه و مستند تشریح شده است.

ویژگی‌های برجسته و متمایزکنندهٔ کتاب

ویژگی‌هایی که این کتاب را از دیگر کتب مشابه آن، متمایز ساخته عبارتند از:
۱. استخراج الگوهای کاربردی برای زیست مؤمنانه

این اثر تنها به ذکر مصائب و مناقب بسنده نمی‌کند، بلکه به صورت مداوم در حال پُل زدن میان تاریخ و امروز است. وقتی از مهریه و جهیزیه سخن می‌گوید، به آسیب‌شناسی تجمل‌گرایی و چشم‌وهم‌چشمی‌های عصر حاضر می‌پردازد و راه برون‌رفت از بحران تأخیر در

موجود ماورائی و دست نیافتنی دید که نتوان از او الگو گرفت، و از سوی دیگر نباید منکر مقامات غیبی ایشان نظیر تکلم در شکم مادر با حضرت خدیجه علیها السلام یا نزول مائده های آسمانی شد. این اعتدال در نگاه، درک شخصیت آن حضرت را برای مخاطب ملموس تر می سازد.

برشی تأثیرگذار از متن کتاب

نویسنده کتاب در تشریح اوج ایثار و توجه به مستمندان، واقعه شب عروسی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را این گونه با لطافت و تحلیل تربیتی روایت می کند: «رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، پیراهن نوبرای شب عروسی دختر خود فاطمه خریداری و تهیه کرد و پیش از آن فاطمه پیراهن وصله دار به تن می کرد. در همان شب حضرت زهرا علیها السلام صدای ناله سائلی را بردر خانه شنید که از برهنگی خودش شکایت داشت... هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام صدای او را شنید بلافاصله پیراهن شب عروسی که بهترین پیراهن او بود را به فقیر داد... در این قطعه از تاریخ درس های بسیاری وجود دارد؛ درس اول این است که حتی در شب عروسی که نزد بعضی ها کم تر از پادشاهی نیست و مست شادی می شوند و از همه چیز غافل اند، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام، کمک به فقیر

را در نظر دارد... درس دوم مراسم عروسی این است که در فرهنگ برخی، اتفاق این گونه است که چیزی که نیاز دارند و کهنه هست را به فقیر می دهند، در حالی که فرهنگ اسلام غیر از این است... با این نگاه به اتفاق، به این اصل قرآنی می رسیم که باید در اتفاق بهترین را اتفاق کرد...»^(۱)

آیه الله سید احمد خاتمی در تبیین قطعی بودن مسأله شهادت حضرت زهرا علیها السلام و هم چنین در توصیف سوزناک آخرین لحظات وداع و تدفین شبانه، چنین می نویسد: «حادثه دیگری که نمی توان آن را پوشیده گذاشت، هجوم به خانه وحی است. هجومی که سرانجام آن شهادت فاطمه علیها السلام بود. اگر برخی در نشریاتشان نمی نوشتند افسانه شهادت حضرت زهرا علیها السلام، ما اصرار نداشتیم وارد این بحث بشویم ولی وقتی کسانی در این نکته می دمند که مسأله شهادت حضرت زهرا علیها السلام را افسانه بیان کنند ما باید بگوییم که شهادت واقعی است که اتفاق افتاده است. حدود سی نفر از بزرگان اهل سنت، تصریح به جریان هجوم دارند... حضرت زهرا علیها السلام این دوره سخت را عزتمندانه

۱. نگاهی به زندگانی، فضائل و سیره حضرت فاطمه علیها السلام، ص ۹۷-۹۸.

گذرانند و سرانجام با تحمل سختی‌های بسیار جان خود را در این راه داد.^(۱)

نویسنده در ادامه، تلخ‌ترین لحظات تاریخ را در شب غسل و تدفین این‌گونه به تصویر می‌کشد:

«تصویر مراسم آن شب سخت است و زبان عاجز از بیان است. اگر از امیرالمومنین (علیه السلام) پرسید که سخت‌ترین شب‌های عمر شما چه شبی بود، بی‌تردید می‌گوید: شب دفن فاطمه (علیه السلام) ... آخرین لحظات بود و امیرالمومنین (علیه السلام) می‌خواست بندهای کفن فاطمه (علیه السلام) را ببندد. فرمود: «يَا زَيْنَبُ يَا سَكِينَةَ يَا فَضَّةُ يَا حَسَنُ يَا حُسَيْنُ هَلُمُّوا فَتَزَوَّدُوا مِنْ أَمِّكُمْ فَهَذَا الْفِرَاقُ، وَاللِّقَاءُ الْجَنَّةِ». ای زینب، ای سکینه، ای فضه، ای حسن، ای حسین بیایید و از مادرتان برای آخرین بار توشه بگیرید که دیدار بعدی در بهشت خواهد بود. تا این جمله را فرمود: حسن و حسین (علیه السلام) آمدند در حالی که ناله می‌زدند... مولا خود فرمود: که «إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ أَنَّهَا قَدْ حَنَّتْ وَأَنْتَ، وَمَدَّتْ يَدَيْهَا، وَصَمَّتْهُمَا إِلَى صَدْرِهَا مَلِيًّا»؛ من خدا را گواه می‌گیرم که فاطمه در این حال ناله‌ای کرد و دست‌های خودش را باز کرد و آن دورا مدتی طولانی بر سینه

چسباند. در این هنگام هاتفی از آسمان صدا کرد که ای علی جان این دورا از روی سینه فاطمه (علیه السلام) بردار! به خدا سوگند فرشتگان آسمان‌ها به گریه آمدند.^(۲)

جمع‌بندی

کتاب «نگاهی به زندگانی، فضائل و سیره حضرت فاطمه (علیه السلام)» یک دعوت‌نامه روشن برای بازگشت به ناب‌ترین ارزش‌های انسانی و الهی است. این اثر به ما می‌آموزد که چگونه می‌توان در اوج سادگی و فقر ظاهری، پادشاهی معنا کرد؛ چگونه می‌توان یک همسر مهربان و مادری دلسوز بود، اما در بزنگاه‌های تاریخی، مردانه‌ترین دفاع‌ها را از حق و حقیقت به ثبت رساند. مطالعه این کتاب دلنشین و آگاهی‌بخش، نه تنها برای طلاب، دانشجویان و پژوهشگران تاریخ اسلام، بلکه برای تمامی خانواده‌ها، جوانان در آستانه ازدواج و هر انسان آزاداندیشی که در پی یافتن یک لنگرگاه آرامش و یک الگوی بی‌نقص در طوفان‌های عصر مدرنیته است، یک ضرورت و یک تجربه معنوی بی‌نظیر خواهد بود. این کتاب، آینه‌ای است که با نگرستن در آن، می‌توان راه آسمان را از میان‌کوچه‌های خاکی زمین پیدا کرد.



خاطرات کودکان بهشتی (۴)

با همکاری کارگروه «گروه‌های تبلیغی» قرارگاه بلاغ مبین

رمضان‌علی کلاته - میثم گمنام

اشاره

می‌کرد؛ وزهره‌ای که در کوچه‌های خاکی،
حریم نامش را تا عرش می‌کشید؛ و علی
که در سادگی «یک فقیر دیگر»، دست
نیازمندان را به سفره کرامت می‌بست؛ و
آرینا که در کنار برادر، انسِ سفر رضوی را به
میراث گذاشت. باشد که قلم، امانت‌دار
این سجاده‌های کوچک و حیا‌های بزرگ
باشد.

مقدمه

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلًا وَإِنَّ
اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^(۱) و کسانی که برای [به
دست آوردن خشنودی] ما [با جان و مال]
کوشیدند، بی‌تردید آنان را به راه‌های خود

چهارمین دفتر از خاطرات فرشتگان
مدرسه «شجره طیبه» میناب،^(۲) روایت
کودکانی است که با قامتی کوچک،
حریم‌های الهی را پاس داشتند و معلّمی
که در سایه حیا، نامش را از نگاه نامحرمان
پنهان کرد. در شماره‌های پیشین، از پسران
شربت‌نوشیده و دخترانِ رقیه‌وار و معلّمانِ
قرآنی گفتیم؛ اینک نوبت به زهرای
کوچکی رسیده که پیش از تکلیف، ذکر
بانوی دو عالم را با انگشتانش زمزمه

۱. در روز شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴ مطابق با ۲۸ فوریه ۲۰۲۶،
در اولین ساعات آغاز جنگ تحمیلی، ساعت
۱۰:۴۵ موشک‌های آمریکایی-اسرائیلی، مدرسه
ابتدایی «شجره طیبه» در شهرستان میناب (استان
هرمزگان) را هدف قرار داد.

۲. عنکبوت ۶۹.

سال‌هاست که با ملکوتِ عبادت آشناست.

شرح واقعه

زهرای بهروزی، دانش‌آموزِ کوچک مدرسهٔ شجره طیبه، هنوز جشنِ تکلیفش را نگرفته بود، اما دلش، زودتر از هر قانونی، به عبادتِ گره خورده بود. او خودش یاد گرفته بود که تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) را با انگشتانِ کوچک و ظریفش برشمرد. یک روز با شوقِ کودکانه‌ای به مادرش گفت: «مامان، من بلدم تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) رو با انگشتام بگم».

مغرب، پس از نمازِ جماعت، زهرا با ذوقی وصف‌ناپذیر، تسبیح را با انگشتانش آغاز کرد. مادرش نظاره‌گر این صحنهٔ زیبا بود و دلش از ایمانِ فرزندش لبریز می‌شد. صبحِ یکی از روزهای ماه رمضان، زهرا نمازش را خواند و بی‌آن‌که حرفی بزند، جانمازش را جمع کرد و خوابید. مادر در آن لحظه خواست به او تذکر دهد که بعد از نماز، ذکرِ تسبیحات را به جا آورد؟! اما ناگاه چشمش به صحنه‌ای افتاد که تا همیشه در خاطرش

راه رشد، سعادت، کمال، کرامت، بهشت و مقامِ قرب [راهنمایی می‌کنیم؛ و یقیناً خدا با نیکوکاران است.

این کودکان، مجاهدانِ کوچکی بودند که با ذکرِ انگشتی و رفتارِ خیرخواهانه، در راهِ خدا کوشیدند. آن‌ها که در مدرسه، مشقِ عشق می‌کردند، در کوچه، حریم‌ها را می‌شناختند و در خانه، کمکِ محرومان بودند. آن‌چه می‌خوانید، روایتِ عبادتِ بی‌ریای کودکانی است که از همان کودکی، راهِ نیکان را پیمودند و خداوند نیز آنان را به بهشتِ خویش رهنمون کرد. باشد که این روایت‌ها، برگِ زرینی باشد بر تارکِ صبرِ والدینِ دانش‌آموزان شهید میناب.

روایت اول:

تسبیح انگشتی پیش از تکلیف

گاهی کودکان، پیش از آن‌که زبان به کلامِ تکلیف بگشایند، با گوهرِ وجود خود، ذکرِ یزدان را سر می‌دهند. زهرا، چنین بود؛ با نوکِ انگشتانِ کوچکش، تسبیحاتِ حضرت زهرا (علیها السلام) را مرور می‌کرد، گویی

ماندگار شد؛ زهرا، پتو را روی سینه‌اش کشیده بود و دودست کوچکش را در کنار صورتش قرار داده بود و با نهایت دقت و عشق، مشغول گفتنِ تسیحات حضرت زهرا علیها السلام با انگشتانش بود.

مادر، در همان لحظه، از قضاوت نابه‌هنگام خویش شرمنده شد، اما غرق در خوشحالی از اینکه، دخترش پیش از هر فرمانی، عاشقانه به ذکر پرداخته است. زهرا، که برای عبادت خود هیچ چشم‌داشتی نداشت، در روزِ واقعه، با همان دستانِ ذکرگویش، زیرِ آوارِ مدرسه به دیدارِ بانویِ دو عالم شتافت. اورفت پیشِ حضرت زهرا علیها السلام، تسیحی بگوید که در بهشت، دیگر پایان ندارد.

روایت دوم:

حریم‌سازی در کوچه‌های خاکی

می‌گویند حیا، نصفِ ایمان است، اما گاهی در وجود یک کودک، تمامِ ایمان را به نمایش می‌گذارد. زهره، با قامتی که گاه برای رسیدن به تخته سیاه قد نمی‌داد، چنان حریمی برای نام خود قائل بود که

انگار نامش، گوهری است در صندوقچهٔ اسرار.

شرح واقعه

زهرة شهریار، معلّم دوم پسرانهٔ مدرسهٔ شجره طیبه، از کودکی با حیا و وقار بود. مادرش می‌گفت که او به همراه پنج خواهرش، نیازی به دوستِ غریبه نداشتند و خودشان، هم‌بازی هم بودند. اما آن‌چه زهره را از دیگران متمایز می‌کرد، حریم‌گذاریِ مثال‌زدنیِ او از همان دورانِ خردسالی بود.

زهرة نه تنها در برخورد با نامحرم، حریم داشت، بلکه چنان این حریم را پاس می‌داشت که از خواهرانش خواسته بود حتی اسمش را هم در کوچه و جلوی نامحرمان بر زبان نیاورند. این حساسیت به حدّی بود که وقتی برای تحقیقِ ازدواجش آمده بودند، کسی نمی‌دانست که دختری به نام زهره در آن خانه زندگی می‌کند. او برای حفظِ حریم خود، نه تنها صورت، که نامش را هم پشتِ حجابِ حیا پنهان کرده بود. زهره، روزِ واقعه، در کلاسِ پسرانه، مشغول تعلیم بود. موشک‌های رژیم

دستِ نیازمندان را بگیرد؛ و آرینا، خواهری که در کنارِ برادر، عشقِ سفر به حرم رضوی را در دل می‌پروراند. هردو، میراث‌دارِ پدری مهربان و مادری دلسوز بودند که در یک روز، به آسمانِ شهادت پرکشیدند.

شرح واقعه

علی عرب‌کیش، دانش‌آموز کلاس پنجم، و آرینا عرب‌کیش، دانش‌آموز کلاس ششم مدرسهٔ شجره طیبه، خواهر و برادری بودند که مهربانی را نه فقط در گفتار، که در رفتارِ روزمرهٔ خویش به تصویر می‌کشیدند.

علی، پسرِ کوچکِ خانواده بود با روحی بزرگ و قلبی سرشار از دلسوزی برای محرومان. او در میانِ همسایه‌ها می‌گشت، چشمانِ تیزبینش به کوچه‌پس‌کوچه‌ها بود و بچه‌های کم‌بضاعت را شناسایی می‌کرد. یک هفته پیش از شهادتش، با شور و شوقی کودکانه به خانه آمد و گفت: «مامان، من یک فقیر دیگه پیدا کردم. بیا به او هم کمک کنیم.» مادر بزرگش با چشمانی اشک‌بار از او روایت می‌کند که علی با لحنی که نه درخواست که التماس بود،

صهیونیستی و آمریکا، به مدرسه اصابت کرد و این معلّم با حیا، در کنار شاگردانش، به ملکوتِ اعلی پیوست. حجابِ نامِ زهره، او را در دنیا پنهان کرده بود، اما خونِ پاکش، نامش را بر تارکِ شهدا^(۱)، آشکار ساخت. او رفت تا در بهشت، معلّمِ فرشتگان شود؛ جایی که دیگر نیازی به پنهان کردنِ نام نیست، زیرا همه، اهلِ حریم‌اند.

روایت سوم:

خواهر و برادری در مسیرِ کرامت و زیارت

گاهی یک خانواده، گنجینه‌ای از مهربانی و معرفت می‌شود که هریک از اعضایش، ستاره‌ای تابناک در آسمانِ کرامت‌اند. علی، پسرِ کوچکی که در کوچه‌های خاکی به دنبالِ فقیر می‌گشت تا

۱. «تارک شهدا» به معنای «بلندترین نقطه‌ی شهدا» یا «فراز مقام شهدا» است. وقتی این دو کلمه در کنار هم قرار می‌گیرند، ترکیبِ «تارک شهدا» به معنای «اوج مقام شهیدان» یا «بلندترین درجه‌ی شهادت» است و به صورتِ شاعرانه و ادبی برای نشان دادن عظمت و رفعتِ جایگاهِ شهدا به کار می‌رود.

از پدر و مادرش می‌خواست تا به آن‌ها کمک کنند. او این رسم نیکو را از پدرش آموخته بود که همیشه عادت داشت به فقرا کمک کند. گویی علی، یک محقق اجتماعی کوچک بود که دلش به اندازه تمام عالم، برای گشایش کار محرومان می‌تپید و هر روز یک «فقر دیگر» را به سفره کرامت خانواده اش دعوت می‌کرد. اما ماجرای علی و آرینا، تنها به کمک کردن ختم نمی‌شد. این خواهر و برادر، هر دو، عشق وصف‌ناپذیری به امام رضا (ع) داشتند و هر فرصتی را برای سفر به مشهد مقدس غنیمت می‌شمردند. مادر بزرگشان با لبخندی از سر حسرت می‌گوید: «هر زمان که به مشهد می‌رفتیم، بچه‌ها اصرار داشتند که ما هم همراه‌شان باشیم. از بس که علی و آرینا اصرار می‌کردند، من می‌گفتم: بچه‌ها جونم، جاتون تنگ می‌شه، ما نمی‌آیم. ولی باز هم دست بردار نبودند. آنقدر اصرار می‌کردند که ما هم راهی مشهد می‌شدیم».

آرینا، در کنار برادر، نشان می‌داد که دختران این سرزمین نیز در عشق

به اهل بیت (ع)، پیشگام‌اند. او با همان شوقی که علی به دنبال فقر می‌گشت، برای زیارت حضرت رئوف، لحظه شماری می‌کرد. هر دو چنان اصرار می‌ورزید که گویی دلشان بی‌تاب دیدار امام رئوف است. این خواهر و برادر، نه تنها در کار خیر و زیارت، که در احترام به بزرگ‌ترها نیز زبان زد بودند. پدر و مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ، همیشه از ادب خاص علی و آرینا می‌گفتند؛ گویی بزرگ منشی، در خون این خانواده جاری بود.

روز واقعه، وقتی موشک‌های آمریکایی-اسرائیلی بر مدرسه شجره طیبه فرود آمد، علی و آرینا، در کنار هم، در میان آن همه هیاهو و دود و خون، آرام گرفتند. گویی امام رضایی که بارها میزبان آنها در سفرهای زیارتی بود، این بار در مهمانی شهادت، دست هر دو را گرفت و به سوی بهشت رضوی رهنمون شدند.

ادامه دارد...

تحلیل مسائل سیاسی روز

«مهرماه ۱۴۰۵»

مرتضی غرسبان روزبهرانی

سخن نخست

برای سنجش «تاب‌آوری استراتژیک» و «پیوند ناگسستنی ملت و ولایت» بود. این دوران که می‌توان آن را «دفاع مقدس ترکیبی» نامید، شاهد حضور حماسه‌ساز مردمی بود که با عنوان «جان‌فدا»، بار دیگر ثابت کردند که قدرت حقیقی نظام نه در سلاح‌های پیشرفته، بلکه در قلب‌های مطمئن و اراده‌های پولادین آحاد جامعه نهفته است.

نگاهی کوتاه به هشت ماه اخیر عمر بابرکت جمهوری اسلامی ایران، دستاوردهایی را نمایان می‌سازد که در نوع خود بی‌نظیر است؛ دستاوردهایی که به برکت خون شهدای انقلاب اسلامی به‌ویژه خون قائد شهید حضرت امام خامنه‌ای علیه‌السلام به دست آمد و جهانیان از آن به شگفت آمدند؛ درابتدای این نوشتار به برخی از این دستاوردها اشاره می‌شود:

۱. حماسه حضور ۸ ماهه ملت جان‌فدا

تاریخ انقلاب اسلامی، مجموعه‌ای از بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز است که در هر کدام، عیار ایمان و استقامت امت آزموده شده است. هشت ماه اخیر، برای نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران میدانی

۲. بعثت تاریخی ملت در جنگ تحمیلی سوم

در قاموس فکری رهبر شهید انقلاب علیه‌السلام، ملت ایران امتی است که با اراده لایزال الهی در لحظات خطیر تاریخ، مبعوث می‌شود تا بساط ظلم را برچیند. ایشان در آخرین بیانات خود با تکیه بر

خداوند به پیامبر ﷺ اطمینان می‌بخشد:
 ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ
 الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۳)

۳. پویش جان‌فدا و ظرفیت‌سازی مردمی

یکی از درخشان‌ترین جلوه‌های این دوره، پویش ملی «جان‌فدا» بود که با ثبت نام بیش از ۳۱ میلیون نفر، ظرفیت‌سازی بی‌سابقه‌ای در تاریخ جبهه مقاومت رقم زد. این پویش، تجلی اراده‌ی ملتی است که آماده است برای حفظ کیان اسلام، از هر چیزی بگذرد. این حرکت، راه را برای سازماندهی نیروهای مردمی در ساختارهای دفاعی، امدادی و بحران‌ستیز هموار کرد. این ظرفیت‌سازی، مصداق بارز این حقیقت است که ملت ایران چگونه می‌تواند از توان‌های خود برای مقابله با تهدیدات استفاده کند. این مشارکت میلیونی، همان ساختار «بنیان مرصوص» است که در آیه مبارکه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الَّذِينَ يِقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾^(۴) از آن یاد شده است؛ وحدتی که نفوذناپذیر و سرشار از اراده‌ی جهادی است.

این باور عمیق، تأکید نمودند که «چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله با حوادث، و کار را مردم تمام خواهند کرد».^(۱)

دشمنان نظام اسلامی همواره با تحلیل‌های مادی و متوهمانه، می‌پنداشتند که با فشار و تهدید می‌توانند گسستی میان ملت و حاکمیت ایجاد کنند. اما بعثت بیدارگرانه ملت در پاسخ به «جنگ تحمیلی سوم»، خط بطلانی قطعی بر این ادراکات موهوم کشید. این حرکت، تجلی همان وعده‌ی الهی است که می‌فرماید: ﴿لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَفَ بَيْنَهُمْ﴾^(۲) در این بازه، ملت ایران با درک عمیق از رسالت خود، از همان نخستین لحظات تهاجم، به خیابان‌ها آمدند تا دوشادوش رزمندگان خط مقدم بایستند. این پیوند ناگسستنی میان خیابان و میدان، نشان داد که امت مبعوث، با تکیه بر نیروی الهی، آماده مقابله با هرگونه فتنه است؛ همان‌گونه که

۱. بیانات رهبر شهید انقلاب ﷺ در دیدار اقشار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب

اسلامی، ۱۴۰۴/۱۱/۱۲.

۲. انفال/۶۳.

۳. انفال/۶۴.

۴. صف/۴.

۴. پشتیبانی همه‌جانبه ملت از نظام و انقلاب

در طول این ۸ ماه، ملت غیور ایران نشان داد که پشتوانه اصلی ارکان نظام، و حافظ استقلال و موجودیت کشور است. این پشتیبانی، از حضور پرشور در خیابان‌ها تا حمایت‌های عملی در عرصه‌های مختلف، همه‌جانبه بود. ملت با درک اینکه «مردم، سرمایه اصلی انقلاب هستند»، در برابر فشارهای روانی و اقتصادی دشمن، همچون صخره‌ای استوار ایستادند. این ایستادگی، نه تنها امنیت داخلی را تأمین کرد، بلکه زمینه‌ساز دلاوری‌های رزمندگان اسلام در دریا و آسمان شد تا پاسخ دندان‌شکنی به متجاوزان بدهند. این حمایت، در واقع امتثال امر ولی فقیه و حرکت در مسیر «نصرت الهی» است.

۵. مطالبه‌گری ملت انقلابی و رسالت مسئولین

عظمت این قیام و حضور مستمر، حامل پیام‌های روشنی برای مسئولان است. ملت مبعوث، با هوشیاری خود، مطالبه‌گری را در راستای حفظ عزت و اقتدار اسلامی در پیش گرفته‌اند. مطالبات مردم در زمینه رفع مشکلات معیشتی،

تقویت اقتصاد مقاومتی و تبعیت کامل از فرامین رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام، باید به عنوان «رسالت سنگین مسئولان» در خدمت به ملت نگریسته شود. مسئولان باید بدانند که مشروعیت و بقای قدرت آنان در گرو پاسخگویی به این مطالبات و خدمت صادقانه به مردمی است که در سخت‌ترین شرایط، جان خود را در طبق اخلاص گذاشته‌اند. تنها با حرکت جهادی و همسویی با خواسته‌های این ملت مقتدر است که می‌توان شکوه این ۸ ماه را به ثمر رساند.

حال با توجه به این دستاوردها و موارد دیگری که این نوشتار، جای پرداختن به همه آن‌ها را ندارد، مباحث تحلیلی مرتبط با یک ماه اخیر (شهریور و مهر ۱۴۰۵) ارائه می‌گردد.

ضرورت وحدت و پرهیز از دوگانه سازی‌های موهوم و مخرب

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، در مسیر حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی، همواره با توطئه‌های دشمنان برای شکستن سد نفوذناپذیر «سرمایه اجتماعی» مواجه بوده است. وحدت و انسجام اجتماعی، نه یک شعار تشریفاتی، بلکه موتور محرک پیشرفت و ستون فقرات

امنیت ملی است. در شرایطی که دشمنان با تمامی توان به دنبال پاشیدن بذریأس و تفرقه هستند، صیانت از این سرمایه عظیم، تکلیفی همگانی و راهبردی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی حفظه الله در پیامشان به مناسبت هفته دولت، با هشداری صریح، هرگونه اقدام برضد انسجام ملی را ممنوع اعلام کردند و فرمودند:

«بی تردید هر سخن ناامیدکننده و تضعیف‌کننده انگیزه‌های ملی و عمومی و هر نوع دوگانه‌سازی موهوم از قبیل جنگ یا مذاکره، وفاق یا تندروی، سازش یا جنگ طلبی که در گذشته به مردم عزیزمان خسارت‌هایی بی‌واسطه یا باواسطه وارد ساخته، از این پس هم می‌تواند همان تأثیر را به جا بگذارد. لذا بنده قاطعانه اعلام می‌کنم که ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است».^(۱)

جنگ شناختی، محور رسانه‌ای جنگ ترکیبی

جنگ شناختی، ستون فقرات راهبرد رسانه‌ای دشمن در جنگ ترکیبی علیه ملت ایران است. هدف نهایی دشمن در این عرصه، تسخیر ذهن‌ها و پاشیدن

بذریأس در لایه‌های مختلف جامعه است. دشمن می‌کوشد با ایجاد فضایی غبارآلود و سرشار از ابهام، افکار عمومی را از پیشرفت‌های چشمگیر نظام منحرف سازد و اعتماد مردم به حاکمیت را، که پشتوانه اصلی وحدت و اقتدار ملی است، تضعیف کند. در این میدان، دشمن با مهندسی معکوس واقعیت‌ها، به دنبال فروپاشی اعتماد به نفس ملی است تا جامعه را در انفعال و ناامیدی غرق کند.

اختلاف‌افکنی، راهبرد اصلی دشمن

یکی از آشکارترین سیاست‌های استکبار برای تضعیف جمهوری اسلامی، ایجاد شکاف و اختلاف در سطوح مختلف جامعه است. رهبر شهید انقلاب رحمه الله در تبیین این راهبرد فرمودند: «نقشه دشمن برای ما روشن است... یک هدف وجود دارد، یک راهبرد وجود دارد و تاکتیک‌ها. هدف دشمن به زانو درآوردن انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است... راهبرد دشمن چیست؟ ایجاد اختلاف، ایجاد بی‌اعتمادی».^(۲)

همچنین ایشان دریان دیگری تصریح کردند:

۲. بیانات رهبر شهید انقلاب رحمه الله در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی، ۱۴۰۱/۱۱/۱۹.

۱. پیام رهبر انقلاب رحمه الله به مناسبت هفته دولت، ۱۴۰۵/۰۶/۰۶.

«یکی از مسائل، ایجاد اختلاف است؛ دوقطبی کردن مردم.»^(۱)

قرآن کریم نیز نسبت به پیامدهای شوم تنازع و تفرقه هشدار داده و می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^(۲). این هشدار الهی، بیانگر این حقیقت است که تفرقه، بزرگ‌ترین عامل ناکامی امت در برابر دشمنان است.

وحدت و انسجام ملی، پیوستی راهبردی

وحدت و انسجام اجتماعی، اصلی‌ترین ستون اقتدار و امنیت ملی و سدی نفوذناپذیر در برابر زیاده‌خواهی‌های دشمنان است. تجربه تاریخی انقلاب اسلامی ثابت کرده که هرگاه آحاد جامعه حول محور ولایت و با صدایی واحد در صحنه حاضر شده‌اند، محاسبات جبهه استکبار برهم خورده است. رهبر معظم انقلاب (عج) با درک عمیق این ضرورت، تأکید کردند:

«هر اقدام در هریک از کلان‌عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی، و اقتصادی باید با ملاحظه پیوست مربوط به انسجام اجتماعی صورت بگیرد.»^(۳)

این «پیوست انسجام»، معیاری است که باید در تمامی تصمیم‌گیری‌ها و کنش‌های سیاسی و اجتماعی اعمال شود تا هیچ‌گونه شکافی در پیکره امت اسلامی ایجاد نگردد.

دوگانه سازی‌های موهوم، ابزار دشمن

طراحی و ترویج دوگانه‌سازی‌های موهوم و مخرب، راهکار اصلی رسانه‌ای دشمن برای ایجاد بن‌بست ذهنی در جامعه است. با القای کاذب وجود انتخاب بین دو راهی‌های خسارت‌بار (مانند جنگ یا مذاکره، وفاق یا تندروی)، دشمن سعی دارد جامعه را به دوقطبی‌های کاذب بکشانند تا به جای تمرکز بر حل مشکلات و هم‌افزایی ملی، انرژی جامعه صرف جدال‌های بی‌فایده شود. باید دانست که سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر سه پایه «عزت، حکمت و مصلحت» بنا شده است. جنگ و مذاکره دو ابزار در دست حاکمیت هستند که باید با رعایت این سه اصل به کار گرفته شوند. مذاکره اگر در پرونده‌ای مشخص و در راستای منافع ملی و با شروط معین باشد، نه تنها تعارضی با مبانی ندارد، بلکه ادامه جنگ در میدان دیپلماسی است. دوگانه‌سازی در این

۱. بیانات رهبر شهید (عج) در دیدار با مردم قم، ۱۴۰۲/۱۰/۱۹.

۲. انفال/۴۶.

۳. پیام رهبر انقلاب (عج) به مناسبت هفته دولت، ۱۴۰۵/۰۶/۰۶.

عرصه، تنها بازی دوسرباختی است که اعتماد عمومی را فرسایش می‌دهد.

ضرورت جهاد تبیین در مقابله با وحدت‌شکنی

جهاد تبیین، پادزهر عملیاتی برای خنثی‌سازی نقشه رسانه‌ای دشمن در ایجاد دوگانه‌های کاذب است. درشرایطی که دشمن با اخبار جعلی سعی در ایجاد اضطراب دارد، وظیفه نخبگان و خواص جامعه، ارجاع مسائل به مرجع اصلی است، چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوَّرَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾^(۱). تبیین این حقیقت که «جمهوری اسلامی جنگ طلب نیست، اما جنگ‌بلد است» و «وفاق به معنای عقب‌نشینی از اصول نیست»، بخشی از این جهاد است. باید با زبانی صادقانه و کاربردی، واقعیت‌ها را برای مردم تبیین کرد تا توطئه‌های دشمن در ایجاد بن‌بست‌های ذهنی نقش بر آب شود.

امیدآفرینی با روایت ایران قوی

در عصر حاضر، مرزهای جنگ از زمین و دریا و هوا فراتر رفته و به لایه‌های

عمیق‌تر ذهن انسان‌ها نفوذ کرده است. امروز، پیروزی تنها درگروتسلط برابرهای سخت‌افزاری و نظامی نیست، بلکه در گروتسلط بر «روایت‌ها» است. درتقابل میان حقیقت و دروغ، نبرد میان دودیدگاه متفاوت جریان دارد: دیدگاهی که به دنبال نمایش شکوه و اقتدار است، و دیدگاهی که با مهندسی ذهن‌ها، درصدد پنهان کردن واقعیت‌هاست. برای ملتی که در میانه چرخه‌های پیچیده جهانی قرار دارد، شناخت این نبرد و بازشناسی روایت‌های کاذب، نخستین گام برای حفظ انسجام و پیش‌برد اهداف ملی است.

نبرد روایت‌ها با مهندسی ایجاد یأس در جامعه

دشمن درجنگ ترکیبی امروز، با درک این واقعیت که تسخیر ذهن‌ها پیش شرط پیروزی در میدان‌های سخت است، تمام توان خود را برای مدیریت ادراک عمومی به کارگرفته است. هسته مرکزی راهبرد رسانه‌ای دشمن، «مهندسی یأس» است. آنان با اتخاذ رویکردی هدفمند، نقاط مثبت، پیشرفت‌های تمدنی و دستاوردهای بزرگ نظام اسلامی را به حاشیه می‌برند، یا به‌طورکامل سانسور می‌کنند. درمقابل، با ضریب دادن مصنوعی به چالش‌ها و

خلاف‌های گذرا، تصویری ناکارآمد از حاکمیت ارائه می‌دهند. هدف از این مهندسی پیام، تضعیف روحیه ملی و ایجاد گسست عمیق میان ملت و نظام است تا باور عمومی نسبت به قدرت خود، به ناامیدی بدل شود. در واقع، دشمن می‌کوشد با غبار آلود کردن فضای ادراک عمومی، حقیقت را پنهان کرده و روایت‌های مطلوب خود را جایگزین واقعیت‌های عینی نماید.

واقعیت میدان: از دست برتر ایران تا افول دشمن

در حالی که رسانه‌های دشمن (مانند ترامپ و لابی‌های صهیونیستی) با تمام توان در حال روایت‌سازی از پیروزی‌های خود هستند، واقعیت‌های عینی میدان، روایت‌های آنان را باطل می‌کند. جهان شاهد تغییر معادلات قدرت به نفع ایران است. تغییری که با پیشرفت‌های علمی، صنایع نظامی و بازدارندگی مقتدرانه، دیگر با روایت‌سازی قابل پنهان کردن نیست. در حالی که دشمن از «شکست اقتصادی ایران» سخن می‌گوید، بازارهای جهانی شاهد بحران انرژی و تزلزل اقتصاد آمریکا هستند. در حوزه نظامی نیز، اعترافات برجستگانی همچون جان مرشایمر به افول قدرت نظامی آمریکا در غرب آسیا،

نشان‌دهنده این واقعیت است که حضور نظامی آمریکا در منطقه دیگریک رؤیای غیرواقعی است. همچنین، کنترل هوشمندانه ایران برگذراگاه‌های راهبردی و تأثیر بر منابع انرژی جهان، نشان از قدرت مدیریت بحران در نظام اسلامی دارد. از سوی دیگر، میزان حمایت مردمی از اقدامات قاطع ایران (مانند نظرسنجی‌هایی که نشان‌دهنده موافقت ۷۵ درصدی با اقدامات بازدارنده است)، بزرگ‌ترین نقطه قوت و پشتوانه واقعی قدرت ایران در برابر روایت‌های کاذب است.

ضرورت روایت ایران قوی

در برابر این حجم‌ها، ما نیازمند تغییر لنز دوربین‌ها و قلم‌ها به سمت قله‌ها و نقاط قوت هستیم. ضرورت امروز، تمرکز راهبردی بر اقتدار و توانمندی‌های درونی و ایجاد «روایت نخست» است. ما باید با سرعت عمل، روایت خود را پیش از آنکه دشمن با تصاویرسازی‌های کاذب آن را تحریف کند، به افکار عمومی ارائه دهیم. روایت قدرت و نمایش شکوه دستاوردهای نظام، یک تکلیف الهی است. چنان‌که رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام اسلامی در پیام خود به مناسبت هفته دولت تأکید فرمودند: «قوت و قدرت و

نقاط مثبت به موجب آموزه قرآنی «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» نیازمند روایت و برجسته سازی است.^(۱) برجسته سازی اقتدار نظام، شکر عملی این نعمت ها و پاسخی است به تلاش های دشمن برای پنهان کردن حقیقت.

جهاد تبیین، نسخه مقابله با نبرد روایت ها

نسخه شفاف بخش برای خنثی سازی این توطئه دشمن، همان «جهاد تبیین» است که از سوی رهبر شهید انقلاب علیه السلام به عنوان یک رسالت مأموریتی معرفی شده است. جهاد تبیین، سلاح اصلی ما در نبرد با جنگ شناختی است. این رسالت بر عهده تمامی مبلغان، کنشگران و فعالان رسانه ای است تا با بصیرت و هنرمندی، روایت های راستین را جایگزین روایت های معوج دشمن کنند. این وظیفه، مشابه رسالت اصحاب رسانه ای است که خداوند در قرآن کریم آنان را چنین توصیف کرده است: «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»^(۲).

جهاد تبیین یعنی برخاستن در برابر

۱. پیام رهبر انقلاب علیه السلام به مناسبت هفته دولت،

۱۴۰۵/۰۶/۰۶

۲. احزاب/۳۹.

روایت های کاذب و ارائه تصویری درست، امیدبخش و واقع گرایانه از ایران قوی. این حرکت اگر با سرعت عمل ودقت همراه شود، می تواند سد تحریف دشمن را درهم شکسته و مانع از کاشتن بذره های ناامیدی در خاک جامعه شود. همان گونه که خداوند وعده داده است: «كُلَّ نَفْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ»^(۳)

دفاع مقدس ۴۷ ساله و ققنوس انقلاب اسلامی

جنگ تحمیلی هشت ساله مقطعی تاریخی است که حقیقت و ماهیت جمهوری اسلامی ایران را در برابر چشم جهانیان قرار داد. تاریخ پرفرازونشیب انقلاب اسلامی گواه آشکاری است بر اینکه ایران در هیچ مقطعی آغاگر تجاوزه، جنگ و تعدی به هیچ کشوری نبوده است. در حقیقت، آنچه ما آن را به عنوان «هفته دفاع مقدس» گرامی می داریم، نمادی است از یک ایستادگی مستمر که در طول ۴۷ سال گذشته جریان داشته است. دفاع مقدس برای ملت ما، یک دکتترین راهبردی و حالتی مستمر در برابر دشمنانی است که همواره در پی فروپاشی ارکان انقلاب اسلامی بوده اند.

۳. انبیاء/۱۸.

۴۷ سال خصومت استکبار با ایران انقلابی

دشمنی و توطئه‌های قدرت‌های استکباری برای شکست ایران، تنها به سال‌های نبرد تحمیلی ۸ ساله محدود نمانده، بلکه در طول ۴۷ سال گذشته در قالب‌های گوناگون نظامی، امنیتی، تحریمی، فتنه‌های داخلی و جنگ‌های نوین امتداد یافته است. کشور ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، دوران تیره و تاری را تحت حاکمیت ذلت‌بار رژیم پهلوی سپری می‌کرد. روزگاری که استقلال کشور پایمال شده بود و به تعبیر رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام: «سفیران دولت‌های مستکبر باید‌ها و نبایدها را به شاه مملکت ابلاغ می‌کردند و او هم با رغبت یا با بی‌میلی همان‌ها را اجرا می‌نمود». ^(۱) این تحقیر تاریخی با قیام شکوهمند ملت بزرگ ایران به رهبری حضرت امام خمینی علیه‌السلام پایان یافت و بساط سرسپردگی طاغوت برچیده شد تا دوران نورانی عزت و استقلال آغاز شود؛ تغییری که از همان روز نخست، خشم استکبار را برانگیخت و همچنان تداوم دارد.

۱. پیام رهبر انقلاب علیه‌السلام به مناسبت هفته دفاع مقدس و سالگرد شهادت شهید سید حسن نصرالله علیه‌السلام، ۱۴۰۵/۰۷/۰۶.

دفاع مقدس ۴۷ ساله ملت در برابر استکبار

دفاع از نظام اسلامی در برابر هجمه همه‌جانبه دشمنان، دفاع از کیان اسلام و استقلال امت مسلمان است و از همین رو، امری همواره مقدس، زنده و تعطیل‌ناپذیر است. در طول این ۴۷ سال، نظام اسلامی همواره هرگونه تعرض به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی را با واکنش‌های سریع، قاطع و پیشیمان‌کننده پاسخ داده است. دکتترین دفاعی ایران بر مدار ثبات و صلح پایدار است، اما این صلح‌خواهی به معنای انفعال نیست. همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» ^(۲)، ایستادگی ملت ایران، دفاعی مشروع و الهی در برابر ظلمی بود که به این ملت روا داشته شده و این دفاع، تا زمانی که خوی استکباری دشمنان باقی است، استمرار دارد.

ناکامی دشمن در مقابل موج خروشان انقلاب

برقراری نظام اسلامی و پایان چپاول ثروت‌های ملی، بر سلطه‌گرانی که چشم طمع به ثروت‌های این سرزمین دوخته بودند، بسیار گران آمد. آنان با طراحی

جنگ تحمیلی، قصد داشتند حرکت این ملت را متوقف کنند. مقام معظم رهبری حفظه الله در این باره می‌فرمایند:

«روزهای تیره در اثر این انقلاب به روزهای پرنور برقراری جمهوری اسلامی ایران انجامید. این امر بر سلطه‌گرانی که چشم طمع به ثروت‌های این سرزمین دوخته بودند و سال‌ها برای از آن خود کردن انواع بدی‌ها را در حق مردمان آن روا داشته بودند، بسیارگران می‌آمد. بنابراین از آن پس همه هم تلاش خود را برای برگرداندن جریان رود خروشان ملت انقلابی به سمت سابق به‌کار بستند و جنگ تحمیلی اول، مهم‌ترین اقدام آنان در دهه نخست حیات مبارک جمهوری اسلامی بود.»^(۱)

اما این رود خروشان، با تکیه بر ایمان مردم، هیچ‌گاه به مسیر ذلت‌بار سابق بازنگشت.

بالندگی ققنوس وار انقلاب از خاکستر جنگ‌ها

انقلاب اسلامی در برابر تهاجم دشمن، نه تنها دچار فروپاشی نشد، بلکه تجربه‌های میدانی، جنگ‌های نیابتی و تحریم‌ها، آن را به قدرتی نفوذناپذیر تبدیل کرد. رهبر معظم انقلاب حفظه الله با توصیفی دقیق، این بالندگی را چنین ترسیم می‌کند:

«از دل آتش جنگ که به دست حزب ضدّ مردمی بعث و با توهم جنگی چند روزه افروخته شده بود، نظام اسلامی برومند و قوی‌تر از قبل، ققنوس وار برخاست با صدایی رساتر و پروازی بلندتر از سابق.»^(۲)

این ققنوس انقلاب، امروز چنان رشد کرده است که نه تنها سایه پروازش بر سرزمین‌های دشمن افتاده، بلکه محاسبات استکبار را برهم زده است. دشمنی که روزی برای نابودی انقلاب می‌جنگید، امروز خود برای حفظ بقا و ترک مخاصمه دست به التماس برمی‌دارد. این روحیه قوی و بالندگی در مصاف با تهدیدات، به خصلتی ماندگار در پیکره نظام بدل شد و به عبارتی:

«آن ققنوسی که از خرمن آتش جنگ تحمیلی اول برآمد، اینک در اثر فشارهای دشمن و به خصوص دو جنگ تحمیلی اخیر، آن چنان بزرگ شده است که سایه پروازش بر سرزمین‌های دشمن هم افتاده است.»^(۳)

سنت الهی نصرت مؤمنین، نتیجه نهایی تقابل حق و باطل

ایستادگی سرافرازانه ملت ایران طی نزدیک به نیم قرن، گواهی روشن بر

۲. همان.

۳. همان.

۱. پیام رهبر انقلاب حفظه الله، ۱۴۰۵/۰۷/۰۶.

علم و دانش، به ویژه دانش آموزان و اساتید فداکار، همواره بردل‌ها سنگینی می‌کند. این غایبان بزرگ، زندگانی جاودان دارند. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يَقتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْیاءٌ وَلَکِنْ لَا تَشْعُرُونَ»^(۳).

رسالت تاریخی دانش آموزان و دانشجویان

مسئولیت نسل جوان در این سال‌های تحصیلی، فراتر از کسب مدارک علمی و موفقیت‌های آکادمیک است. مأموریت تاریخی آنان، مجهز شدن به سلاح علم و تقوا، امید و اخلاق، و زدودن پرده‌های جهل و تاریکی است. دانش آموزان و دانشجویان، به عنوان پیشرانان حرکت ملی، باید با شکستن مرزهای دانش و فتح قله‌های پیشرفت، زمینه اعتلاء و سربلندی ایران اسلامی را فراهم آورند. این رسالت، در واقع نبرد برای حفظ هویت و استقلال است. همان‌گونه که مقام معظم رهبری حفظه الله در پیام خود به مناسبت بازگشایی مراکز آموزشی تأکید فرمودند:

«دانش آموزان و دانشجویان] در این مدّت [تحصیل]، درست فکر کردن و ابتکار ورزیدن را تمرین کنید و همواره پاسدار ریشه‌های هویت ملی و عزّت و استقلال

حاکمیت سنت‌های الهی در پشتیبانی از مجاهدان مقاوم است. خداوند متعال وعده داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَصَرَّوْا لِلَّهِ يُنْصِرْكُمْ وَيُخْلِصَكُم مِّنْ أَعْدَائِكُمْ»^(۱). تجربه تاریخی این سال‌ها ثابت کرده که محاسبات مادی دشمنان در برابر اراده‌ای که برخاسته از ایمان است، شکست می‌خورد. براساس آیه شریفه «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»^(۲)، حق در نهایت بر باطل پیروز است. ایران امروز، به برکت اقامه حق و امداد الهی به قله‌ای از توانمندی رسیده که دوران ذلت گذشته، برای همیشه پایان یافته و بازگشت‌ناپذیر است.

مأموریت نسل جوان در فتح قله‌های پیشرفت

با آغاز فصل شکوفایی علم و گشوده شدن دروازه‌های مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، بار دیگر شمیم دانش در فضای کشور طنین‌انداز شد. این تکاپوی علمی، آغاز یک دوره مبارزه برای بازپس‌گیری کرامت و عزت ملی است. در حالی که مشتاقان معرفت، مسیر جدیدی را می‌پیمایند، یاد و خاطره شهدای عرصه

۱. محمد/۷.

۲. اسراء/۸۱.

۳. بقره/۱۵۴.

است که قدرت واقعی را رقم می‌زند. رهبر شهید انقلاب علیه السلام در تبیین این پیوند چنین فرموده‌اند:

«آن‌چه استکبار جهانی و در رأس آن، آمریکای جنایتکار با آن مخالف است، همین دین شما و دانش شما است؛ با دین شما مخالفند، با این ایمان گسترده مردم مخالفند، با این اتحاد در زیر سایه اسلام و قرآن مخالفند؛ و با دانش شما مخالفند... آن‌چه مهم است، این است که توجه داشته باشیم که ایران اسلامی بر اساس «دین» و «دانش» بنا شده و به وجود آمده. در بنای جمهوری اسلامی دو عنصر «دین» و «دانش» عمده‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده هستند؛ به همین دلیل هم، دین مردم و دانش جوانان ما، توانسته‌اند در بسیاری از میدان‌های مختلف دشمن را وادار به عقب‌نشینی کنند.»^(۳)

فتح قله‌ها مستلزم آن است که دانش‌آموزان و دانشجویان، علم را در خدمت ارزش‌های دینی و ملی قرار دهند و با تکیه بر این سه عنصر، به جای مصرف‌کننده بودن، به تولیدکننده دانش و تکنولوژی تبدیل شوند.

۳. بیانات رهبر شهید انقلاب علیه السلام در مراسم بزرگداشت شهدای جنگ تحمیلی، ۱۴۰۴/۰۵/۰۷.

فرهنگی خود و زبان مادری و پرچم مقدس نظام اسلامی و سایر نمادهای آن باشید. به زودی نوبت آن می‌رسد که نقش مناسب خود را در جامعه بیابید که در آن موقع با انجام آن به بهترین شکل، خود و کشور خود را سربلند خواهید ساخت.»^(۱)

فتح قله‌های پیشرفت با سه عنصر ایمان، علم و جهاد

مقام معظم رهبری علیه السلام در پیام خود به مناسبت بازگشایی مراکز آموزشی تأکید فرمودند:

«مسئولیت امروز دانش‌آموزان و دانشجویان، سعی در مجهّز شدن به علم و تقوا، امید و اخلاق، و دانایی و توانایی و زدودن پرده‌های جهل و تاریکی است تا آنگاه که با شکستن مرزهای دانش و فتح قله‌های پیشرفت ساز آن، مأموریت تاریخی خود در جهت اعتلاء ایران اسلامی را به انجام برسانند.»^(۲)

فتح قله‌های پیشرفت، نتیجه پیوند میان سه عنصر بنیادین ایمان، علم و جهاد است. این پیوند، همان چیزی

۱. پیام رهبر انقلاب علیه السلام به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها، ۱۴۰۵/۰۶/۳۱.

۲. پیام رهبر انقلاب علیه السلام به مناسبت بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها، ۱۴۰۵/۰۶/۳۱.

پرسش نامه

شماره ۳۳۱

ماهنامه مبلّغان

بسیاری از مراکز و نهادهای فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه، ماهنامه «مبلّغان» را خریداری کرده و در اختیار مبلّغان تحت پوشش خود قرار می دهند؛ از آن جاکه برخی از این مراکز، مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود، اقداماتی را انجام داده اند، بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طرح و در اختیار آنان قرار دهیم تا پس از پاسخ دهی توسط نیروهای تحت امر هر نهاد، زمینه تشویق و ارتقاء علمی مبلّغان گرامی را فراهم سازیم.

پیشنهادهای و انتقادات خود را از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۲۲۵۱۰۰۰۰۷۲ یا صندوق پستی ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸ به دفتر ماهنامه مبلّغان، ارسال نمایید.

۱. ناسیونالیسم ایده محوری خود را بر «.....» قرارداد

الف. ملت ب. دولت

ج. نظامی د. اقتصاد

۲. از بزرگ ترین خدمات تمدنی آیه الله شبیری زنجانی رحمته الله علیه، بازسازی روشمند کدام دانش است؟

الف. فقه ب. حدیث

ج. رجال د. تفسیر

۳. اقدام برنامه ریزی شده و ناگهانی گروهی برای تصاحب قدرت دولتی، که فاقد مشارکت گسترده توده های مردمی است، چه نام دارد؟

الف. انقلاب ب. کودتا

ج. شورش د. قیام

۴. مادر کدام یک از شهدای مظلوم میناب در بیان خاطره‌ای از فرزندش گفت: او با انگشتان کوچک خود، پس از نماز تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را می‌خواند؟

- الف. احمد سلطانی
ب. آریا بهادری
ج. زهرا بهروزی
د. فاطمه درازهی

۵. بعد از جنگ جهانی دوم کدام یک از مکتب‌های تمدنی زیر به طور کامل از بین رفت؟

- الف. فاشیسم
ب. لیبرالیسم
ج. سوسیالیسم
د. کمونیسم

۶. جفری اپستین در سال ۲۰۱۹ به چه اتهامی بازداشت شد؟

- الف. برگزاری مراسمات شیطانی
ب. قاچاق جنسی انسان
ج. پرونده سازی و اخاذی از سیاستمداران
د. ایجاد شبکه جاسوسی در طبقه سیاستمداران

۷. کدام کتاب آیه‌الله شبیری زنجانی رحمته الله شامل نکات علمی، تاریخی و اخلاقی و شرح حال عالمان دین در فصل طریقیات است؟

- الف. جرعه‌ای از دریا
ب. آشنای حق
ج. سیره سلف صالح
د. سیره و خاطرات علما

۸. اوج سیاست‌ورزی فاطمی کجاست؟

- الف. دفاع از ولایت در پشت در خانه
ب. خواندن خطبه فدکیه در مسجد
ج. برای یاری ولایت، دعوت از انصار و مهاجر
د. تربیت فرزندان چون امام حسن و امام حسین علیهما السلام

۹. کدام یک از اشخاص زیر در کربلا امام حسین علیه السلام را میان دشمنان تنها گذاشت و برای حفظ جان خود به سرعت رفت؟

- الف. سعد بن حذیفه
ب. هرثمه بن ابی سلیم
ج. شریح بن حارث قاضی
د. مسیب بن نجبه فزاری

۱۰. نخستین ستون آرمان شهر فاطمی چیست؟

- الف. ولایت تکوینی
ب. ولایت تشریعی
ج. توحید آزادی بخش
د. تقوای سیاسی

۱۱. مهم‌ترین ویژگی شهید علی عرب‌کیش، دانش‌آموز کلاس پنجم، که خانواده و دوستانش بر آن تأکید داشتند، چه بود؟

الف. خواندن نماز اول وقت

ب. کمک به فقرا

ج. احترام و کمک به سالمندان

د. حضور مستمر در مسجد

۱۲. نویسنده کتاب «نگاهی به زندگانی، فضائل و سیره حضرت فاطمه (علیها السلام)» کیست؟

الف. علامه جعفری

ب. علامه مصباح یزدی

ج. آیه‌الله مهدوی کنی

د. آیه‌الله سید احمد خاتمی

۱۳. حضرت زهرا (علیها السلام) عدالت را یکی از ارکان دانسته و آن را مایه می‌دانند.

الف. تشریع. آرامش قلوب

ب. عبادت. سعادت انسان

ج. حکومت. امنیت جامعه

د. اخلاق. آرامش جامعه

۱۴. جرقهٔ اعتراض مردم ایران به قانون کاپیتولاسیون مربوط به چه ماجرابی بود؟

الف. تبعید امام خمینی (ره)

ب. کشتن دختری ۱۱ ساله توسط درجه دار آمریکایی

ج. سرکوب اعتراضات مردمی توسط سربازان آمریکایی

د. حضور آزادانه سربازان آمریکایی در سطح شهر

۱۵. این شعر از کیست؟

«کس را به خیر و طاعت خویش اعتماد نیست

آن بی‌بصر بود که کند تکیه بر عصا»

ب. مولوی

د. عطار

الف. حافظ

ج. سعدی

۱۶. در سیره حضرت زهرا علیها السلام، خانواده چه جایگاهی دارد؟

- الف. پایگاه رشد انسان
ب. مرکز تربیت فرزندان
ج. کانون ساختن جهان
د. محور آرامش جامعه

۱۷. اوج هنرنویسنده در کتاب «نگاهی به زندگانی، فضائل و سیره حضرت فاطمه علیها السلام» در ترسیم کدام قسمت است؟

- الف. شهادت فاطمی
ب. ازدواج فاطمی
ج. سیاست ورزی فاطمی
د. عبادت فاطمی

۱۸. جنگ جهانی اول پس از چهار سال جنگ ویرانگار، چند نفر کشته شدند؟

- الف. ۱۰ میلیون نفر
ب. ۲۰ میلیون نفر
ج. ۳۰ میلیون نفر
د. ۴۰ میلیون نفر

۱۹. اعتراض و افشاگری حضرت امام خمینی ره به پذیرش کاپیتولاسیون از سوی حکومت وقت ایران، در چه سالی صورت گرفت؟

- الف. ۱۳۴۰ شمسی
ب. ۱۳۴۲ شمسی
ج. ۱۳۴۳ شمسی
د. ۱۳۴۶ شمسی

۲۰. این عبارت از کیست؟ «مقصد اسلام و مقصد همه انبیا علیهم السلام این است که آدم‌ها را تربیت کنند، صورت‌های آدمی را آدم معنوی و واقعی کنند»

- الف. امام خمینی ره
ب. رهبر شهید انقلاب ره
ج. علامه طباطبایی
د. شهید مطهری

پاسخ‌نامه ماهنامه «مبلغان» شماره ۳۳۱

سوالات										پاسخ‌ها
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
										الف
										ب
										ج
										د
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	
										الف
										ب
										ج
										د

الف. شرایط مربوط به متن مقاله

۱. وجود نوآوری در محتوای نوشتار (داشتن تحلیل و ایده نو)؛
۲. اتقان و انسجام متن (عدم به هم ریختگی)؛
۳. استفاده از منابع معتبر، دست اول و متعدد؛
۴. رعایت امانت در نقل و پرهیز از انتحال و سرقت علمی؛
۵. کاربردی بودن موضوع و محتوا؛
۶. صبغه دینی داشتن مطالب و استفاده از آیات قرآن، روایات معصومان علیهم السلام و تاریخ اسلام؛
۷. توجه به سطح علمی مخاطبان (مخاطبان «مبلّغان» عموماً طلاب سطح ۲ به بالا هستند)؛
۸. نگارش روان و گویا، رعایت نثر معیار و علائم نگارشی و برخورداری از وحدت قلمی؛
۹. استناد و ارجاع دهی علمی و وحدت رویه در پاورقی‌ها؛
۱۰. پرهیز از توضیح غیر ضروری، لفظ پردازی و قلم فرسایی؛
۱۱. اعراب گذاری صحیح آیات، روایات و متون عربی؛
۱۲. ترجمه و تبیین آیات قرآن کریم و روایات به صورت صحیح و مستدل؛
۱۳. برخورداری از پیوست منابع و مآخذ برای مطالعه بیشتر در متن نوشتار؛
۱۴. درج جمع بندی و نتیجه گیری مناسب در انتهای نوشتار؛
۱۵. پیوند و ارتباط دادن مطالب مقاله به مسائل روز و رویدادهای تبلیغی.

ب. شرایط مربوط به شیوه نگارش

۱. تنظیم متن بر اساس شیوه ویرایش «جدا نویسی»؛
۲. درج مستندات مطالب در پاورقی (پانویشت) و تکمیل آن به شکل زیر:
 - ارجاعات به کتاب: نام کتاب، نام نویسنده، نام مترجم یا مصحح، ناشر، محل نشر، نوبت چاپ، سال چاپ، جلد و صفحه.
 - ارجاعات به مقاله: نام مقاله در بین «» (گیومه باز و گیومه بسته)، نام نویسنده، نام نشریه، سال انتشار، شماره نشریه و صفحه.
۳. درج خلاصه در ابتدای مقالاتی که در دو یا چند شماره تدوین می شوند؛
۴. درج وضعیت و جایگاه علمی نویسنده در ابتدای مقاله (رزومه علمی نویسنده).

ج. سایر شرایط مقاله

۱. عدم چاپ و انتشار مقاله ارسالی در دیگر نشریات حوزوی و غیرحوزوی و یا پایگاه های اینترنتی؛
۲. عدم چاپ و انتشار موضوع و محتوای مقاله ارسالی در شماره های گذشته ماهنامه «مبلّغان»؛
۳. توجه به موضوعات و مسائل روز و کاربردی بودن مقاله (قابل استفاده بودن برای مبلّغان دینی)؛
۴. تنظیم و ارائه مقاله به صورت تایپی و در قالب فایل WORD؛
۵. درج شماره تماس نویسنده در ابتدای مقاله.

نمایندگی‌های فروش ماهنامه «مبلّغان»

۱. چهار محال و بختیاری، شهرکرد، بلوار طالقانی، میدان ابوریحان، مرکز مدیریت حوزه‌ی عملیه‌ی برادران، معاونت تبلیغ و امور فرهنگی.
۲. اصفهان، خیابان حافظ، مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان، کتاب فروشی عترت.
۳. خراسان جنوبی، بیرجند، خ شهید مطهری، مطهری ۸، پلاک ۷، حوزه علمیه سفیران.
۴. قزوین، خ شهید بابایی، کوچه پست (شهید اخوان یوسفی)، ک مروارید، مرکز مدیریت حوزه.
۵. خراسان رضوی، مشهد، چهارراه خسروی، خ شهید رجائی، دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. سیستان و بلوچستان، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، حوزه علمیه مکتب نرجس علیه السلام.
۷. فارس، شیراز، خیابان لطفعلی خان زند، درب شیخ، مدرسه علمیه قوام.
۸. قم، خیابان ارم، میدان شهداء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب.
۹. قم، زنبیل آباد، خیابان فجر، خیابان دانش، مجتمع آموزشی - پژوهشی تبلیغ، «کتابفروشی» و «آموزش غیر حضوری».
۱۰. قم، میدان آستانه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، درب ورودی مدرسه دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه.
۱۱. یزد، خیابان قیام، مسجد ملا اسماعیل، حوزه سفیران هدایت.
۱۲. گلستان، گرگان، افسران، نبش افسران ۴، مدیریت حوزه‌های علمیه استان گلستان، معاونت تبلیغ و امور فرهنگی.

ماهنامه «مبلّغان» تنها نشریه تبلیغی حوزه‌های علمیه

در سراسر کشور، نمایندگی فروش می پذیرد

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی و حوزه‌های علمیه در سراسر کشور
جهت ایجاد نمایندگی فروش محصولات فرهنگی - تبلیغی معاونت تبلیغ و امور
فرهنگی حوزه‌های علمیه به ویژه ماهنامه «مبلّغان» با شماره ۳۲۱۳۳۲۱۸-۲۵
تماس گرفته و یا درخواست خود را به آدرس ماهنامه مبلّغان ارسال نمایید.

قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان ماهنامه «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به شماره شبای IR۶۹۰۶۰۰۵۲۰۱۰۱۰۵۵۵۵۵۱۰۷۵ نزد بانک مهر ایران، شعبه ۵۲۰۱ (خیابان ارم قم)، به نام مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه (ماهنامه مبلغان).

مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۴۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال
و برای شش ماه (۶ شماره) ۲۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.

۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه).

۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوطه به دفتر ماهنامه مبلغان از طریق صندوق پستی ۸۶۸/۳۷۱۸۵ یا نمابر ۳۷۲۵۵۸۵۶ - ۰۲۵ و یا در پیام‌رسان ایتا به شماره ۹۱۲۶۵۱۲۶۷۵.

توجه

برای پیوستن به جمع مشترکان ماهنامه «مبلغان» توجه به نکته ذیل ضروری است:

هزینه بسته‌بندی و ارسال هر شماره از ماهنامه مبلغان مبلغ ۱/۲۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که بر عهده خریدار است.

جهت اطلاع بیش‌تر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۳۳۲۱۸



نشانی فرستنده:

استان: شهرستان:
شهر: شهرک / روستا / منطقه:
خیابان: کوچه: پلاک:
تلفن (ثابت): کد: تلفن همراه:
کد پستی: صندوق پستی:
این جانب: مبلغ: ریال
طی فیش بانکی به شماره: از طریق بانک:
شعبه: دارای کد: در تاریخ:
برای دریافت ماهنامه «مبلغان» از شماره: به تعداد: نسخه ارسال داشتم.



از این قسمت تا بنزید

پست جواب قبول

نیاز به الصاق

تمبر ندارد

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی ۸۶۸-۳۷۱۸۵
معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه
ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی «مبلغان»



MOBALLEGHAN

NO. 331

October - November; 2026



3 7 2 5 5 8 9 0 1 4 0 5 0 7 3 3 1

قیمت: ۳۵۰,۰۰۰ تومان

email: MOBALLEGHAN@ISMS.IR

